

نمایه

ترکمنستان

(Turkmenistan)



جمهوری ترکمنستان

5	اطلاعات عمومی کشور
7	حکومت
7	آموزش
7	دفاع
7	جغرافیا
8	آب و هوا
8	اقتصاد
10	قومیت ها و نژاد ها
11	توریسم
15	جشن ها و ایام ملی ترکمنستان
17	تاریخ
10	از مهاجرت اقوام ترکمن به آسیای میانه تا استقلال ترکمنستان
21	صفر مراد نیازاف و دوران حکومت او ..
24	مروری بر پیشینه ترکمنستان و خراسان
24	دوره باستانی

25 دوره اسلامی، تا ورود ترکمانان به خراسان
27 ورود ترکمانان به خراسان تا تشکیل امپراطوری سلجوقی
28 تشکیل امپراطوری سلجوقی و همزیستی خراسانی ها و ترکمانان
30 مروری بر وضعیت فرهنگی - اجتماعی سرزمین ترکمنستان در قرون پنجم تا نهم
31 عرفا و علما
33 حکام و رجال سیاسی مشترک
34 نادرشاه افشار و جایگاه وی در تاریخ مشترک خراسان و ترکمنستان
36 دوره ی قاجار، تلخ ترین یادگارها
43 فرهنگ و هنر در ترکمنستان
45 فرهنگ و هنر در بستر استقلال
45 ادبیات در ترکمنستان
52 نگاهی به کتابخانه های مهم در ترکمنستان
59 سیاست
59 نظام حکومتی
68 احزاب سیاسی
73 تحولات سیاسی، ترکمنستان بعد از نیازآف
77 رسانه

82 روابط ترکمنستان و ایران
82 ایران و ترکمنستان؛ روابط و پیوندها
83 زمینه‌های همکاری جمهوری اسلامی ایران با ترکمنستان
83 همبستگی فرهنگی، اجتماعی و تاریخی
86 همبستگی اقتصادی
92 وابستگی جغرافیایی (تأثیر جغرافیایی همکاری دوکشور)
98 اسناد روابط فرهنگی ایران و ترکمنستان
99 دین و اسلام در نزد ترکمن ها
99 دین در بستر تاریخ
101 دین خواهی در پرتو استقلال
106 اطلاعات مساجد شهر عشق آباد
109 شیعیان ترکمنستان
109 پراکندگی شیعیان در کشور
112 شرایط تبلیغی در ترکمنستان
113 فعالیت های تبلیغی دیگر کشور ها در ترکمنستان
114 تهدیدها یا تنگناهای برای تبلیغات در کشور ترکمنستان
116 پیشنهادات تبلیغی

اطلاعات عمومی کشور

نام رسمی کشور:

ترکمنستان

(Turkmenistan)

پایتخت: عشق آباد ۷۴۳،۰۰۰ (نفر در سال 2002)

زبان: ترکی ترکمنی 72%، روسی 12%، ازبک 9%، غیره 7%

نوع حکومت: جمهوری با یک مجلس قانونگذاری

مذهب: مسلمان (عمدتاً سنی) 87% ارتدوکس روسی 2%، بقیه 11%

واحد پول: منات ترکمنستان

عضویت: سازمان ملل متحد، جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع، کنفرانس امنیت و

همکاری در اروپا،

سازمان همکاری اقتصادی.

جمعیت: ۵،۰۹۷،۰۰۰ نفر در سال 2007 (صد و یازدهمین کشور جهان)

روز استقلال: از شوروی 27-10-1991

شهرهای عمده: چارجو، داش حوض، مرو، بالکان آباد

امید طول عمر: 66 سال

رشد سالانه جمعیت: 1-8%

نژاد: ترکمن 79%، ازبک 9%، روس 3%، قزاق 5-2%، بقیه 5-6%

مساحت: 488100 کیلومتر مربع (پنجاه و یکمین کشور جهان)

خط ساحلی: 3، 736 کیلومتر

مختصات جغرافیایی: 40 درجه شمالی و 60 درجه شرقی

نقشه جغرافیایی



نقشه سیاسی



حکومت :

50 عضو مجلس قانونگذاری و رئیس جمهور که فرد اصلی به صورت کامل مسائل کشور را اداره میکند و مدام العمر این پست را در اختیار دارد. احزاب عمده سیاسی عبارتند از : حزب دموکرات (کمونیست سابق) آگزیبیرلیک ، حزب احیای اسلامی ، حزب دموکرات نقش رهبری دارد.

آموزش: میزان باسوادی %98 (1989) سنین تحصیل اجباری : 7 تا 15 سال

دفاع: کل نیروهای مسلح: ۱۸,۰۰۰ نفر (1999) خدمت سربازی: 18 ماه.

جغرافیا :

ترکمنستان از نظر ناهمواریها به دو قسمت کوهستانی و هموار تقسیم می شود. کُپت داغ - کپه داغ اصلیترین رشته کوه ترکمن - خراسان است که در جنوب غربی ترکمنستان قرار دارد و ادامه این رشته کوه در غرب ، در محل کورن داغ ، به پایان می رسد. در شمال غربی کورن داغ ، کوههای بلخان کبیر و صغیر واقع شده است . کپت داغ که دارای تنگه های صخره ای بسیار و دره های عمیق است (قله ریزه با ارتفاع 942 ، 2 متر)، از رشته کوههای موازی و فلاتهایی مانند فلات دشت - تومن تشکیل شده است .

بستر رودخانه مرغاب ، دامنه های شمالی پاروپامیسوس (پاروپامیز) را دو قسمت کرده است : قسمت غربی به نام بادخیز (ارتفاع : هزار متر) و قسمت شرقی به نام قره بیل (ارتفاع : 979 متر). بلندترین کوه این کشور، قله آیری بابا، 139 ، 3 متر ارتفاع دارد و پست ترین نقطه آن ، آقچاقیه ، در دشت ساری قمیش ، 92 متر پایینتر از سطح دریاست . دشت های هموار ترکمنستان عبارت اند از: صحرای قراقوم ، دشت ساری قمیش ، دشت دریای خزر، دره ها و وادی رودهای آمودریا (جیحون)، مرغاب و تِجِن ترکمنستان به لحاظ اقلیمی بیابانی و قاره ای است .

قسمت بزرگی از ترکمنستان ، از جمله بخشهای شمالی و میانی آن ، فاقد آبهای جاری است و فقط در انتهای نواحی جنوبی و شرقی آن رودهایی وجود دارد. آمودریا، بزرگترین رود آسیای مرکزی ، از مرز شرقی ترکمنستان عبور می کند و در محدوده این کشور قابل کشتیرانی است. در قسمت جنوبی ترکمنستان ، رود مرغاب (مسیر وسطا و سفالی آن) که نقش مهمی در آبیاری اراضی دارد، رود تجن (مسیر وسطا و سفالی آن) و اترک (مسیر سفالی آن در طول مرز ایران) جریان دارند. بیشتر آبهای زیرزمینی دشت های ترکمنستان شور است . در دره های آمودریا و مرغاب و تجن ، دامنه های کپت داغ و بلخان کبیر و در بادخیز و قراقوم آبهای شیرین زیرزمینی وجود دارد.

در سواحل دریای خزر و در بستر اوزبوی دریاچه های شوری به وجود آمده که بزرگترین آنها دریاچه کولی است . بزرگترین دریاچه های آب شیرین ، یاسگا و توپ یاتان ، در دره اوزبوی اند و دریاچه ملاقه نیز در پایین اوزبوی قرار دارد. فقط 5ر1٪ از خاک ترکمنستان ، بیشتر در محدوده دره رودها، حاصلخیز است . بجز دره رودها و مناطق کوهستانی ، تمام خاک ترکمنستان پوشیده از گیاهان بیابانی است.

آب و هوا:

هوای آنجا در تابستان شدت گرم و در زمستان بسیار سرد است . در فصلهای سرد و در دوره های انقلاب جوئی ، طوفانهای شن به وجود می آید. میانگین دما در گرمترین ماه سال ، تیر، 28° و در سردترین ماه سال ، دی ، 4- است . در زمستان دمای هوا به 33- هم می رسد و این در حالی است که در تابستان دمای هوا در جنوب شرقی بیابان قراقوم تا 50° افزایش می یابد. در سراسر کشور بارندگی بندرت رخ می دهد. میانگین بارش سالانه در شمال غربی هشتاد میلیمتر و در مناطق کوهستانی سیصد میلیمتر است و بیشتر بارندگی در زمستان و بهار رخ می دهد.

اقتصاد :

اقتصاد ترکمنستان به تولید و فرآوری گاز طبیعی ، نفت ، پنبه و منسوجات وابسته است ، به گونه ای که در 1379 ش - 2000 فقط گاز طبیعی و فرآورده های نفتی حدود 70٪ از ارزش

کل صادرات آن را تشکیل می داد. در همین سال سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی حدود 10% بود، در حالی که تقریباً 48% از نیروی کار در این بخش مشغول به کار بوده. محصول اصلی کشاورزی، پنبه است که تولید آن در 1378 ش - 1999 برابر با 000، 030، 1 تن بود. نظام آبیاری گسترده، بویژه از طریق آبراهه قراقوم موجب توسعه کشاورزی در ترکمنستان شده است. بهره برداری بیش از حد از زمینهای کشاورزی برای تولید پنبه، زیانهای جدی به محیط زیست وارد آورده است. علاوه بر آلودگی آبهای سطحی، برداشت بیش از اندازه آب از آمودریا به خشک شدن تدریجی دریاچه آرال انجامیده است. با توجه به تک محصولی شدن ترکمنستان (صرفاً کشت پنبه) از دوره شوروی تاکنون، این کشور شدیداً به واردات مواد غذایی وابسته است. با این حال، ترکمنستان با فاصله گرفتن از این سیاست شوروی سابق، تولید گندم خود را در 1378 ش - 1999 به حدود 1/5 میلیون تن رساند. پرورش گوسفند برای تولید پشم و پوست و تولید ابریشم از دیگر بخشهای پر رونق کشاورزی ترکمنستان است.

در 1376 ش - 1997، تولیدات صنعتی 62/5% از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می داد، درحالی که فقط حدود 18% از نیروی کار در این بخش مشغول بود. صنایع ترکمنستان عمدتاً به بهره برداری نفت و گاز و تولید پنبه و انرژی محدود می شود و صنایع سنگین کشور شامل صنایع نفت و گاز و پتروشیمی قره بغاز است. ترکمنستان از نظر منابع معدنی، بویژه نفت و گاز، غنی و از نظر ذخایر گاز طبیعی چهارمین کشور جهان است، طبق برآوردهای دهه 1370 ش - 1990، ذخایر قابل بهره برداری نفت ترکمنستان حدود چهار میلیارد بشکه است. همچنین ذخایر بزرگی از ید، بُرم، سولفات سدیم (در ناحیه قره بغاز گل)، سنگ گچ و انواع نمک دارد. یکی از مشکلات اصلی ترکمنستان در صادرات ذخایر عظیم گاز، وابستگی به تنها خط لوله ای بود که تحت نظارت روسیه قرار داشت. ازینرو ترکمنستان در اواخر 1376 ش - 1997، خط لوله جدیدی از مسیر ایران افتتاح کرد و در 1379 ش - 2000، پس از چند بار

قطع صدور گاز، خط لوله گاز اوکراین را بازگشایی نمود. ترکمنستان برای کاهش وابستگی به روسیه، در 1372 ش - پول ملی خود، منات ترکمن، را به جریان انداخت.

این کشور از 1375 ش - 1996، با توسعه تدریجی بخش خصوصی، از نظام اقتصاد سوسیالیستی فاصله گرفت، با اینحال توسعه اقتصادی آن تا حد زیادی به بهره برداری از ذخایر غنی گاز و نفت وابسته است. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، بخش مهمی از تجارت ترکمنستان با همسایگانش (ایران و قزاقستان و ازبکستان) صورت گرفته است و ترکیه و روسیه و اوکراین نیز از شرکای عمده تجاری آن بوده اند.

مهمترین وسیله حمل و نقل در ترکمنستان، راه آهن است. خط آهن اصلی در غرب، از ترکمنباشی در کناره دریای خزر آغاز می شود و با گذر از عشق آباد و مرو و سرانجام چارجو، در مشرق به شبکه راه آهن ازبکستان می پیوندد. در 1377 ش - 1998، طول خط آهن 313، 2 کیلومتر بود. ترکمنستان در 1375 ش - 1996 با افتتاح راه آهن تجن - سرخس - مشهد به شبکه راه آهن ایران متصل شد و از این راه به نزدیکترین دریای آزاد، یعنی خلیج فارس، دسترسی پیدا کرد.

قومیت ها و نژاد ها:

با وجود جمعیت اندک، کشور ترکمنستان کشوری چند ملیتی است و گروههای قومی و ملی براساس قانون اساسی از حقوق مساوی برخوردارند. براساس برخی برآورد ها نمایندگان بیش از یکصد ملیت و قومیت در ترکمنستان سکونت دارند. سرشماری سراسری دولتی سال 2007 گویای آن است که آمار جمعیت ترکمنستان در مجموع ۵,۰۹۷,۰۰۰ نفر است که از این تعداد 77٪ ترکمن - 6/2٪ ازبک، 6/7٪ روس - 2٪ قزاق - 5/8٪ ارمنی - 5٪ آذری - 5/8٪

تاتار - 5/8 % بلوچ و 0/5% اکرایی هستند. همچنین گروههایی از کرد ها، کره ای ها، دونگانها، خزرها، یهودیان و سایر قومیت ها نیز در ترکیب قومی ترکمنستان وجود دارند.

توریسم:

ترکمنستان دارای آثار تاریخی و مراکز دیدنی بسیاری است. جاده ابریشم که در گذشته دور نقشی بسیار مهم در جاده ابریشم که در گذشته دور نقشی بسیار مهم در برقراری ارتباطات بازرگانی شرق و غرب داشته، در قسمتی از مسیر طولانی خود از آسیای مرکزی و بالطبع از ترکمنستان گذشته و به بنادر شرقی دریای مدیترانه منتهی می‌شد. هم اکنون خرابه‌ها و آثار برجای مانده از دوره فعالیت این جاده و دوره‌های پیشتر واقع در مسیر آن گویای اهمیت آن در حیات اقتصادی و فرهنگی مردم آن دوران است. در ذیل با برخی از مهمترین آثار تاریخی ترکمنستان آشنا می‌شویم.

آشنایی با عشق‌آباد :

براساس کشفیات باستانشناسی سکونت در عشق‌آباد از اواخر سده اول قبل از میلاد آغاز شده است ولی در اراضی شهر عشق‌آباد کنونی از آثار معماری آن دوره چیزی برجای نمانده است. در اوایل قرن نوزدهم عشق‌آباد به شهر تبدیل شد. نام این شهر در سال 1920 با روی کار آمدن بلشویکها به «پالتارسک» تغییر یافت و پس از تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان در سال 1924 و الحاق آن به اتحاد جماهیر شوروی نام سابق آن یعنی عشق‌آباد دوباره در سال 1927 اعاده شد و طی 10 سال به سرعت توسعه یافت .

در همین سالها تعداد زیادی و احد صنعتی، نخستین هتل شهر به نام «دوم ساوتف» (کاخ شوراها)، دانشگاه تربیت معلم، ایستگاه راه آهن و هنرستان موسیقی ساخته شد. در سالهای جنگ جهانی دوم عشق آباد به عنوان شهری در پشت جبهه پذیرای موسسات و ادارات شهرهایی نظیر مسکو و کیف و غیره گردید که از جمله می توان به دانشگاه دولتی مسکو، استودیوی فیلمسازی کیف اشاره نمود. همین امر در توسعه صنعتی و علمی و فرهنگی شهر در سالهای بعد تأثیر به سزایی داشت. در ساعت 1 و 17 دقیقه بعد از نیمه شب روز 6 اکتبر سال 1948 زمین لرزه ای به شدت 9 تا 10 درجه ریشتر در عشق آباد به وقوع پیوست که در نتیجه آن شهر تقریباً با خاک یکسان شد.

زمین لرزه شهر به تدریج باز سازی شد. در سالهای دهه های 50 و 60 قرن بیستم میلادی در این شهر آکادمی علوم ترکمنستان، دانشگاه دولتی ترکمنستان (دانشگاه مختومقلی کنونی)، پژوهشکده های علمی و تحقیقاتی، تئاترها و موزه ها تأسیس گردید. در سالهای اخیر شهر عشق آباد از نظر شهرسازی با شتاب بسیار توسعه می یابد و مرکز جدید عشق آباد برگرداگرد بنای یاد بود بیطرفی ترکمنستان و موزه یاد بود قربانیان زمین لرزه عشق آباد که در سال 1999 ساخته شد، شکل می گیرد. محلاتی نظیر «میر»، «گونشلی» و مجموعه هتل های جدید در شهرک برزنگی از محلات نوساز شهر به شمار می آیند .

از اینبه دیگری که در عشق آباد در سالهای اخیر احداث شده اند می توان فرودگاه بین المللی جدید، موزه ملی، پژوهشکده ملی نسخ خطی، مساجد ارطغرل غازی و گوک تپه، کاخ جدید ریاست جمهوری و فرهنگسرای «روحیت»، کاخ عدالت (محل استقرار وزارت دادگستری، دادستانی، دیوان عالی کشور) کاخ وزارت دفاع و عمارت نوساز مجلس ترکمنستان را نام برد.

از نظر جغرافیایی و اقلیمی عشق آباد در بخش میانی جلگه دامنه رشته کوه کوپت داغ در ارتفاع 200 متری بالاتر از سطح آبهای آزاد قرار دارد. از طرف شمال به کویر قره قوم منتهی

می‌شود. آب و هوای عشق آباد مانند سایر مناطق ترکمنستان شدیداً ببری است و تابستانی سوزان و خشک دارد. میانگین دمای هوا در فصل تابستان حدود 40 درجه است و در زمستان از 6- درجه تا 8+ درجه نوسان دارد. شبکه هتل های عشق آباد بسیار مدرن و زیباست و شامل هتل های چهار و پنج ستاره با مدیریتی به سبک اروپائی است.

در فروشگاههای متعدد عشق آباد محصولات صنایع دستی ترکمن و زرگری سنتی ترکمنی عرضه می‌شود از نقاط دیدنی شهر بازار های آن است که معروفترین آنها تکه بازار، روسکی بازار، تالکوچکا (بازار هفتگی خارج از شهر) و آپتووی بازار (محل عمده فروشی برخی از انواع مواد غذایی و وسایل مصرف همگانی)، بازار میر، بازار استوفانتان، بازار استاری یارمارکا می باشد. بزرگترین بازار خارج شهر بنام تالکوچکا که به جغلق بازار و یکشنبه بازار نیز معروف است که روزهای شنبه، یکشنبه و پنجشنبه صبح زود تا ساعت 2 بعدازظهر دایر است .

آثار تاریخی و فرهنگی مرو :

قصبه توغلوک، ارگ قلعه، گیاور قلعه، قیز قلعه، سلطان قلعه، شهریار ارگ، عبدالله خان قلعه، مسجد خواجه یوسف همدانی، بایرام علی خان قلعه، دهستان، پارائو، شهر اسلام، نسا، آنو، ایبورد، میهنه، سرخس، دندانقان، قدمگاه امام رضا(ع) در مرو

آثار تاریخی و فرهنگی کهنه اورگنج (گرگنج یا اورگنج قدیم) :

آرامگاه فخرالدین رازی، آرامگاه توره‌بگ خانم، مجموعه آرامگاه نجم الدینکبری و سلطان علی، مناره قدیمی واقع در مرکز آن، مدرسه ابن حاجب، آرامگاه سید احمد، آرامگاه یوسف بگ.

صنایع دستی و سنتی :

صنایع دستی و هنرهای سنتی ملی ترکمن شامل زرگری، قالیبافی، نم‌بافی، فلزکاری، صنایع چوب، پوست و چرم، سفالگری، ابریشم بافی و گلدوزی است که در ذیل به اسامی محصولات و تولیدات برخی از آنها اشاره می‌شود.

• زرگری؛ محصولات زرگری سنتی ترکمن عبارتند از : قبه، گل یقه، النگو، مانگلاپلیق و ... مواد مورد استفاده در زیور آلات سنتی زنان ترکمن غالباً عبارتند از طلا، نقره و عقیق و غیره که از نظر شکل این زیور آلات به ساز و برگ رزم (البته در ابعاد کوچک) شباهت دارد.

• فرش و تولیدات قالیبافی؛ تولیدات قالیبافی عبارتند از جوال، انواع توره، خورجین، قالی و قالیچه، قاپلیق (پرده مخصوص در اتاق)، آت حالی (فرش مخصوص اسب)، ارلیک (فرش مخصوص زین اسب)، دویه حالی (فرش تزئینی مخصوص شتر که در عروسی مورد استفاده قرار می‌گیرد)، پلاس و گلیم. مواد مورد استفاده در فرش ترکمن شامل ابریشم، پشم شتر، گوسفند، نخ پنبه و رنگهای طبیعی است. فرش ترکمن از شهرت جهانی برخوردار است

• نم‌بافی؛ شامل چکمه‌های نمدی چوپانی، نم‌خانگی، عرق گیر اسب، جل شتر و غیره است

• ابریشم بافی؛ برخی از محصولات ابریشم بافی سنتی ترکمن عبارتند از : پارچه‌های ابریشمی با رنگهای گوناگون به نام های کتنی، دارایی، سوسانی و چُب بتف، آلاچا، گودری، قارما، قالیبری

• پشم بافی؛ روسری های دست بافی از پشم شتر و گوسفند نظیر قینگاچ، دویپلی قینگاچ و غیره

• گلدوزی؛ نمونه‌های گلدوزی سنتی ترکمنی را در لباسهای زنان و مردان ترکمن نظیر کورته، چابیت، و کلاه سنتی «تاخیا» می‌توان مشاهده کرد و این هنر با نساجی سنتی ترکمنی ارتباط تنگاتنگ دارد

• چرم دوزی؛ تولیدات چرم دوزی سنتی ترکمنی شامل انواع کفش (کووش، چوقوی، چارق، یلکن، چپک)، کلاه، پوستین، پالتو، و یراق اسب است. موارد مورد استفاده در این رشته علاوه بر چرم و پوست، عقیق، طلا و نقره و پشم می‌باشد.

جشن‌ها و ایام ملی ترکمنستان :

- یکم ژانویه (11 دی) - سال نو مسیحی
- دوازدهم ژانویه (22 دی) - سالروز گرامیداشت خاطره شهدای جنگ گوگ تپه
- نوزدهم فوریه (30 بهمن) - سالروز جشن پرچم ملی ترکمنستان
- بیستم مارس (29 یا 30 اسفند) - روز زن
- بیست و یک و دوم مارس (1 و 2 فروردین) - عید نوروز و جشن بهار
- اولین یکشنبه ماه آوریل (8 اردیبهشت) - جشن گرامیداشت اسب اصیل ترکمنی
- هشتم ماه می (18 اردیبهشت) سالروز گرامیداشت خاطره قهرمانان ملی ترکمنستان و شهدای جنگ جهانی دوم
- نهم ماه مه (19 اردیبهشت) - سالروز پیروزی بر فاشیسم
- هیجده ماه می (28 اردیبهشت) روز رستاخیز و وحدت ملی
- نوزده ماه مه (29 اردیبهشت) - روز گرامیداشت مختومقلی
- آخرین یکشنبه ماه مه (5 یا 6 خرداد) - جشن فرش ترکمن

- دومین یکشنبه ماه اوت (20 یا 21 مردادماه) - جشن خربزه ترکمن
- آخرین یکشنبه سپتامبر (7 یا 8 مهرماه) - روز نوازنده ها خواننده های ترانه های سنتی ترکمنی (روز بخشی ترکمن)
- ششم اکتبر (14 مهرماه) - سالروز گرامیداشت کشته شدگان زمین لرزه عشق آباد
- بیست و هفتم - هشتم اکتبر (5 و 6 آبان) - سالگرد استقلال ترکمنستان
- هفدهم نوامبر (26 آبان) - روز دانشجو
- آخرین یکشنبه ماه نوامبر (3 یا 4 آذر) - جشن محصول
- اولین یکشنبه ماه دسامبر (10 یا 11 آذر) - جشن همسایه ها
- دوازده دسامبر (21 آذر) - سالروز بیطرفی
- عید قربان - روز برگزاری عید قربان به تصمیم هیئت دولت ترکمنستان مشخص می شود - معمولاً سه روز تعطیل رسمی است

تاریخ :

از مهاجرت اقوام ترکمن به آسیای میانه تا استقلال ترکمنستان:

ترکمنها اخلاف قبایل غز_اغز هستند که در حدود سده ی چهارم شمسی به آسیای مرکزی مهاجرت کردند. در سده نهم شمسی ترکمنها قومی مستقل شناخته شدند. وفاداری های قبيله ای و تقسیمات منطقه ای موجب شد که ترکمنها به استقلال سیاسی دست پیدا نکنند. از سده نهم تا یازدهم، قبایل جنوبی تحت حاکمیت حکومت های ایرانی قرار داشتند، در حالی که قبایل شمالی در قلمرو خانات خیوه و بخارا بودند. در اوایل سده دوازدهم ، ایرانی ها قلمرو خانات خیوه و بخارا را به خاک خود منضم ساختند؛ اما خانات بخارا بار دیگر در نیمه دوم همین سده مستقل شدند و مرو را دوباره تصرف و جمعیت آن را به طور کامل به بخارا منتقل کردند. ضمناً روسها که پیشروی خود را به سوی آسیای مرکزی آغاز کرده بودند، در سده سیزدهم بتدریج خانات بخارا را به اجبار تحت الحمايه خود کردند.

در 1286 - 1869، نیروهای نظامی روس به فرماندهی استولتوف در ساحل شرقی دریای خزر پیاده شدند و در آنجا شهر کراسنووودسک (ترکمنباشی کنونی) را ساختند. از 1287 - 1870، درگیری های مسلحانه ی ترکمن های ایل تکه با روسها آغاز شد. در 1290 - 1873 روسها، در جریان فتح خیوه ، ترکمن های یموت آن منطقه را بشدت سرکوب کردند و در 1294 - 1877، حملات اصلی خود را بر ضد ترکمن ها آغاز نمودند. در یکی از نبردهای مهم ، ترکمن های تکه آخال و مرو متحد شدند و قشون روسیه به فرماندهی ژنرال لوماکین را در 1295 - 1878 مجبور به عقب نشینی کردند. سال بعد در نبرد مجدد لوماکین با ترکمن های تکه آخال در منطقه گوک تپه ، وی شکست سنگینی خورد. اوج این درگیری ها در صفر 1298_ ژانویه 1881 بود که در آن روسها به فرماندهی ژنرال اسکولف با تصرف گوک تپه و با کشتن بیش

از چهارده هزار ترکمن بر منطقه مسلط شدند. در 25 جمادی الاثنی 1298 - 25 مه 1881، امپراتور روسیه الحاق قلمرو ترکمنهای تکه را با عنوان «استان ماورای خزر» به روسیه، اعلام کرد.

دولت ایران در دوره ناصرالدین شاه با تسلیم شدن به قرارداد آخال، که در 22 محرم 1299 - 12 دسامبر 1881 منعقد شد، عملاً الحاق بخش هایی از خاک ایران را به روسیه پذیرفت. در 1300 - 1883، روسها جلگه تجن در شمال خراسان را تصاحب کردند و در اوایل 1301 - 1884 مرو و سپس سرخس را به متصرفات خود افزودند. سال بعد، قبایل ساریق - ساریک و سالور در سرحد افغانستان به آنها ابراز وفاداری کردند. در 1313 - 1895، بریتانیا سلطه روسها را بر این منطقه تصدیق کرد.

در 1335 - 1917، بلشویکها کوشیدند بر این منطقه تسلط یابند، اما مردم از آنان حمایت چندانی نکردند. نیروهای شوروی به عشق آباد فرستاده شدند و در 17 رجب 1336 - 30 آوریل 1918، جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی ترکستان، که ماورای خزر را هم در بر می گرفت، اعلام شد؛ اما در شوال همان سال، مخالفان بلشویکها با حمایت نیروهای بریتانیایی، حکومت بلشویکها را سرنگون کردند و در عشق آباد حکومت مستقلی ایجاد شد که به دعوت آن قوای بریتانیا به فرماندهی ژنرال مالسون، در عشق آباد مستقر گردید. دولت جدید، پس از خروج نیروهای بریتانیا از منطقه، سرنگون شد. و در اوایل 1338 - 1920، ارتش سرخ به فرماندهی ژنرال فرونزه و کوی بیشف بر عشق آباد تسلط یافت. قسمتی از قلمرو ترکمنستان کنونی، در جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی ترکستان (1918-1920) و قسمتی دیگر در جمهوری شورایی خلق خوارزمیان (1920-1924) و جمهوری شورایی خلق بخارا (1920-1924) قرار داشت.

جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان در 5 آبان 1303 - 27 اکتبر 1924 در آسیای مرکزی ایجاد شد و نخستین رئیس جمهور آن قای قی سیز آتابایف بود. در 23 اردیبهشت 1304 - 13 مه 1925، جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان رسماً به اتحاد جماهیر شوروی پیوست. در دهه 1300 ش - 1920، مرحله دوم قیام باسماچیان بر ضد سلطه شوروی در ترکمنستان صورت گرفت. برنامه اشتراکی کردن کشاورزی که در 1308 ش - 1929 آغاز شد و اسکان اجباری کوچ نشینان در کشتزارهای اشتراکی موجب مقاومت مسلحانه بر ضد نیروهای شوروی شد که تا 1315 ش - 1936 ادامه یافت.

در 1307 ش - 1928، مبارزه با دین در ترکمنستان آغاز شد و تقریباً تمامی نهادهای اسلامی، از جمله مدارس و دادگاهها و مساجد، بسته شد. در 1335 - 1917، حدود پانصد مسجد در منطقه فعال بود، اما شمار آنها در 1358 - 1979 به چهار مسجد فعال رسید و عشق آباد تنها مرکز جمهوری های آسیای مرکزی بود که تا 1368 ش - 1989 مسجد فعال نداشت. در اوایل دهه 1310 ش - 1930، روشنفکران ترکمن برای خودمختاری سیاسی بیشتر ترکمنستان، مبارزه کردند و بسیاری از آنان زندانی یا اعدام شدند. در اواخر دهه 1310 - 1930، دامنه پاکسازی های استالینی به دولت و مقامات حزب کمونیست ترکمنستان نیز کشیده شد که از جمله نادر بای آیتاکوف (رئیس شورای عالی جمهوری) و آتابایف (نخستین رئیس جمهور ترکمنستان شوروی) در 1316 - 1937 به دستور استالین کشته شدند.

مهاجرت روس ها به شهرهای ترکمنستان طی دهه 1300 - 1920 و پس از آن، بتدریج از سهم ترکمن ها در سیمت های مهم جمهوری کم کرد. در 1337 ش - 1958، بابایف، دبیر اول حزب کمونیست ترکمنستان، پیشنهاد کرد که سمت های مهمتری به ترکمنها داده شود. به دنبال این امر، وی و بسیاری از همکارانش از حکومت برکنار شدند. حزب کمونیست ترکمنستان با وجود سلطه پیوسته، در برابر فشارهای مردمی مجبور به اعطای برخی امتیازات

شد. در 3 خرداد 1369 - 24 مه 1990، زبان ترکمنی رسماً زبان دولتی شد و جای زبان روسی را گرفت و ترکمنستان آخرین جمهوری شوروی بود که این قانون را تصویب کرد .

بعد از استقلال شورای عالی ترکمنستان قانون استقلال را به تصویب رساند و نام جمهوری را از جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان به جمهوری ترکمنستان تغییر داد. در 30 آذر 1370 - 21 دسامبر 1991، ترکمنستان با امضای بیانیه آلماتا به ده جمهوری عضو دولتهای مستقل مشترک المنافع پیوست .

بنا بر قانون اساسی جدید، که در 28 اردیبهشت 1371 - 18 مه 1992 به تصویب رسید، اختیارات رئیس جمهور افزایش یافت و هم زمان ریاست هیئت دولت ، ریاست کشور و فرماندهی عالی نیروهای مسلح نیز به وی اعطا شد. رئیس جمهور همچون پنجاه نماینده مجلس قانونگذاری با رأی مردم برای دوره پنج ساله انتخاب می شود. در قانون اساسی ، مجلس دیگری به نام شورای خلق ، به عنوان نهاد عالی نمایندگان ، پیش بینی شده است که نقش مشورتی دارد و می تواند مقولات مهم سیاسی و اقتصادی و عملکرد رئیس جمهور را به بحث بگذارد و در مورد آنها تصمیم بگیرد. همچنین این شورا می تواند خواستار تغییر قانون اساسی شود . شورای مذکور شامل پنجاه نماینده ی مجلس ، پنجاه نماینده برگزیده و ده نماینده منصوب از حوزه های انتخاباتی ترکمنستان ، اعضای شورای وزیران و دیگر شخصیت های برجسته ی کشور است . ریاست این نهاد را رئیس جمهور برعهده دارد. طبق قانون اساسی 1371 ش - 1992، ساختار سیاسی ترکمنستان مبتنی بر سکولاریسم است .

در اوایل دی 1378 - اواخر دسامبر 1999، مجلس ترکمنستان با اصلاح قانون اساسی ، دوره ریاست جمهوری صفرمراد نیازاف را برای مدتی نامحدود افزایش داد. وی از 1364 تا 1368 ش - 1985_1990، دبیر اول حزب کمونیست ترکمنستان بود و پس از آن نیز ریاست شورای

عالی ترکمنستان را به عهده داشت و در خرداد 1371 - ژوئن 1992 نخستین رئیس جمهور ترکمنستان شد.

با آنکه عملاً تنها حزب فعال، حزب دموکراتیک ترکمنستان است - که در آذر 1370 - دسامبر 1991 ایجاد شد - در اواخر 1372ش - 1993 به حزب عدالت دهقانان نیز اجازه فعالیت داده شد. تنها حزب مخالف دولت، آغزی بیرلیک است که فعالیت آن غیرقانونی است.

صفر مراد نیازاف و دوران حکومت او :

صفر مراد نیازاف بارزترین چهره سیاسی و ملی ترکمنستان بود. لازم به ذکر است که پس از مرگ او و با روی کار آمدن محمد بردی اف هنوز تغییرات مهمی در ترکمنستان شکل نگرفته و از آنجایی که این کشور یک کشور شخص محور و یک دیکتاتوری تمام عیار است دانستن زندگی نامه و اقدامات نیازاف بسیار مفید است. او در 19 فوریه 1940 در یک خانواده کارگری به دنیا آمد و کودکی سختی را پشت سر گذاشت چرا که پدرش در جریان جنگ جهانی دوم کشته شد و سایر اعضای خانواده اش را نیز در زلزله 1948 عشق آباد از دست داد. او در یک دارالایتام پرورش یافت و پس از آن نیز در کنار اقوام خود زندگی کرد. نیازاف پس از طی دوره دبیرستان و دانشگاه از مؤسسه پلی تکنیک لنین گراد به عنوان مهندس برق فراغ التحصیل شد. پس از کار در نیروگاه بزمینن به زندگی سیاسی وارد شد و در سلسله مراتب حزب کمونیست ترکمنستان رشد کرد. او در سال 1985 به عنوان رئیس شورای وزیران جمهوری تعیین شد و به دلیل کار سخت به عنوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکمنستان یعنی بالاترین مقام دولتی و حزبی انتخاب گردید. وی در 13 ژانویه 1990 به ریاست مجلس عالی قانون گذاری انتخاب شد و در 27 اکتبر 1992 با کسب حدود 98/3 درصد آرا به عنوان

اولین رئیس جمهور منتخب در این کشور دست یافت. در 15 ژانویه 1995 دوره ریاست جمهوری تا سال 2002 تمدید شد که البته بعداً مجلس مصلحت خلق در سال 1999 او را به عنوان رئیس جمهور مادام العمر اعلام نمود.

وی غیر از به دست آوردن عنوان ترکمن باشی (پدر ترکمن ها) و اولین قهرمان ملی ترکمنستان، جایزه مختوم قلی را به خاطر نائل آمدن به هدف آن شاعر و متفکر بزرگ یعنی ایجاد دولت مستقل ترکمنستان دریافت کرد. نیازاً با احتساب دورانی که از سال 1985 به عنوان دبیر کل حزب کمونیست در مصدر امور قرار گرفت تا انتخاب وی به عنوان رئیس جمهور ترکمنستان در 17 اکتبر 1991 و تا زمان مرگش در 21 دسامبر 2006 به مدت 21 سال با اقتدار تمام بر ترکمنستان حکومت کرد.

نیازاً طی مدت زمامداری به خوبی توانست مناسبات ویژه ای را با همسایگان خود و حتی قدرت های بزرگ برقرار نماید. بگونه ای که با وجود تمام انتقاداتی که کشورهای قدرتمند و سازمانهای دفاع از حقوق بشر به جهت فقدان دموکراسی و عدم رعایت حقوق بشر به وی داشتند هیچگاه حاضر نشدند موضع گیری تندی در این رابطه داشته باشند. آنها حتی حمایت از اپوزیسیون و گروه های مخالف، از حد حرف و کلام آن هم با ملاحظات فراوان تجاوز نکردند.

البته نباید منافع اقتصادی و همچنین حضور قدرت های بزرگ را در منطقه از یاد برد. برقراری توازن بین واشنگتن و مسکو از فراز های مهم دیپلماسی نیازاً محسوب می شود که بدون شک اثبات سیاست بی طرفی ترکمنستان در منازعات و مجادلات بین المللی را باید سیاست خردمندانه ای توصیف کرد. اما در بعد داخلی با وجود منابع غنی، نیازاً نتوانست از این منابع سرشار برای بازسازی کشورش استفاده نماید و رونق اقتصادی به وجود آورد. سیاست های اقتصادی نیازاً در سال های اخیر به نوعی ادامه دهنده سیاست های این جمهوری در دوران

حاکمیت کمونیست ها بود. طی سال های پایانی دهه 90 جذب سرمایه گذاری در این کشور روند صعودی داشت اما قوانین سخت گیرانه که از سال 1999 به بعد تصویب شد، حجم این سرمایه گذاری ها را کاهش داد. ثروت گریزی یکی دیگر از مواردی بود که همواره نیازأف در سخنانش به آن اشاره می کرد. تحلیلگران عقیده دارند 23 سال حضور پیوسته در رده های مختلف حزب کمونیست چنین شخصیتی را از او ساخته بود .

نیازأف همچنین در حکومت داری شیوه بخصوصی داشت، به طوری که پیوسته افرادی که با او کار می کردند تعویض می شدند. در سال 1995 نیازأف در قبال ناآرامی های که رخ داد (راهپیمایی ژوئیه 1995) از خود واکنش نشان داد و 10 نفر از 50 رئیس اجرایی محلی را از کار برکنار کرد. همچنین در ژوئن 1996 نیازأف چندین پست ارشد در وزارت دفاع را به بهانه رانت خواری و رشوه گیری محلی از کار برکنار کرد. این پاکسازی ها با برکناری دو رهبر اجرایی ادامه یافت. این روند در سال 1997 با برکناری دادستان کل به ناآرامی های صورت گرفته پیگیری شد. این روند تا سال 2006 (زمان مرگ نیازأف) به طور مداوم و به بهانه اهمال و کم کاری در کلیه ساختارهای حکومت رخ داد.

نیازأف ماه ها و روزهای هفته را به اسامی قهرمانان ملی و اعضای خانواده اش از جمله مادرش نام گذاری کرد. وی پخش موسیقی ضبط شده در مراسم عروسی و جشن ها و تلویزیون را ممنوع کرده و علت آن را دفاع از فرهنگ اصیل ترکمنی در مقابل فرهنگ های مهاجم اعلام کرده بود. همچنین کتابی در سه جلد به نام روحنامه منتشر کرده که در ترکمنستان در حد کتاب مقدس بوده که در بعضی از مقاطع تحصیلی، مورد تدریس قرار می گیرد. مفاد آن اندرز و نصایح اخلاقی است و در کل مانیفست اجتماعی و فرهنگی نیازأف است و تمام دیدگاه های او در این زمینه ها است .

مروری بر پیشینه خراسان و ترکمنستان :

دوره باستانی:

از آغاز ایجاد مدنیت در فلات ایران، خراسان جزئی از حوزه ی تمدنی ایران زمین و ابتدا سرزمین قوم پارت و مشهور به «پَرْتَوَه» یا «پَرْتَوَه» بود؛ عنوانی که هنوز هم به صورت «بارتاوا» یا «بارساوا» در متون و زبان فرنگیان شناخته شده است. پارت ها که عنوان «جنگ های پارتیزانی» در فرهنگ جهانی برگرفته از نام و شیوه های جنگی آن قوم است، از اوایل ورود اقوام آریایی به فلات ایران در همین سرزمین ساکن شدند و حکومتی نیمه مستقل تشکیل دادند که در دوره ی حکومت مادها، هخامنشیان و سلوکیان تابع آن حکومت ها بودند. اما از نیمه ی قرن سوم قبل از میلاد با غلبه بر سلوکیان و بیرون راندن آنها از خراسان، خود حاکم اصلی این ولایت و بعد همه ی ایران شدند و با نام «اشکانیان» (برگرفته از نام پیشوای آن قوم به نام «اشک») حکومت و دولتی قوی و نامی تشکیل دادند.

شهر حکومت نشین «مهرداد کرت» در ولایت نسا که اینک خرابه های آن با عنوان شهر «نسای پارتی» در جوار شهر عشق آباد در محل روستای باقر برجاست، ساخته ی اشکانیان و مرکز اولیه ی حکومتشان بوده است. اغلب شهرهای دیگر باستانی و تاریخی واقع در ترکمنستان نیز توسط پارت ها و اشکانیان، یا دیگر دودمان های حکومت گر ایرانی، چون هخامنشیان ساخته شده است. بدین سبب نام اغلب شهرهای باستانی ترکمنستان (چون: نسا، باورد، دهستان، سرخس، مرو، مرورود، کشمیهن، کالف، زم، آموی، خوارزم ...) در منابع باستانی یا کتاب دینی ایرانیان (اوستا)، شاهنامه ی فردوسی و کتیبه های باستانی ذکر شده است. به عبارتی، جز در حدود یک سده ای که اسکندر و سرداران وی با نام «سلوکیان» در

ترکمنستان کنونی حکومت نمودند و شهر و شهرک هایی ایجاد کردند، بقیه ی مدنیت آن کشور حاصل تلاش و تدابیر اقوام و حکومت های ایرانی است.

دوره اسلامی، تا ورود ترکمانان به خراسان :

در این دوره ی چهارصد ساله، که با ظهور اسلام و فتح ایران و خراسان توسط مسلمانان و پذیرش اسلام از سوی خراسانی ها آغاز شد، عموماً همه ی مردم این دیار اعم از بومی ها و اعراب فاتح، به مثابه ی ملت و امتی واحد در کنار یکدیگر به زندگی مشترک و خلق فرهنگ و تمدنی شکوفا و پویا پرداختند. خلفای راشدین و پس از آنها بنی امیه هم حکام عرب یا ایرانی را به خراسان گسیل می کردند تا با استقرار در شهرهای بلخ و مرو به اداره ی خراسان و ماوراءالنهر بپردازند. بدین سبب بود که ابومسلم خراسانی قیام خود علیه عمال بنی امیه در خراسان را به سال 129 د مرو آغاز کرد و سه سال بعد به پیروزی رساند.

وی با این قیام سهم خراسانیان را در تاریخ جامعه ی اسلامی افزایش داد، همچنین مرو را در پیشانی حوادث مهم تاریخی دنیای اسلام و حتی جهان نشانده. بار دیگر هم با مرگ هارون الرشید (سال 193) در توس و بروز اختلاف میان دو فرزندش و حمایت ایرانیان از مأمون نیمه ایرانی بود که مرو اهمیت یافت. ایضاً دعوت مأمون از امام شیعیان حضرت رضا (ع) به مرو در سال 200 و اعلام ولیعهدی آن حضرت در سال 201، شهر مرو درخشش دیگری در عرصه ی تاریخ جامعه ی اسلامی و تشیع یافت و کانون توجه جهان آن روز تا قرون بعد شد. بدین سبب شهر مرو برای شیعیان، خصوصاً مردم خراسان رضوی و مرکز آن (شهر مشهد) که عمده ی سعادت های 1200 ساله ی خود را مدیون وجود حرم آن حضرت در این دیار هستند، می توانند این واقعه را یکی از علقه های فرهنگی خود با کشور ترکمنستان خصوصاً شهر مرو

بدانند و به تقویت این پیوند تاریخی بپردازند. از جمله، وجود بقایای کاخ مأمون در سطح ویرانه های شهر مرو - که شیعیان آن را قدمگاه حضرت رضا (ع) می خوانند - و کوشش برای ساختن نمادی فرهنگی - مذهبی در آن محل، از زمره فرصت های مناسب و مثبت در رابطه ی فرهنگی خراسان و ترکمنستان می باشد.

دوره ی دویست ساله ی حکومت ایرانیان، خصوصاً خراسانی ها و ماوراءالنهری ها، چون طاهریان و سامانیان بر ایران شرقی و خراسان، از شکوفایی خاصی برخوردار بود و موجب پیدایش شهرهایی جدید و هم فرهنگ و مدنیتی درخشان و ظهور دانشمندان و عرفایی نامی گردید، که وجودشان مایه ی فخر و مباهات دو ملت ایران و ترکمنستان، خصوصاً خراسانی هاست. در همین دوره ی دویست ساله بود که «غز»ها یا ترکمانان در بیابان های شمالی خراسان حضور یافتند و پس از پذیرش اسلام، بعضی از آنها به برقراری ارتباط و مترجمی میان خراسانی ها و دیگر اقوام غز و ترک پرداختند و عنوان «ترجمان» یا «ترکمان» را یافتند و اولین روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی میان این دو قطب برقرار گردید. با این همه، حکام خراسان خطر وجود ایشان را احساس می کردند، بدین سبب عبدالله طاهر (213 تا 230) چند رباط برای استقرار مرزداران و غازیان اسلامی در حدود شمالی خراسان احداث کرد. این رباط ها عبارت بودند از: رباط دهستان در جوار شهر باستانی دهستان / رباط فراوه در حدود 250 کیلومتری غرب عشق آباد / رباط شهرستانه در نزدیکی شهر نسا / و رباط کوفن در ولایت ایبورد. یکی از غازیان متنعم میکالی نیشابور به نام ابوالقاسم علی میکالی نیز در اواخر عهد سامانیان (نیمه ی دوم سده ی چهارم) رباط دیگری در فراوه و رباطی هم در کوفن احداث کرد و موقوفاتی را به آنها تخصیص داد.

این تدابیر و هم استواری حکام خراسان، سبب شد تا غزها و ترکمانان نتوانند در آن دوره وارد خراسان شوند. اما پس از برافتادن سامانیان (در سال 389) و رسیدن سلطنت و حکومت

خراسان به ترکان غزنوی، زمینه‌ی آمدن ترکمانان به خراسان با تدبیر سلطان محمود فراهم آمد، که در نهایت منجر به ورود سلجوقیان به دشت خاوران در نیمه‌ی اول سده‌ی پنجم و پیروزی آنها بر غزنویان در سال 431 شد.

ورود ترکمانان به خراسان تا تشکیل امپراطوری سلجوقی :

ترکمانان در اوایل سده‌ی پنجم هجری، زمانی که ماوراءالنهر به تصرف ترکان قراخانی آل افراسیاب در آمده بود و خراسان و زابلستان و سیستان از آن سلطان محمود غزنوی بود، عمدتاً در بیابان‌های اطراف دریاچه‌ی خوارزم می‌زیستند و زمستان‌ها به پیرامون بخارا (شهرک نور) برای قشلاق می‌آمدند. چون سلطان محمود با قراخانیان رقابت داشت، در سال 416 از جیحون عبور کرد و به بخارا حمله نمود. وی در آن حال یکی از خانان ترکمان سلجوقی به نام «اسرائیل بن سلجوق» را که عموی طغرل بیک بود گرفت و به یکی از قلعه‌های هند فرستاد، اما حدود چهار هزار خانوار از ترکمانان غیر سلجوقی را با خود به خراسان آورد و در شهرهای حاشیه‌ی بیابان غز (قراقوم بعدی) چون دهستان، فراوه، نسا و باورد (یا ایبورد) پراکنده ساخت، تا مثلاً در مواقع لزوم بتوانند از ایشان علیه قراخانی‌ها استفاده کند.

گرچه تعدادی از سرداران و دولتمردان غزنوی، خصوصاً ارسلان جاذب که والی و سپه‌دار توس بود، با این تدبیر سلطان محمود به مخالفت پرداختند اما او کار خود را کرد. در نتیجه دو سال بعد مردم بومی شهرهای مزبور از تاخت و تاز ترکمانان به ستوه آمدند و به سلطان محمود شکوه بردند. وی هم ارسلان جاذب را مأمور اخراج ترکمانان از خراسان کرد اما کار به آسانی صورت نگرفت، تا این که سلطان محمود نیروی کمکی به خراسان اعزام کرد و خودش هم به این سو لشکر کشید. بدین سان در حدود سال 420 ترکمانان موقتاً به بیابان‌های شمالی خراسان (بلخان کوه) رانده شدند اما ارسلان جاذب هم ظاهراً در همان جنگ‌ها کشته شد و در رباطی که خود در شرق ولایت توس (در محل سنگ بست) ساخته بود مدفون گردید.

وقتی سلطان محمود درگذشت (سال 421) و میان فرزندانش مسعود و محمد رقابت درگرفت، مسعود از همان ترکمان های رانده شده به بلخان کوه استمداد جست، که باز هم دولتمردان وی کار او را خطا شمردند. اما او سه سال بعد از این ترکمانان دل چرکین شد و تنی چند از زعمای آنها را فرو گرفت و کشت. بدین سبب فرزندان و ایل و عشیره ی کشته شدگان از بلخان کوه خروج کردند و شهرهای خراسان را مورد تاخت و تاز قرار دادند و موجب نا امنی در این دیار شدند. اما در سال 426 قبیله ی بزرگ سلجوقی، با زعامت طغرل بیک و برادرش چغری بیک داوود، از ماوراءالنهر و خوارزم به شهرهای شمالی خراسان (دهستان، فراوه، نسا، باورد ...) آمدند و رسماً مدعی تصرف آن حدود گردیدند. از آن پس تا سال 431 که سلطان مسعود در محل دندانقان مرو از ایشان شکست خورد و از خراسان رانده شد سه جنگ دیگر را هم با آنان تدارک دید، که در هر سه جنگ سرداران و یا خود او از سلجوقیان شکست خوردند. در آن برهه ی پانزده ساله (416 تا 431) مردم خراسان تعدی و آزارهای فراوانی از ترکمانان دیدند و اولین صدمه و آسیب مهم از ترکمانان در همان دوره به مردم خراسان رسید.

تشکیل امپراطوری سلجوقی و همزیستی خراسانی ها و ترکمانان:

ایران در دوره ی حکومت 20 ساله ی سلجوقیان (431 تا 552) دارای بیشترین وسعت در مدت هزار و چهارصد ساله ی عهد اسلامی شد؛ این امر با یکپارچگی طوایف ترکمان سلجوقی و نیز تدابیر فرهیختگان مملکت دار ایرانی، خصوصاً خراسانی ها، مقدور گردید. وقتی طغرل بیک برای اولین بار در سال 429 وارد نیشابور (مرکز خراسان) شد خطاب به بزرگان آن شهر گفت: «ما مردمانی نو و غریبیم و رسم های شما را ندانیم ما را یاری کنید.» این سخن سبب شد تا اغلبی از دولت مردان آزرده ی غزنوی به ایشان بپیوندند و کار کدخدایی و وزارت آنها را عهده دار شوند. کسانی چون سالار بوژگان، خواجه حسین علی میکائیل، بوعلی شادان توس، عمیدالملک کندری و خواجه نظام الملک توسی از زمره ی همین کارگزاران خراسانی آزرده از

دولت سلطان مسعود غزنوی بودند که به کدخدایی و وزارت برای طغرل و برادرش داوود پرداختند و در عرض پنجاه سال (تا قتل خواجه نظام الملک در سال 385) بزرگترین امپراطوری ایران زمین را در دوره ی اسلامی به وجود آوردند و به اداره ی آن پرداختند. بنابراین یکی از همکاری های تاریخی خراسانی ها و ترکمانان که تأثیرات متقابل فرهنگی بسیار مهمی را هم به وجود آورد، در همان زمان رقم زده شد.

شاید بتوان خواجه نظام الملک توسی را با وزارت سی ساله اش برای الپ ارسلان بن داوود (سلطنت 455 تا 465) و پسرش ملکشاه (تا 485) نیز کتاب سیاستنامه ی او را که به منظور نقد سیاست سلجوقیان و ارائه ی رهنمود به ایشان در سال 384 تألیف کرده، بهترین نمونه ی این همگامی و همکاری ترکمانان و خراسانی ها شمرد؛ لذا باید جزء جزء آن را از دیدگاه تأثیر متقابل فرهنگی این دو قطب مورد بررسی قرار داد. گذشته از آنچه شمرده شد، اهمّ تأثیرات حضور ترکمانان در خراسان و ایران را می توان به شرح زیر مشخص کرد:

- در عرصه های فرهنگ و زبان و ادبیات، چون ترکمانان فاقد ادبیات بودند نتوانستند تأثیر مهمی در روند عادی تعالی زبان فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی بگذارند.
- در عرصه دین و مذهب، به سبب آنکه ایشان مردمی نو مسلمان و سنت گرای متعصب بودند، نه تنها عرصه را بر شیعیان تنگ کردند بلکه مذهب شافعی را هم بر نمی تافتند. بدین سبب جنگ ها و چالش های مذهبی مهمی میان شافعیان و حنفیان (مثلاً در نیشابور) روی داد، که تبع آن منجر به افراط گرایی شیعیان و پیدایش نهضت مهم و جهانی اسماعیلیه به رهبری حسن صباغ خراسانی علیه سلجوقیان گردید، که هنوز هم پیامدهای آن واقعه در دنیای اسلام مشهود است.
- از نظر علوم عقلی و خردگرایی، چون سلجوقیان به مخالفت شدید با فلسفه و خردگرایی پرداختند، تا آنجا که سخن گفتن از کسانی چون زکریای رازی و ابن سینا

و فارابی نوعی کفر و ارتداد دینی تلقی می شد، در زمان ایشان صدمه ی شدیدی بر علوم عقلی بنیادی در ایران و خراسان وارد آمد. شاید بتوان اظهارات رندانه ی پرافسوس و اندوه حکیمی چون عمر خیام نیشابوری را در رباعیاتش بیانیه ای روشن از وضعیت خردگرایی و تعقل و فیلسوف مشربی آن روزگار تلقی کرد. اما اگر علمی فاقد تعرض به دین و مذهب بود- مثل ریاضیات و نجوم و طب ...- البته برای جولان دچار محدودیت نبود، کما این که امر مهمی چون تنظیم تقویم کنونی ایران زمین که همان تقویم جلالی به کوشش خیام و یاران اوست، در همان زمان و به امر جلال الدین ملکشاه سلجوقی صورت گرفت.

مروری بر وضعیت فرهنگی - اجتماعی سرزمین ترکمنستان در قرون پنجم تا نهم :

پیداست که آنچه از تاریخ خراسان و ترکمنستان گزارش شد نه برای شرح تاریخ محض این خطه، بلکه برای درک بهتر پیشینه ی فرهنگی - مدنی سرزمین و مردم ترکمنستان و خراسان است. به گواهی آنچه گذشت، علیرغم دعوی ترکمانان مبنی بر این که این سرزمین از آغاز موطن ایشان بوده، آنها تنها در زمان حکومت سلجوقیان در این سرزمین حکومت کرده اند، بی آنکه شهر و آبادی ای بسازند یا دانشمندان و نام آورانی از میان ایشان سر بر آورده باشد؛ در حالی که صدها دانشمند، شاعر، عارف، عالم و بزرگ زن و مرد مَروی، نَسوی، آبیوردی یا باوردی، دهستانی، میهنه ای، سرخسی، مرورودی، بَعوی (منسوب به بغشور)، شهرستانی فراوی، خوارزمی و ... در آن سرزمین بالیده و به شهرت رسیده، که بعضی در همان ولایات و شهرها تن به خاک سپرده و دارای مقبره یا زیارتگاهی مشهور شده اند. ترکمانها، یا دولت و حکومت ترکمنستان، در برخورد با این بزرگان موضعی کج دار و مریز یا دوگانه دارند؛ بدین

معنی که از سویی مدعی هستند همه ی بزرگان زاده ی ترکمنستان کنونی یا مدفون در آن، ترکمن و از مفاخر ایشانند، از سویی دیگر از بزرگداشت و حمایت ایشان پرهیز دارند. به عنوان نمونه افراد زیر از زمره ی بزرگترین نام آشنایان خراسانی زاده ی ترکمنستان کنونی هستند که چندان هم مورد عنایت دولت و حکومت ترکمنستان قرار ندارد.

عرفا و علما:

1- ابوسعید ابو الخیر میهنه ای، زاده ی میهنه به سال 357 و درگذشته و مدفون در همان شهر به سال 440، با گوری که زیارتگاه مردم اهل دل ایران و عامه ی ترکمانان است. کتاب‌هایی که بر اساس سخنان ابوسعید تالیف شده‌است عبارتند از:

- اسرار توحید فی مقامات شیخ ابی سعید تالیف محمدبن منور
- رساله حالات و سخنان شیخ ابوسعید گردآورنده: ابوروح لطف الله نوه ابوسعید
- سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر

به رغم اینکه وی در معارف صوفیه اثری مهمی تالیف نکرده‌است اما از شواهد و قرائن برمی آید که در ذهن ابوسعید، یک جهان بینی عرفانی، به صورت کل و منظم شکل یافته بود.

2- پیرلوالفضل سرخی، هم عصر و مراد و مرشد ابوسعید، در گذشته به حدود سال 396 و

مدفون در سرخس ترکمنستان، با گور و مزاری مشهور و پر زائر.

3- ابوسعید سمعانی، دانشمند، نسب شناس، جغرافی دان و عالم بزرگ سده ی ششم،

زاده ی مرو و درگذشته در همان شهر، بدون گور جای معلوم.

4- انوری ابیوردی، شاعر نامی ایران، زاده ی روستای بادنه ی ولایت خاوران و درگذشته

در همان دیار در قرن ششم هجری، بدون گور جای معلوم.

- 5- شیوخ و عرفای فراوانی که در گورستان مشهور به براکوه در کنار شهر نسا مدفون شده اند و اینک تنها دو مقبره ی شبیه هم از ایشان باقی است که ترکمانان آن را شیخ آلو (منسوب به ابوعلی دقاق، متوفی سال 405 در نیشابور) می دانند.
- 6- مقبره ی پر زائری که در جوار خرابه های رباط فراوه با نام «بی بی پاراتو» واقع و مورد توجه و زیارت انبوهی از زنان ترکمان است؛ اما احتمال می رود که مقبره ی ابوالقاسم میکالی نیشابوری باشد که رباط فراوه را ساخت و در سال 376 در همان جا درگذشت و مدفون شد.
- 7- گورستان واقع در ویرانه های قصبه ی آخور دهستان (مشهور به مشهد مصریان) با چند مقبره ی نیمه ویران و مسجدی مخروبه در دل آن، متعلق به دوره های سلجوقی تا تیموری، که معلوم نیست به چه کسانی تعلق دارند، اما بسیار محترمند.
- 8- مقبره بسیار گرامی و پر زائر نجم الدین کبری در جوار ویرانه های شهر کهنه اور گنج ولایت داش اُغوز (در اصل داش حوض = حوض آجری) ترکمنستان، که در سال 618 به دست سپاهیان مغول شهید و شهرتش در دنیای اسلام عالمگیر شد، به همراه گور چند تن از یاران و شاگردان و خلفایش در همان شهر.
- 9- مقبره ی ابویعقوب یوسف همدانی، عارف سده ی ششم هجری در دل ویرانه های شهر مرو، که از زمره ی پر زائرترین مقابر ترکمنستان است.
- 10- مقبره محمد بن زید (همان امامزاده محروق، که در نیشابور هم مقبره ای به او منسوب است) از ساخته های دوره ی سلجوقیان در داخل محوطه شهر مرو.
- 11- مقبره ی منسوب به عالم و مفسر و ادیب توانای عالم اسلام، جاراالله زمخشری (467 تا 538) در شهرک ازمخشیر و ولایت داش اُغوز.

این مقابر که عکس بعضی از آنها به منزله ی پشتوانه ی اسکناس ترکمنستان در اسکناس های آن کشور چاپ می شود و صاحبان آنها تماماً ایرانی و خراسانی هستند، دارای اهمیت بسیار در برقراری ارتباط فرهنگی مثبت دانشوران خراسان و ترکمنستان می باشند؛ لذا شناسایی و معرفی علمی آنها، خصوصاً طی برگزاری کنگره های بین المللی با مشارکت ترکمنستان و ایران، فراهم آورنده ی «فرصت های» مناسبی برای ارتفاع ارتباط فرهنگی طرفین است. به همین منظور رایزنی فرهنگی ایران در عشق آباد کوشیده است تا کنگره یا همایش های از این نوع درباره ی یوسف همدانی، نجم الدین کبری، ابوسعید ابوالخیر، جاراالله زمخشری، و بالأخره شاعر ترکمان (مدفون در ایران) مختومقلی فراغی، با همکاری دولت و دانشمندان ایران و ترکمان برگزار کند که بسیار مفید بوده است.

حکام و رجال سیاسی مشترک:

گذشته از مقابر عرفا، ادبا و شیوخی که شرح حالشان گذشت، چند تن از سلاطین و حکام مشترک ایران و ترکمانان نیز در آن کشور دارای بنای قبر هستند که عبارتند از: مقبره آلپ ارسلان (مقتول به سال 465) و سلطان سنجر سلجوقی (فوت 552) در دل ویرانه های شهر تاریخی مرو سلجوقی (سلطان قلعه)؛ مقبره ی ایل ارسلان (فوت 568) و فرزندش علاءالدین تکش خوارزمشاه (فوت 596) در خوارزم، که بنای گور هر دو در میان ویرانه های شهر کهنه اورگنج ولایت داش اُغوز ترکمنستان برجاست. از این میان، حکومت ترکمنستان برای دو مقبره ی خوارزمشاهان تنها به عنوان آثاری تاریخی و جاذب گردشگر اهمیت قائل است، برای مقبره سلطان سنجر نیز همچنین به اضافه ی تعلق ویژه او و جدش به ترکمانان.

در مجموع، دولت ترکمنستان برای مرمت این بناها نیازمند همکاری استادان مرمت کار سازمان میراث فرهنگی ایران و خراسان هم بوده، که متأسفانه اقدامی عملی از سوی ایرانیان صورت نگرفته است؛ همچنین برای مرمت و بازسازی دیگر بناهای تاریخی آن کشور.

قابل یادآوری است که به رغم آن همه ویرانه شهر باستانی و تاریخی ساخته ی ایرانیان، نیز بناهای تاریخی و زیارتی متعلق به مردم ایران و خراسان، تقریباً هیچ اثر مدنی و تاریخی بارزی که متعلق به قوم و مردم ترکمان باشد، در آن کشور از آغاز تا عصر قاجار وجود ندارد؛ همین امر بیانگر آن است که اشتراکات تاریخی - فرهنگی خراسان با کشور ترکمنستان تا چه حد است.

نادرشاه افشار و جایگاه وی در تاریخ مشترک خراسان و ترکمنستان :

اگر از سلاطین سلجوقی بگذریم، نادر شاه افشار مهم ترین سلطان و حاکمی است که می توان گفت گذشته از ایرانیان، به ترکمانان هم تعلق داشته و یکی از حلقه های وصل خراسان و ترکمنستان است. وی که به طایفه ی ترک نژاد افشار تعلق داشت، خاندانش توسط شاه عباس صفوی به حدود ایبورد کوچانیده شده بودند و پدرش در دره ی دره گز ایران تا اراضی پست شمال آن دره به زندگی عشایری و بیلاق و قشلاق، میان کبکان (در بالادست دره) تا ایبورد (در پایین دست آن) اشتغال داشت تا این که در سال 1100 هجری نادرقلی در محل کبکان زاده شد. در آن روزگار یکی از قراء مهم آن دره روستای دستگرد نام داشت که بعداً محمدآباد و بعدتر شهر دره گز جایگزین آن شد.

بدین سبب زادگاه نادر را گاه کبکان و گاه دستگرد ایبورد نوشته اند، در حالی که همان کبکان درست است، چون نادرشاه در آنجا به یاد زادروزش میلاد خانه ای ساخت. نادر در جوانی به

دامادی حاکم ولایت ایبورد (که اکنون در ترکمنستان واقع است) در آمد و بعداً خود حاکم همان ولایت شد و از آنجا سر برکشید و نهایتاً به پادشاهی ایران و فتح قلمرو وسیعی از دنیای آن روز رسید. بدین سبب بعضی از دولتمردان ترکمنستان و مردم ولایت ایبورد نادرشاه را از خود می دانند و زمانی هم که به مشهد سفر می کنند از قبرش بازدید به عمل می آورند. از نادرشاه در ترکمنستان آثاری باقی مانده که یکی از آنها ویرانه های شهرک خیوه آباد در میانه ی راه شهر کاخکا (در اصل قهقهه، شهر مرکزی کنونی ولایت ایبورد سابق) به کلات نادری واقع است و ترکمانها به آن کلاته نادری هم می گویند.

نادرشاه زمانی که عازم فتح هند بود (سال 1150) دستور احداث آن شهرک را داد و چون به هند رسید امر کرد تا آن شهرک را مطابق نقشه ی شهر شاه جهان آباد هندوستان، اما در حد یک چهارم آن بسازند. شهر ساخته شد و وی پس از بازگشت از هند حمله به خوارزم و فتح آن ولایت در سال 1153، همه ی اُسرای ایرانی مقیم آنجا را شناسایی و به شهرک مزبور منتقل کرد؛ در نتیجه نام آن را با توجه به شهر مرکزی خوارزم آن روز یعنی «خیوه»، خیوه آباد نامید. او بیشتر قصد داشت در همان محل برای خویش «مولود خانه» بسازد. این شهرک اکنون با وسعت چهل هکتار به صورت نیمه ویرانه برجاست و ساکنین قبلی آن اندکی آن طرف تر (در دهنه ی رودخانه ی لاین خراسان) آبادی نوینی ساخته و در آن ساکن شده اند. یکی دیگر از اقدامات نادرشاه، چنان که مرسوم وی بود کوچ اقوام از ولایتی به ولایتی دیگر بود. وی در همین راستا در سال 1156 سه هزار خانوار قشقایی را از شیراز به مرو کوچاند.

همچنین ایلات و احشام بسیاری را از نواحی آذربایجان و علیشکر به مرو منتقل کرد. اکنون گروه قابل ملاحظه ای از ایرانیان ترک نژاد، که عموماً خود را قزلباش ایرانی می خوانند و شیعه مذهب هستند، در مرو پیرامون آن زندگی می کنند که احتمال می رود اعقاب همان کوچندگان عهد نادری باشند.

بالأخره آخرین یادگار نادرشاه در ترکمنستان، شهر «بایرامعلی» در جوار ویرانه های شهر مرو است که اسم خود را از نام آخرین حاکم ایرانی آن دیار به نام «بایرامعلی خان قاجار دوانلو» گرفته، و آن سردار ابتدا از سرهنگان نادرشاه و گماشته ی وی در مرو بوده است.

دوره ی قاجار، تلخ ترین یادگارها :

علی رغم این که بنیانگذار دودمان قاجاریه، یعنی آقامحمدخان قاجار، مادرش ترکمن بود و وی دوره ی کودکی تا نوجوانی را هم میان ترکمانان سپری کرده بود، در زمان حکومت دودمان او بر ایران تلخ ترین خاطرات برای خراسانی ها از قبل ترکمانان رقم خورد.

شرح ماوقع آن است که هر چند پس از قتل نادرشاه افشار (1160)، در فتح آباد قوچان) جانشینان و اعقاب وی نه بر همه ی ایران بلکه بر کلّ خراسان هم سلطه نیافتند، شهرها و ولایات دشت خاوران و مرو بیرون از سیطره ی قدرت ایشان قرار گرفت. اما یکی از سرداران دلیر ایرانی به نام بایرامعلی خان قاجار که از زمان نادرشاه به حکومت مرو گماشته شده بود آن دیار را زیر حکومت و سلطه ی خود داشت، تا این که در سال 1200 حاکم وقت ازبک های بخارا، به نام بکجان شاهمراد، به مرو حمله نمود و بایرامعلی خان را با حيله مغلوب و آن شهر را ویران کرد. بدین سبب حکومت رسمی ایرانیان در مرو به سر آمد. اما وقتی بکجان در سال 1215 مرد و پسرش امیر حیدر جانشین وی در بخارا گردید، پسر دیگرش که ناصرالدین توره (خان زاده) نام داشت والی مرو شد و در صدد دوستی با حکومت ایران برآمد و از قزلباش ها و اعقاب بایرامعلی خان حمایت کرد. بدین سبب برادرش در سال 1219 به آن ولایت حمله نمود و در سال 1223 وی و یک هزار خانوار قزلباش مروی را وادار به کوچ به شهر مشهد کرد.

این واقعه ی مهم تقریباً به منزله ی قطع ریشه ی ایران و خراسان در دشت خاوران و ربع مرو بود. در نتیجه سیادت و سلطه ی سیاسی حکومت ایران و والیان خراسان بر آن حدود را

منتفی ساخت، بدین سبب ترکمانان تاخت و تاز به شهرها و آبادی های مرزی خراسان را آغاز کردند، متقابلاً والیان خراسان حمله به دشت خاوران را چاره ی آن کار دانستند. حمله ی شاهزاده محمودلی میرزای قاجار به شهرهای میهنه و نسا و ایبورد و درون و ... در سال 1224 نیز به همین سبب صورت پذیرفت.

درگیری عمده ی سپاه ایران با لشکر روسیه در غرب کشور و شکست سال 1228 (13- 1812م) ایشان از روسیه، که منجر به انعقاد عهدنامه ی گلستان شد، ضعف حکومت های محلی ایران، از جمله والی خراسان را در پی داشت. در نتیجه خوانین حاکم بر شهرهای خراسان فرصتی برای سرکشی و تمرد در برابر والی را یافتند، ترکمانان هم فرصت را مغتنم شمردند و حملات پراکنده ی خود به شهرها و آبادی های مرزی خراسان را شدت بخشیدند. این وضع با شکست بعدی ایران از سپاه روس و انعقاد عهدنامه ی ترکمانچای (سال 1243 ق / 1828 م) تشدید شد، تا اینکه عباس میرزای ولیعهد در سال 1246 مأمور خراسان و نظم بخشی به امور پریشان آن گردید.

وی پس از سرکوب خوانین کرد (زعفرانلوهای حاکم قوچان) و قرایی (حاکم زاوه یا تربت حیدریه)، در سال 1248 به سرخس لشکر کشید و بسیاری از ترکمانان آن شهر را کشت یا به اسارت گرفت. در آن زمان سرخس محل خرید و فروش اسرای خراسانی بود؛ بدین معنی که ترکمانان اسرای خود را به آن شهر می بردند و چند روزی نگه می داشتند تا اگر کس و کار آنها وجهی داشتند با وساطت یهودی های ساکن مشهد برای خرید بستگان خویش اقدام کنند، وگرنه آنها را به اسفبارترین وضع ممکن به خوارزم یا بخارا می بردند و می فروختند.

لشکریان عباس میرزا که شنیده بودند ترکمانان سرخس «کیسه ها و خورجین های پر از طلا» دارند، حریصانه به آن کانون اسارت حمله بردند و پس از قتل و غارت ترکمانان و به اسارت گرفتن سه هزار خانوار از آنها و آزادی سه هزار اسیر خراسانی، غنیمتی که هر سرباز

ایرانی از سرخس به دست آورد به قولی «کمتر از یکهزار تومان!» نبود. نوشته اند ترکمان ها که سکه های حاصل از فروش بردگان خراسانی را در پوست های گاو نگهداری می کردند، پس از واقعه ی مزبور هر گاه می خواستند کودکان خود را بخوابانند به آنها می گفتند «بُخُسب، اگر نه عباس شاه قاجار خواهد آمد». اما بیماری عباس میرزا و مرگ وی در سال 1249 در مشهد بار دیگر چالش میان ترکمانان و رعایا و حکومت خراسان را بیشتر و شدیدتر از پیش کرد.

با رسیدن سلطنت به ناصرالدین شاه قاجار (1264 تا 1313) یکی از والیان خراسان به نام آصف الدوله، که حامی شاهزادگان دیگر قاجاری برای سلطنت بود، سر به شورش برداشت و به سرکشی در برابر حکومت مرکزی پرداخت. این واقعه که عموماً به «فتنه سالار» شهرت یافته، تا سال 1266 ادامه یافت. سالار که در آن سنوات با ترکمانان دوست شده بود، برای جنگ با حکومت مرکزی و دفاع از شهر مشهد از ایشان یاری می جست، متقابلاً به آنها اجازه می داد تا هنگام بازگشت از مشهد به روستاهای اطراف آن (خصوصاً قراء شمال غربی شهر که در تصرف حکومت مرکزی بود) بروند و هر مقدار اسیر می توانند بگیرند.

فتنه و آشوب سالار سبب جسارت بیشتر ترکمانان شد؛ چنانکه در سال 1267 سپاه پنج هزار نفره ی والی خراسان (حسام السلطنه) را در نزدیکی سرخس شکست دادند و گروهی از ایشان را هم به اسارت گرفتند. با عزل و قتل امیرکبیر در سال 1268، اوضاع مملکت ایران از جمله خراسان پریشان تر شد، به طوری که یکی از سرداران ترکمن مروی (به نام محمد شیخ) با ششصد سوار تا روستای قوزغان (واقع در 5 فرسنگی شرق مشهد بر سر راه میامی) آمد و با ششصد اسیر و یک هزار گوسفند بازگشت.

در آن حال، چون ترکمان ها از سوی حکام اُزبک خوارزمی برای اطاعت و پرداخت زکات به ایشان زیر فشار قرار گرفته بودند، درصدد برآمدند تا با جلب حمایت دولت ایران و والی خراسان

شر آن حاکم و ارباب ناخواسته را رفع کنند. بدین سبب ریش سپیدان (آق ساقلها) و حکام محلی ترکمانان تجن و مرو و سرخس در سال 1269 سفیرانی به خراسان فرستادند و مدعی اطاعت از حکومت ایران شدند، والی خراسان هم نیروی کمکی برای ایشان فرستاد و موقتاً حاکمی برای مرو معلوم و روانه ی آن دیار کرد.

این دوستی و اتحاد هر چند سست بنیاد و مصلحتی بود، سبب شد تا سپاه خراسان و ترکمانان مروی و سرخسی بتوانند «محمدامین خان» اُزبک را که در سال 1271 با چهل هزار سپاه به مرو و سرخس یورش آورده بود در جوار سرخس شکست دهند و سر خان را از تن جدا کنند و به تهران بفرستند. اما بلافاصله پس از پیروزی مشترک خراسانی ها و ترکمانان بر خان خوارزم و رفع تجاوزات او به دشت خاوران و مرو و سرخس، اختلافات و رقابت این دو گروه آغاز شد. از دست رفتن هرات در سال 3-1272 و جدا شدن آن از خراسان و ایران نیز ضعف بیشتر حکومت ایران و والیان خراسان را در پی داشت؛ خصوصاً امکان دسترسی ایرانیان به مرو از طریق راه آبادان مشهد، هرات، مرو را منتفی ساخت، که همان امر سبب جولان بیشتر ترکمانان مروی شد، در نتیجه دولت ایران درصدد برآمد که دست کم از گلوگاه سرخس در برابر هجوم ترکمانان حفاظت کند. بدین منظور در سال 1275 به والی وقت خراسان (حمزه میرزا، حشمت الدوله) امر شد تا قلعه ای نظامی در ساحل چپ رود تجن بسازد. این قلعه که بعداً به سرخس ناصری شهرت یافت در محل شهر سرخس فعلی ایران ساخته شد و در سال 1276 بنای آن به پایان رسید و چهار هزار سپاهی در آن استقرار یافتند.

احداث سرخس ناصری موقتاً به خراسانی ها جرأت بخشید، به طوری که در اواخر سال 1276 با سپاهی بیست هزار نفره از طریق سرخس به مرو حمله کردند و زد و خوردکنان خود را به قلعه ی مرو رساندند و در آنجا به عزاداری ماه محرم سال 1277 و روزه و نوحه خوانی هم پرداختند، اما نهایتاً در ماه ربیع الثانی سال مزبور شکست فاحشی از ترکمانان خوردند و

عده ای از ایشان کشته و بقیه فاصله ی سی فرسنگی مرو تا سرخس را در بیابان ها دویدند تا نیمه جان خود را از آن معرکه به در بردند و تا سالها بعد روی مرو را ندیدند.

شکست مرو نه تنها ریشه ی ایران و سلطه ی حکام این کشور و والیان خراسان را از آن زمان (سال 1277) تاکنون در موطن ترکمانان (ترکمنستان بعدی) خشکاند و منتفی ساخت، بلکه موجب پدیده ی بسیار دردناک تر از پیش «ترکمان تازی» در خراسان شد، به گونه ای که شاید بتوان گفت خراسانی ها پس از واقعه ی غُزان و فاجعه ی مغول خاطره ای دلریش تر از ترکمان تازی سال های 1277 تا 1299 (زمان انعقاد قرارداد آخال میان ایران و روسیه) ندیده باشند.

شرح جزئیات حمله ی ترکمان ها به خراسان در آن سنوات بیرون از حوصله و وظیفه ی این کتاب است؛ اما قابل یادآوری است که هر چند مورخان وابسته به حکومت قاجار (مثل اعتمادالسلطنه و ...) کوشیده اند تا اخبار پریشانی خراسان را کمتر از آن چه بوده شرح دهند، اما باز در هر سالی گزارش چند حمله ی ترکمان به شهرها و ولایات خراسان ثبت شده است، مثل این گزارش ها:

- در آخر ماه شوال سال 1277 سیصد ترکمانان به روستاهای پیرامون خواف حمله کردند.
- در ماه محرم سال 1278 گروهی از ترکمانان ساروق و سالور به حدود جام تاختند و از قریه ی امغان غنیمت و اسیر بردند. ترکمانان عشق آبادی نیز شمال خراسان یورش بردند. ایضاً در همان سال چند هزار ترکمان به حدود زاوه و فریمان حمله کردند که چون با مقابله ی سپاهیان والی خراسان روبه رو شدند یکی از سردارانشان به نام «محمد شیخ» کشته شد...

این وضع همچنان تا اواخر قرن سوم سیزده قمری ادامه داشت. در آن حال گاه که میان طوایف ترکمان نزاع و رقابت درمی گرفت، بعضی از طوایف مغلوب به خراسان می آمدند و خواهان پناهندگی و جلب حمایت والی می شدند.

یکی از مشروح ترین گزارش های مربوط به وضعیت ترکمانان و اُسرای ایرانی ر بوده شده توسط ایشان را «آرمینیوس وامبری» مجاری که با لباس مبدل «درویش دروغین» همراه کاروانی بزرگ به میان ترکمانان رفته، به رشته تحریر درآورده است. وی که در بهار سال 1280 قمری / برابر با 1863 م سفرش را از تهران آغاز کرده و از طریق گرگان به میان ترکمانان رفته، عمده ی صفحات کتابش شرح حال ترکمانان و نحوه ی حملات آنها به خراسان، ایضاً وضعیت اسفبار بردگان خراسانی اسیر ترکمانان است.

همزمان با سفر وامبری، روسیه ی تزاری از سه جهت حمله به ماوراءالنهر (شامل شهرهای تاشکنت و سمرقند) و خوارزم (در جنوب دریای آرال) و دشت خاوران و موطن ترکمانان را آغاز کرد. ابتدا شهر تاشکنت (در ساحل راست رود سیحون) در سال 1864 م (1281 ق) به تصرف ارتش روسیه درآمد. در سال 1875 م (1292 ق) هم حمله به قلمرو خانان ازبک خوارزمی آغاز شد، که در نهایت خان ایشان تحت الحمایگی روسیه را پذیرفت. در آن حال انگلستان به شدت مواظب اوضاع و درصدد تشویق دولت ایران به مقاومت در برابر پیشروی روسیه به دشت خاوران و رُبَع مرو بود؛ بدین سبب یکی از کلنل های انگلیسی در سال 1292 به خراسان و مشهد سفر کرد تا اوضاع را از نزدیک شاهد و گزارشگر باشد.

اما روسیه که تا بندر نوساز «کراسنوسک» در ساحل شرقی دریای خزر پیش آمده بود، عزم جزم داشت که با یکسره کردن کار ترکمانان و جلب توافق حکومت ایران و لایات مهم نسا و ابیورد و سرخس و مرو را متصرف شود، تا خود را به هرات و دروازه ی هندوستان برساند. بدین سبب ارتش روسیه در سال 1877 م (1294 ق) حرکت خود را از دو سو، خوارزم و بندر

کراسنوووسک، به طرف دشت ترکمان آغاز کرد. رضایت ناصرالدین شاه هم در یک میهمانی رسمی که امپراطور روسیه در پترزبورگ به سال 1295 از وی به عمل آورد حاصل شد. بدین گونه ارتش روسیه با کشیدن ریل قطار از بندر کراسنوووسک به سوی سرخس و حمل اسلحه و آذوقه با قطار مزبور، آرام آرام حرکت خویش را آغاز کرد، تا این که در ماه ژانویه ی سال 1881 میلادی (برابر با 1298ق) در محل گوگ تپه (واقع در 45 کیلومتری شمال غرب عشق آباد) شکست نهایی را بر ترکمانان وارد آورد و مهر پیروزی خود را بر جبین ایشان نشان داد و به یک دوره ی مخوف خاتمه داد. دولت ایران در دوره ناصرالدین شاه با تسلیم شدن به قرارداد آخال ، که در 22 محرم 1299 - 12 دسامبر 1881 منعقد شد، عملاً الحاق بخش هایی از خاک ایران را به روسیه پذیرفت.

فرهنگ و هنر در ترکمنستان:

ترکمنستان کشوری است که ادبیات و هنر آن نه در حال حاضر، بلکه در زمان شوروی سابق نیز گسترش جهانی نداشتند و حتی در حوزه جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی نیز از نمود و درخشش قابل توجهی برخوردار نبوده است.

علت این امر را باید در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی مردم این کشور دانست، ترکمنستان پیش از استقلال، علیرغم داشتن ذخائر نفت و گاز، تولیدات پنبه، گندم و دامپروری سنتی اش یکی از کشورهای فقیر شوروی سابق محسوب می شده است. کم توجهی دولت مرکزی در بهبود وضع اقتصادی و فرهنگی، مهاجرت فرهیختگان به سایر شهرهای جمهوری روسیه و دور ماندن آنها از مردم و فرهنگ و محیط اجتماعی را می توان مهمترین عامل این عقب ماندگی ذکر کرد.

در آن دوران هرچند وجود آکادمی های علوم و هنر و کانون های صنفی نویسندگان و شاعران می توانست این وضع را بهبود بخشد، اما نظر به نفوذ روسی ها و احاطه در حوزه مدیریت های آن، مانع جدی بروز و خودنمایی هنرمندان و نویسندگان ترکمن می گردید.

البته ریشه های تاریخی این فقر فرهنگی را نیز نباید نادیده گرفت. جغرافیای کنونی ترکمنستان، در قرون تاریخی یکی از مناطق فرهنگی منطقه بوده است که تاریخ فرهنگی شهرهایی چون مرو، نساء و ابیورد و حتی اورگنج نشان می دهد چه تعداد عالم و دانشمند بزرگ در این مناطق رشد و نمو نموده اند. اما این تاریخ درخشان را نمی توان تنها به ترکمن های ساکن این مناطق اختصاص داد. در آن دوران هرچند این مناطق محل سکونت ترکمن ها بوده است، اما ترکمنستان به عنوان بخشی از خراسان بزرگ جزو قلمرو ایران محسوب می شده و فرهنگ و تمدن چند هزار ساله ایران بخصوص در این مناطق تسلط کامل و

تأثیرگذاری داشته است. به همین دلیل شهرهایی چون مرو، چندین سده مرکز علم و دانش و نفوذ اندیشمندان و فرهیختگان جامعه آن روز ایران بوده است.

امروز ترکمن ها بخصوص در سالهای پس از استقلال با توجه به این موضوع مدعی هستند که همه مشاهیر و دانشمندان ایرانی و حتی عرب ساکن در مرو و سایر شهرهای خراسان که در حال حاضر جزء جغرافیای ترکمنستان محسوب می شوند، ترکمن و متعلق به آنها هستند از جمله شخصیت هایی چون ابوعلی سینا، ابوسعید ابوالخیر، خواجه یوسف همدانی، خیام نیشابوری، جامی و...

البته وجود دارند عالمانی ترکمن که از زیر نفوذ فرهنگی حکومت حاکم شانه خالی کرده اند و به عنوان شاعر و اندیشمند ترکمن نام خود را در تاریخ به ثبت رسانده اند از جمله آنها می توان به مختومقلی فراغی اشاره کرد. او در دورانی که همه ترکمن ها به زبان رسمی (فارسی) می نوشتند، شعری جز به زبان ترکمنی نسرود و علیرغم مطالعه آثار و اندیشمندان عرب و ایرانی، تنها به زبان ترکمنی شعر می سرود. او خود بارها از تأثیرپذیری اندیشه و تفکر اندیشمندان ایرانی و عرب، از جمله مولوی و حافظ و سعدی سخن گفته است و عرفان شرقی و ایرانی را در اشعارش منعکس کرده است اما حاضر به نوشتن به غیر از زبان ترکمنی نشده است. و یا دیگرانی مانند دولت محمد آزادی، ملانفس، کمینه، ذلیلی و غیره که به عنوان شاعران ملی ملت ترکمن محسوب می شوند.

اما از سال 1885 میلادی که قوای روسیه تزاری منطقه ترکمنستان کنونی را برای همیشه تصرف و جزء قلمرو خود کردند، شاهد یک دوره ی 100 ساله ی انحطاط در همه زمینه ها از جمله فرهنگ و هنر در بین ترکمن ها هستیم. ترکمنانی که در سالهای پیش از استقلال به مردمانی جنگجو، سرکش و متجاوز مشهور بودند و هیچ دولتی در همسایگی آنها از گزندشان در امان نبود، تبدیل به مردمانی یک جا نشین، آرام سر به زیر و قومی بی خطر شدند که این

وجه آنها را دچار چالش های جدی در سالهای پس از استقلال نمود که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

فرهنگ و هنر در بستر استقلال :

استقلال ملت ها از یوغ هر نوع استعماری، همه ی انرژی های سرکوب شده در سال های گذشته را آزاد و زمینه رشد و باروری آن ها را فراهم می سازد.

ترکمن ها که طی چندین قرن متوالی تحت سلطه ی دیگر کشورها زیسته بودند پس از بدست آوردن استقلال در سال 1991 میلادی و تشکیل حکومت مستقل درصدد ایجاد تشکل های هنری و مدنی برآمدند و تشکل های باقی مانده از سالهای قبل را به عنوان هویتی ملی و ترکمنی می دانند.

در سال های اولیه استقلال همه تشکل های هنری و ادبی جانی دوباره یافتند و قالب های بسته و تحت کنترل حکومت مرکزی شوروی سابق را در هم شکسته و با تکیه بر هویت ملی و تاریخی خود، تلاش کردند تا ساختارهای تازه ای را جایگزین کنند و یا نسبت به شرایط موجود جهانی عقب نمانند. از سوی دیگر نماد دموکراسی که از شاخصه های هر تحول وسیع اجتماعی و جزء شعارهای اصلی متولیان جدید در جهان سوم است زمینه را برای ایجاد تشکل های صنفی، هر چند دولتی فراهم کرد.

ادبیات در ترکمنستان :

پس از تسلط بلشویک ها بر حاکمیت و ایجاد جمهوری شوروی سوسیالیستی، ترکمنستان در سال 1924، نویسندگان ترکمن نیز قالب ادبی «داستان» قبلی را به دور انداختند و به مانند

روس ها به خلق آثار در ژانرهای جدید از جمله حکایت، پووست، رمان پرداختند. ذکر نام تمامی نویسندگان و شاعران آن دوره از حوصله این کتاب خارج است ولی اشاره به معروف ترین آن ها ضروری است.

نورمراد ساریخانف و آقاخان دردیف نویسندگان ترکمنی هستند که در دهه سی ام قرن بیستم به عنوان نویسندگان حکایت و قصه شناخته شدند. نورمراد ساریخانف نویسنده ای کامل بود. داستان «شوکورباغشی» و حکایت «کتاب» او امروز هم مورد علاقه فراوان کتاب دوستان ترکمنستان است.

در آن دوره شخصیت دیگری هم در زمینه حکایت و داستان نویسی ظهور کرد. او نویسنده مشهور آتاقاوشودوف است. حکایت «دردفل» او از اثر «شوکورباغشی» نورمراد ساریخانف چیزی کم نداشت. سپس آتاقاوشودوف رمان «فرمان» را در خصوص فاجعه گوگ تپه نوشت. ولی با قصور برخی افراد این رمان تقریباً 50 سال به مردم ارائه نشد. همچنین آتاقاوشودوف اولین کسی است که حماسه ی گوراوغلی را تدوین کرد و به دست مردم رساند.

در این جا لازم است یک موضوع مورد اشاره قرار گیرد. س. عوضبایف که در ارتش تزاری به درجه سرهنگی رسید، تنها نویسنده ترکمنی است که در سال های دهه دوم قرن بیستم اثری مستند و کامل به زبان روسی در خصوص جنگ گوگ تپه نوشت.

از بین شاعران، افرادی نظیر ملامورت (ملاسییل)، کور ملا، آتا صالح، دردی قلیچ تمجیدگران ایدئولوژی بلشویک ها بوده اند. در سال های دهه های 30 و 40 قرن گذشته میلادی، بردی کربابایف و خدر دریایف نویسندگان ترکمنی بودند که آثار حجیم یعنی رمان خلق کردند. بردی کربابایف رمان «آیقیتلی ادیم» (گام سرنوشت ساز) را نوشت و خدر دریایف نیز رمان «اقبال» را به رشته تحریر درآورد.

با وجود آنکه «ایقیتلی ادیم» و «اقبال» در دوره ی اتحاد شوروی با استقبال گرم علاقه مندان کتاب روبرو شد، ولی آثاری هستند که مقام، شرف و سنن مردم ترکمن را مورد تردید قرار دادند. مثلاً در گام سرنوشت ساز دوشیزه ترکمن آینه عاشق جوان هم روستایی اش آرتیق می شود و با او ملاقات می کند... بعداً هم آینه را برای پسر یکی از اغنیای روستا خواستگاری می کنند. دو طرف به توافق می رسند. در روز موعود عروسی برگزار می شود. شب همان روز آینه با آرتیق فرار می کند. بای (مرد ثروتمند) از بی اعتنائی نسبت به خود شرمند می شود. به جنگل رفته، آینه را می یابد و او را به خانه پدری آورده و رها می کند و با او ازدواج نمی کند. زیرا آینه و آرتیق مدت ها قبل بدون داشتن نکاح به انجام عمل زنا دست زده بودند.

در رمان اقبال هم سبک سری «اوزوت» دختر روستایی ترکمن ملاقات هایی مخفیانه با جوانی به نام بردی، ازدواج «اوزوت» با یک فرد ثروتمند، ولی حامله شدن اوزوت از بردی با وجود داشتن نکاح شرعی با شوهرش... مورد ستایش قرار می گیرد.

در مجموع این دو رمان، آثاری هستند که انحراف اخلاقی، فحشا، زنا را در میان زنان و دوشیزگان و جوانان ترکمن تبلیغ کردند.

این اعتراض به قلیچ اف نویسنده رمان درباره مخدومقلی در دهه هفتم قرن بیستم نیز وارد است. این نویسندگان کسانی هستند که بنا به پیشنهاد بلشویک ها و روس ها این گونه آثار مبتذل را در میان مردم ترکمن گسترش دادند.

نویسندگان نامبرده هرچند نویسندگانی کامل و استاد کلام بودند، مهارت و استادی خود را بر علیه اعتقادات مردم بکار گرفتند و به آن ها خیانت کردند.

در میان نویسندگان رمان در دوره اتحاد شوروی اگر چاری آشیروف را به عنوان بزرگترین نویسنده معرفی کنیم، خطا نکرده ایم. زیرا رمان های پرمحتوای او به نام های ایزغی (محبت،

حسن نیت)، قارری سردار (سردار پیر) آثاری سالم هستند که شرافت، نوع دوستی، مردانگی، وفاداری به خانواده و مردم را تبلیغ می کند.

رحیم اسنف نیز نویسنده ای است که در عصر شوروی رمان های متعددی نوشت. او عمدتاً در رمان های خود مبارزات کارکنان ان.ک.و.د را (کمیساریای خلقی امور داخله) در دهه های 20 تا 30 قرن بیستم بر ضد باسماچی ها (اشرار ضد انقلاب) که همان ترکمن ها بودند ستایشگرانه شرح می داد. خوانین آزادی خواه ترکمن را افرادی بد ذات، ملعون و بی انصاف معرفی کرده، از حقیقت دور می شد.

درست است که در عصر شوروی تعداد کتب زیاد بود، ولی بیشتر آنها قابل مطالعه نبود. رمان ها، داستان ها، مجموعه های اشعار نویسندگان گوناگون در کتاب های حجیم در کتابفروشی ها خاک می خورد و مشتریان علاقه ای به آن ها نشان نمی دادند.

پس از دهه پنجاه قرن بیستم شاعرانی از قبیل ممد سعیدف، قارا سعیدلیف، کریم قربان نفسف، خلیل قلیف، بایرام جوتدیف، قربان نظر عزیزف، آنا بردی آقابایف در مقایسه با سایرین از محبوبیت و احترام بیشتری بهره می بردند. از شاعران مذکور در حال حاضر تنها دو نفر در قید حیاتند: بایرام جوتدیف و آنا بردی آقابایف. بایرام جوتدیف همیشه از قلمی خوب برخوردار است و به عقیده ترکمن که اشعار زیبای او شفابخش دل‌های زخم خورده است.

ادبیات ترکمنستان در دوره ی استقلال :

این دوره برای ادبیات ترکمنستان سال هایی دشوار بود. در دوره ی سپری شده ادبیات ترکمنستان در گرداب فلک کج رفتار گرفتار آمد. اوضاع حاکم بر ادبیات را در دوره ی استقلال می توان وفور شعر و رمان در قحطی شاعر و نویسنده در عصر طلایی ترکمنباشی نامید زیرا

در این دوره شعر زیاد و شاعر کمیاب شد. رمان زیاد و نویسنده کمیاب گردید. در این دوره اگر بگوییم که اثر بسیار موفق فلان نویسنده یا شاعر که حقایق حیات کشور را واقع‌گرایانه به تصویر کشید و با استقیال گرم علاقه‌مندان روبرو گردید منتشر شده است سخنی به‌گراف گفته‌ایم.

فوت اکثر نویسندگان و شاعران خوب بر جای مانده از دوره شوروی که در میان مردم به عنوان شاعر و نویسنده شناخته شده بودند به انزوا رانده شدن کسانی که در قید حیاتند، ضربه سختی بر ادبیات ترکمن وارد کرد. برعکس آن، ادبیات بی‌معنی شاعران کاذب و مداحان استقلال که تا جایی که زبانشان در دهان می‌چرخد به ستایش رئیس‌جمهوری ترکمنستان می‌پردازند، در مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی ترکمنستان فراوان است.

نویسندگان و شاعرانی که به زور از عهده‌ی قافیه‌بندی یک بیت شعر بر می‌آیند و از نظر فکری اشعاری بسیار دور از واقعیات زندگی می‌سرایند در رسانه‌های خبری و رادیو و تلویزیون ترکمنستان بسیار زیاد دیده می‌شوند.

پس از استقلال کشور نویسنده‌ای به نام دردید قارف ظهور کرد. دردی قارف در دوره شوروی مبلغ‌هنگفتی در حد چند میلیون دلار را از بودجه یک اداره دولتی حیف و میل کرد و تقریباً 10 سال در حبس گذراند. کتابخوانان ترکمنستانی پیش از آن هیچ وقت او را به عنوان نویسنده نشناخته بودند. در سال‌های پس از استقلال او به یکی از افراد مورد اعتماد نیازآف تبدیل شد و توانست مقام ریاست موسسه میوه و سبزیجات ترکمنستان را تصاحب نماید. به این ترتیب او یک بار دیگر از محل واردات سیب زمینی و نارنگی، خرما و سایر فراورده‌های وارداتی از ایران به یکی از تجار ثروتمند کشور تبدیل شد. در طی این دوره او رمان 3 جلدی اش به نام «ده سال در زندان» را با هزینه شخصی منتشر و توزیع کرد. همسر وی نیز شاعره‌ای شد که صفحات مطبوعات ترکمنستان پیوسته به آثارش مزین بود. سپس دردی قارف آن رمان را

بصورت کامل در تنها مجله ادبی و هنری ترکمنستان که صاحب امتیازش رئیس جمهوری ترکمنستان بود یعنی مجله «قره قوم» به چاپ رساند. بر اساس یک قاعده قدیمی مجله آثار هر نویسنده را پیش از آن که بصورت کتاب مستقل منتشر شود می تواند چاپ نماید. علی رغم آن وقتی نوبت به دردی قارف رسید این قاعده بر هم خورد. زیرا دردی قارف با ثروت انبوهش با مسئولین مجله «قره قوم» کنار آمد. مواد غذایی که او برای وزرا تهیه می کرد هر هفته به منزل سردییرانی هم که آثار او و همسرش انه قاروا را درج می کردند تحویل داده می شد. به این ترتیب دردی و انه قارف با دست و دل بازی های خود تقریباً به مدت 9 سال برجسته ترین شاعر و نویسنده ترکمنستان مستقل گردیدند.

یک نمونه دیگر کاکامراد بالیف دبیر مطبوعاتی سابق رئیس جمهوری ترکمنستان است. او نیز با استفاده از مقام خود، رمان منظومه «پدر طوماری» (تمیمه پدری) را به اتفاق سردبیر وقت روزنامه وطن نوشتند. اینکه آیا واقعاً آن ها نویسندگان آن اثر بوده اند یا خیر، مشخص نیست. ولی می توان گفت که اثر مذکور از نظر ادبی بسیار نازل است. در این اثر نویسندگان شجره نامه رئیس جمهور ص. نیازاف را برشمرده و همه ی آن ها را عارف و خردمند، خان و سردار دلاور و حتی یکی از شخصیت های اصلی در جنگ گوگ تپه معرفی می کنند و کدخدای انتصابی امپراطوری روس ها برای روستای قبچاق یعنی «آنانیاز آرچین» (پدر بزرگ رئیس جمهور ترکمنستان - مترجم) را مردی بسیار مدبر و آتامراد نیازاف پدر رئیس جمهوری ترکمنستان که داوطلبانه به اسارت آلمانی ها (در جنگ جهانی دوم - مترجم) درآمده بود، قهرمان ملی و خود رئیس جمهوری را به عنوان پیامبر نازل شده از طرف خداوند متعال نشان می دهند. در نتیجه کتاب مذکور مورد پسند رئیس جمهوری قرار گرفت و مقرر شد که کلیه استان ها هر کدام چند هزار نسخه از آن را بخرند.

صفر ارایف سردبیر مجله قره قوم نیز در دوره ی شوروی از شاعران پایین تراز متوسط میان شعرای ترکمن محسوب می شد، ولی او نیز اثر منظور چند جلدی و مداحانه خود را «پریزیدنت نامه» (رئیس جمهور نامه) به بازار عرضه کرد.

رحیم اسنف نویسنده رمان های متعدد ستایشگرانه درباره ی عملیات ن.ک.و.د (کمیساریای خلقی امور داخله) و ک.گ.ب (کمیته امنیت کشوری) سرداران و خوانین ترکمنی که در مقابل بلشویک ها دست به مقاومت زده بودند، او که در آثار دوره شوروی خود جنیدخان و عزیزخان را دشمنان مردم معرفی کرده و تهمت های سنگینی را به آن ها نسبت داده بود، حالا سعی می کند آن ها را قهرمانان ملی و شخصیت هایی که در راه استقلال ترکمنستان جان بر کف نهاده اند، معرفی نماید که این گویای دورویی اوست.

در حال حاضر برجسته ترین شاعر ترکمن را می توان بایرام جوتدیف دانست. او در دوره شوروی نیز یکی از شعرای کامل بود و بیش از ده کتاب شعر او به عموم کتابخوانان عرضه شد. در دوره استقلال تنها یک کتاب او در سال 1997 با عنوان «دعایی دیوان» (دیوان دعا) منتشر شده است. احتمال داده می شود که رئیس جمهوری ترکمنستان از او کینه به دل داشته باشد. زیرا او دوست رحیم اسنف است و در جلسه مذکور در پشتیبانی از رحیم اسنف و به عنوان اعتراض جلسه ای را که ص. نیازاف هم در آن حضور داشت، ترک نموده است. در حال حاضر بایرام جوتدیف چند سال است که سمت معاون سردبیر مجله بدون سردبیر دیار را بر عهده دارد. رئیس جمهوری می داند که او شاعری تواناست و مردم نیز به او احترام قایلند ولی او را به نزدیک خود راه نمی دهد. شاعر ضربه های روحی وارد بر خود را در همه حال احساس می کند و در حقیقت می توان گفت که بایرام جوتدیف در میان کارکنان مطبوعات ترکمنستان تواناترین شاعر و یا روزنامه نگار است.

یکی از شعرای دوره معاصر که اشعاری کامل می‌سراید قلیچ مراد کاکابایف است. اثر منظوم او به نام «قالا» که درباره نبرد در قلعه گوگ تپه نوشته با استقبال گرم مردم روبرو گشت. قلیچ مراد بالیف در سال‌های 1977-1998 ریاست سازمان صدا و سیمای ترکمنستان (ترکمن تلویزیون رادیو کمپانیسی) را بر عهده داشت. به علت بدگویی حاسدان او از چشم رئیس جمهوری افتاد و از کار برکنار شد. ولی او شاعری حقیقی و تواناست. البته نواقصی در خلق و خویش وجود دارد در عین حال خوش باور و ناچالاک است.

افرادی که طی چند سال اخیر در مسابقه «آلتین عصر» (قرن طلایی) رئیس جمهوری ترکمنستان به عنوان شاعر و نویسنده شرکت نموده و هزاران دلار جایزه گرفته‌اند، اندک نیستند ولی در عین حال آثار نظم و نثر واقعی در کشور تقریباً منتشر نمی‌شود.

برشمردن اسامی کلیه افرادی که جایزه به آن‌ها تعلق گرفته غیر ممکن است، ولی اگر بگوییم در میان آن‌ها شاعر و نویسنده واقعی وجود ندارد، اشتباه نکرده ایم.

نگاهی به کتابخانه‌های مهم در ترکمنستان :

تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تمام کتابخانه‌های جمهوری‌های مختلف هم از جهت کتاب و هم از نظر اعمال سیاست‌های مربوط به کتاب و کتابداری تابع سیاست‌ها و صلاح‌دیدهای حکومت مرکزی بودند.

توجه روزافزون حکومت مرکزی به امر پیشرفت‌های علمی بخصوص در زمینه‌هایی که دست‌یابی به تکنولوژی را تسریع می‌کرد، سبب گردید تا با ایجاد شعباتی از آکادمی علوم در تمام

اقمار خود و تأسیس کتابخانه های مرکزی در آن ها، زمینه جذب محققین و اندیشمندان مختلف را فراهم آورد.

موضوع تزریق کتاب بصورت فزاینده ای در دستور کار قرار گرفت و اکنون بیش از 80% کتاب های موجود در کتابخانه های جمهوری های آسیای میانه به زبان روسی و اندکی به زبان های دیگر و درصد کمی هم به زبان آن جمهوری ها اختصاص دارد.

پرداخت حق التألیف های سنگین و چاپ کتاب در تیراژهای حداقل 15000 نسخه سبب گردیده بود که ناشران و نویسندگان با انگیزه بیشتری به امر کتاب و پدیدآوری آن بپردازند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای آسیای میانه به یکباره خود را بریده از همه آن چیزهایی که تا پیش از فروپاشی از مسکو به آن ها ارزانی داشته می شد دیدند و این امر اگرچه چهره فقر را در همه شئون به نمایش گذاشت ولی امور فرهنگی و بخصوص کتابخانه دستخوش بی مهری های فراوانی قرار گرفتند، پایه های قوام آکادمی های علوم متزلزل گشت و ارتباط کتابخانه ها با کتابخانه های کشورهای دیگر بکلی منقطع گردید.

در کشور ترکمنستان که آن روزها از اهمیت فراوانی برای حکومت مرکزی برخوردار بود، سرمایه گذاری خوبی در زمینه تأسیس کتابخانه انجام گرفت ولی دیری نپائید که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همه چیز دگرگون شد. آکادمی علوم پس از 7 سال ادامه کار آن هم بصورت نگران کننده به تعطیلی گرائید و کتابخانه ها از تازه ها و یافته های علمی محروم شدند تا جایی که قفسه کتاب ها در این کتابخانه ها کمتر کتاب جدیدی را در خود جای دادند. وجود کتاب های فراوان به زبان فارسی در این کتابخانه ها و فراوانی نسخه های خطی که میراث ماندگار گذشتگان است اهمیت نگرش به این کتابخانه ها را دو چندان می کند. کتابخانه های مهم ترکمنستان به شرح زیر می باشند:

کتابخانه ملی ترکمنستان :

زمان ایجاد کتابخانه به اواخر قرن نوزدهم میلادی باز می‌گردد. در سال 1892 بر اساس تقاضای مصرانه گروه‌های اجتماعی رئیس (استاندار) استان ماوراء خزر آن. کوروپاتکین طی نامه‌هایی به برخی از موسسات و سازمان‌های روسیه، تقاضای اهدای کتاب برای افتتاح کتابخانه در شهر مرکزی استان یعنی عشق‌آباد را می‌نماید. در همین سال محلی برای کتابخانه اختصاص می‌یابد.

در تاریخ 5 ماه مه سال 1895 کتابخانه عمومی استان ماوراء خزر با مخزن 3 هزار نسخه کتب روسی افتتاح می‌شود.

کتابخانه دارای دو بخش امانت دهی کتاب و سالن مطالعه بود و در ازای امانت دادن کتاب مبلغی اخذ می‌گردید. کتابخانه در ساختمان اجاره‌ای مستقر بود. تنها در اواخر سال 1904 به محل ساختمان جدید دو طبقه در بوستان پوشکین منتقل شد.

یکی از اصلی‌ترین تأمین مالی کتابخانه اعانات بود و از بودجه استان مبلغ ناچیزی برای کتابخانه اختصاص می‌یافت.

برای نظارت بر فعالیت‌های روزانه کتابخانه کمیته ویژه‌ای تشکیل شد که تا سال 1917 فعال بود.

پس از انقلاب سال 1917، به علت تغییر نام استان ماوراء خزر به استان ترکمنستان کتابخانه نیز رسماً تغییر نام داده و کتابخانه عمومی استان ترکمنستان نامیده شد.

در سال 1921 کتابخانه دارای بخش های زیر بود: بخش اعضا، سالن مطالعه، بخش های تدوین و بررسی کتب و حفاظت کتب و بخش ادبیات ملی که بعدها به بخش ادبیات شرق تغییر نام داد.

ایجاد بخش ادبیات ملی، اساسی شد برای شکل گیری مخازن ترکمنی و ارائه خدمات به خوانندگان بومی کتاب. در همین زمان فعالیت های آموزشی کتابخانه هم آغاز شد. در سال 1923 شورای مرکزی کتابخانه ها تشکیل گردید که وظیفه بررسی مسائل مبرم کتابداری، تعمیم تجربیات بهترین کتابخانه ها و هماهنگی فعالیت های کتابخانه های سطح شهر را بر عهده داشت. این شورا وابسته به کتابخانه عمومی استان ترکمنستان بود.

از ماه جولای 1926، کتابخانه شروع به دریافت رایگان نسخه های مطبوعات چاپی اتحاد شوروی می نماید. در ماه مارس سال 1933 طی تصویب نامه ای به امضای هیئت رئیسه کمیته مرکزی اجرایی ترکمنستان شوروی، نام بنیانگذار کمونیسم کارل مارکس بر کتابخانه گذاشته می شود.

در همین سال ها بخش کتابخانه شناسی که اجرای وظیفه مرکز آموزشی برای کتابخانه های عمومی سراسر جمهوری را بر عهده داشت، تأسیس می شود.

زمین لرزه سال 1948 به کتابخانه خسارات زیادی وارد می کند. ساختمان کتابخانه، مخزن و دستگاه مرجع و تمامی تجهیزات زیر آوار می مانند. ساختمان موقت کتابخانه در مهلتی کوتاه احیاء و در ماه آوریل سال 1949 کتابخانه کار خود را از سر می گیرد.

در تاریخ 1 ژانویه سال 1983 گنجینه کتب کتابخانه بیشتر از 3-4 میلیون جلد برآورد می شود. هر ساله بیشتر از 21 هزار نفر از علاقه مندان مطالعه از خدمات کتابخانه بهره مند می شوند و حدود 1-5 میلیون نسخه نشریات چاپی به امانت داده می شود.

کتابخانه آکادمی علوم ترکمنستان :

مسئله ایجاد کتابخانه علمی از نخستین روزهای تشکیل شعبه ترکمنستان آکادمی علوم شوروی در ترکمنستان، مطرح بود. به همین منظور از اول ژانویه سال 1941 کتابدار معروف آن سال ها به نام و.آ.زامیانین که از سال 1931 تا 1941 در کتابخانه دانشکده دولتی فرهنگ ترکمنستان به کار اشتغال داشت، با حکم ویژه هیئت رئیسه شعبه ترکمنستان آکادمی علوم به تاریخ 6 ماه مارس 1941 به عنوان جانشین مدیر کتابخانه منصوب گردید. 20 روز بعد از آن (26 ماه مارس) هیئت رئیسه آکادمی علوم طی حکم به شماره 12 «تشکیل کتابخانه اصلی» را تصویب کرد.

در پنج سال اول ایجاد کتابخانه (1941 تا 1946) گنجینه کتب کتابخانه که به هنگام ایجاد آن بالغ بر 25 هزار نسخه بود به 31874 نسخه افزایش یافت یعنی فقط 5 هزار نسخه در سال گنجینه کتب آن افزوده شد و مجموعاً به 56874 نسخه رسید. تعداد کارکنان کتابخانه در سال 1947 شامل 3 نفر بود، هرچند که تعداد کتب گنجینه آن به 100 هزار نسخه رسیده بود. زمین لرزه 6 اکتبر 1948 به کتابخانه علمی آکادمی هم زیانهای زیادی رساند و ساختمان کتابخانه کاملاً ویران شد. بتدریج همه یکصد هزار نسخه کتب که در زیر آوار ساختمان مدفون شده بودند، بیرون کشیده شدند ولی به علت عدم وجود مکان مناسب، به مدت دو سال و نیم پس از زمین لرزه به صورت بسته بندی شده نگهداری می شدند. با افتتاح آکادمی علوم ترکمنستان در تاریخ 29 ژوئن 1951، امور کتابخانه علمی بهبود یافتند.

دوره توسعه فعال و پرتحرک آن آغاز شد تا سال 1957 گنجینه کتب کتابخانه به 200 هزار نسخه چاپی رسید.

در تابستان سال 1957 کتابخانه یک تراژدی وحشتناک دیگر را هم از سر گذراند که توسعه آن را تا سالهای متمادی کند نمود یعنی آتش سوزی که در ساختمان موقتی کتابخانه روی داد. همه ذخایر و گنجینه کتب آن را که در طی 17 سال ایجاد کتابخانه گردآوری شده بود از بین برد.

آکادمی علوم ترکمنستان طی نامه ای (به تاریخ 9 سپتامبر 1958) از کتابخانه های بزرگ کشور برای احیاء کتابخانه تقاضای کمک و مساعدت نمود. در پاسخ به این نامه تعداد 300 هزار نسخه کتاب و نشریات ادواری چاپی از کتابخانه های مختلف سراسر کشور (شوروی سابق) ارسال شدند. این کمک ها امکان احیاء بخشی از کتب سوخته را در نیمه اول دهه 60 فراهم نمود.

رئیس کتابخانه آکادمی علوم آقای آلماز یازبردی اف خود شیفته تحقیق در خصوص کتاب و کتابداری و تاریخ چاپ است که البته اطلاعات او پیرامون موضوعات دیگر نیز ستودنی است. او متولد سال 1939 است و در سال 1957 از هنرستان کتابداری فارغ التحصیل شده است. در سال 1959 به منظور برخورداری از تحصیلات تکمیلی به مسکو اعزام شده و در 1968 موفق به اتمام دوره فوق تخصصی در زمینه کتاب و کتابداری شده است. در سال 1963 یعنی 35 سال پیش به منظور اشتغال به جمع کارمندان کتابخانه آکادمی علوم پیوسته است. خود او در این زمینه می گوید: «در ترکمنستان هر کسی یک دفترچه کار دارد که البته من تاکنون آن را ندیده ام، ممکن است فقط 4 یادداشت در آن نوشته شده باشد در صورتی که دیگران آنقدر شغل عوض می کنند که دیگر جایی در دفترچه کارشان وجود ندارد».

از سال 1973 به عنوان مدیر این کتابخانه انتخاب شده است و از آن زمان تاکنون باغبانی بوستان کتاب را به عهده گرفته است.

این کتابخانه در سال 1941 تأسیس شد و در سال 1948 همزمان با وقوع زلزله مخوف عشق آباد دستخوش آسیب های جدی گردید و در سال 1958 دچار حریق شد و کاملاً سوخت. در اوائل دهه 1960 ساختمان فعلی احداث گردید و از آن زمان تاکنون فعال است.

این کتابخانه دارای 2 میلیون جلد کتاب است که 95٪ آن به زبان روسی و مابقی به زبان های ترکمنی - فارسی - عربی - فرانسه و انگلیسی است.

سیاست:

نظام حکومتی:

حکومت ترکمنستان جمهوری ریاستی و تک‌حزبی است و رئیس‌جمهور اختیارات گسترده‌ای دارد. رئیس‌جمهور ترکمنستان و شخص اول این کشور از هنگام استقلال تا سال 2006 صفرمراد نیازف بود. رئیس‌جمهور کنونی کشور قربان قلی بردی محمداف است. سیاست ترکمنستان بیطرفی در مسائل جهانی و منطقه‌ای است.

نظام سیاسی این کشور سیستم تک‌حزبی است و رهبر حزب دمکراتیک ترکمنستان صفرمراد نیازف تا زمان مرگ اش در سال 2006 عملاً حاکم بلامنازع این کشور بود. نیازف بخصوص در اواخر حکومتش خود را به شیوه رهبران کهن ترکمنباشی یا پدر ترکمن‌ها معرفی می‌کرد و دستگاه اداری و سراسر کشور در کیش شخصیتی بی‌مهار غوطه‌ور بود. نیازف که در سال 1999 خود را رئیس‌جمهور مادام‌العمر کشور تعیین کرد بخش زیادی از ثروت ترکمنستان را به جای اقتصاد و نیازهای اجتماعی صرف پروژه‌های تجملی کرد. قربانقلی بردی محمداف جانشین وی گفته است که روش نیازف را ادامه خواهد داد ولی نشانه‌هایی از تغییر در مرام او دیده می‌شود از جمله کاهش تجمل و تشریفات پیرامون وی و سایر مقامات دولتی.

رئیس‌جمهور جدید وعده داده که مسیر نیازف را ادامه داده ولی در عین حال اصلاحاتی نیز در کشور انجام دهد از جمله: دسترسی نامحدود به شبکه اینترنت، بهبود وضع آموزش و بازنشستگی. به فاصله کوتاهی پس از رسیدن به قدرت رئیس‌جمهور جدید با لغو دستور سال قبل نیازف، صدهزار نفر را مشمول بیمه بازنشستگی دولتی کرد. بردی محمداف که سابقاً دندانپزشک مخصوص رئیس‌جمهور بود در سال 1997 توسط نیازف به عنوان وزیر بهداشت و سپس در سال 2001 به عنوان معاون نخست وزیر تعیین شد. یکی از وظایف دشوار وی اجرای

اصلاحات در سیستم خدمات پزشکی و درمانی ترکمنستان است که در زمان اجرای اولیه آن نزدیک بود حکومت نیازاًف را سرنگون کند. لازم به ذکر است که تا کنون وعده های محد اف هیچکدام محقق نشده و آزادی های ذکر شده یک روند بسیار کند و نامناسب را دارد. بردی محمدوف متولد سال 1957 است .

قوای سه گانه :

براساس قانون اساسی که در تاریخ 18 می 1992 به تصویب رسید و براساس این قانون ساختار حکومت به سه قوه مجریه، قضایه و مقننه تقسیم می گردد. قوه مجریه رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی و بالاترین مرجع اعمال حاکمیت ملی است. براساس قانون اساسی کاندید ریاست جمهوری باید 40 سال سن، ترکمن و در این کشور زندگی کرده باشد. رئیس جمهور برای مدت 5 سال و با رأی مستقیم مردم انتخاب شده و انتخاب یک فرد بیش از دوبار متوالی ممکن نیست. رئیس جمهور رئیس دولت هم هست یعنی پست نخست وزیری را هم به عهده دارد. طبق قانون مصوب 1999 که توسط نیازاًف مطرح شد. ریاست جمهوری در ترکمنستان مادام العمر شده است. مطابق با قوانین اساسی وظایف و اختیارات رئیس جمهور عبارت است از :

• اجرای قانون اساسی، تدوین سیاست خارجی، تنظیم روابط با سایر کشورها، انتصاب سفرای ترکمنستان در کشورها و سازمانهای خارجی و بین المللی، پذیرش استوارنامه سفرای سایر دولتها؛

• فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلام بسیج عمومی، استفاده از نیروهای مسلح و تعیین فرماندهان ارشد نظامی؛

- تنظیم قوانین و مصوبات مجلس: رئیس جمهور می تواند در صورتی که مصوبات مجلس را به صلاح کشور نداند، آنها را برای بررسی و رأی گیری مجدد مسترد کند؛
- فراخوانی و تشکیل مجلس مصلحت خلق: رئیس جمهور، ریاست مجلس مصلحت خلق را نیز به عهده دارد؛
- اعطای عناوین، جوایز، نشان های ملی و درجات نظامی؛
- برگزار کردن رفراندوم طبق حکم مجلس مصلحت خلق ؛
- عزل و نصب رؤسای دادگاه عالی، دادگاه اقتصادی و دادستان کل با توافق مجلس؛
- عفو یا تخفیف محکومیت مجرمان و محکومان؛
- تنظیم بودجه سالانه کشور و گزارش به مجلس جهت تصویب؛
- صدور قوانین و احکام؛
- حق انحلال پارلمان؛

گسترده‌گی وظایف و اختیارات رئیس جمهور در نظام حکومتی ترکمنستان نشان می دهد که وی بر خلاف مفاد قانون اساسی، بر قوای مقننه و قضائیه نیز اشراف کامل داشته و اکثر اختیارات و اهرم های قدرت در دست وی است. پس از رئیس جمهور، کابینه وزرا مهمترین رکن قوه مجریه به شمار می آید. رئیس جمهور موظف است حداکثر یک ماه پس از تصدی مقام خود کابینه را تشکیل دهد. معاونان کابینه وزرا نیز از سوی رئیس جمهوری تعیین می شوند. رئیس جمهور جلسات کابینه را تشکیل داده و آنها را اداره می کند. البته در موقع

ضروری طبق نظر رئیس جمهور، یکی از معاونان کابینه وزرا نیز می تواند جلسات آن را اداره کند. وظایف و اختیارات کابینه وزرا عبارت است از:

- اجرای قوانین، دستورات رئیس جمهور و تصمیمات شورای مصلحت خلق؛
- تأمین و دفاع از حقوق و آزادی های شهروندان، حفظ مالکیت خصوصی، نظام اجتماعی و امنیت ملی؛
- ارائه پیشنهاد به شورای مصلحت خلق در رابطه با خط مشی اساسی کشور در زمینه سیاست داخلی و خارجی و برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور؛
- رهبری و اداره توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، استفاده صحیح از منابع طبیعی و حفاظت از آن؛
- انجام اقدامات لازم برای تحکیم نظام پولی و مالی کشور؛
- عملی ساختن سیاست اقتصاد خارجی و توسعه روابط فرهنگی با سایر دول؛
- ایجاد کمیته ها و ادارات تخصصی در کنار کابینه وزرا در صورت لزوم؛

قوه مقننه :

قوه مقننه متشکل از دو مجلس است: مجلس مصلحت خلق و پارلمان. مجلس مصلحت خلق: این مجلس عالی ترین ارگان نمایندگی خلق ترکمنستان و قدرتمندترین ارگان قوه مقننه است که ریاست آن را شخص رئیس جمهور بر عهده دارد. تعداد نمایندگان این مجلس بیش از 2500 نفر است که برخی از آنها با رأی مردم انتخاب می شوند و برخی دیگر از پیش تعیین

شده هستند. رئیس جمهور، نمایندگان مجلس، 60 نفر از نمایندگان منتخب مردم، ریاست دادگاه عالی (دیوان عالی کشور)، ریاست دادگاه عالی اقتصادی، دادستان کل، وزرای کابینه، استانداران، شهرداران و ریش سفیدان هر منطقه از اعضای مجلس مصلحت خلق هستند. جلسات این مجلس به طور نامنظم تشکیل می شود. تصمیمات مجلس مصلحت خلق باید توسط رئیس جمهور، مجلس و دیگر ارگانهای دولتی به مرحله اجراء درآید. مطابق با قانون اساسی وظایف و اختیارات این مجلس شامل موارد زیر می شود:

• اتخاذ تصمیم درباره ضرورت اصلاح یا تکمیل قانون اساسی و یا تصویب قانون اساسی جدید؛

• برگزاری همه پرسی ها؛

• ارائه پیشنهاد در مورد توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛

• تغییر مرزها و تقسیمات کشوری؛

• تصویب یا فسخ قراردادهای دولت با دیگر دول یا سازمانهای بین المللی؛

• اعلام جنگ و صلح؛

پارلمان:

پارلمان نهاد دیگر قانون گذاری در ساختار حکومتی ترکمنستان است. در حال حاضر 50 نماینده در پارلمان عضویت دارند که از 50 حوزه انتخابی به مدت 5 سال انتخاب می شوند (قبلاً تعداد آنها 175 نفر بوده که در انتخابات دسامبر 1994 به 50 نفر کاهش یافت). تمامی این 50 تن از اعضای حزب دمکراتیک ترکمنستان هستند.

مطابق با قانون اساسی اختیارات پارلمان شامل موارد ذیل می باشد:

• تغییر و اصلاح قانون اساسی و تصویب قوانین عادی و تشریح و تفسیر آنها؛

• تصویب نتایج انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب 60 نفر از نمایندگان مردم برای

مجلس مصلحت خلق؛

• تشکیل کمیسیون مرکزی برگزاری انتخابات و همه پرسی‌ها؛

• تأیید یا رد برنامه کار کابینه وزراء؛

• تأیید نامزدهای دادگاه عالی، ریاست دادگاه عالی اقتصادی، دادستان کل و پیشنهاد عزل

آنها؛

• تعیین جوایز دولتی و اعطای جوایز و عنوان ها، نشان ها و درجات افتخاری به رئیس

جمهور؛

• بررسی و تشخیص قوانین مصوب دولت با قانون اساسی؛

• تنها رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و کابینه وزراء می توانند لوایح قانونی را به این مجلس

ارائه کنند. نمایندگان مجلس حق پرسش و استیضاح کابینه وزراء و رؤسای سایر ارگانهای

دولتی را دارا می باشند. در کل مجلس ملی ترکمنستان نهادی تشریفاتی بوده و تأثیر چندانی

در تشکیلات ساختار قدرت کشور ترکمنستان ندارد.

انحلال مجلس در سه حال امکان پذیر است:

1- برگزاری رفراندوم؛

2- در صورت تصویب دو سوم از نمایندگان آن (خود انحلالی)؛

3- توسط رئیس جمهور مشروط بر آن که مجلس ظرف مدت 18 ماه به وزرای پیشنهادی دولت رای اعتماد ندهد.

در کل با توجه به نظام سیاسی ترکمنستان که نظام ریاستی است و همچنین با عنایت به این نکته که رئیس جمهور ریاست مجلس مصلحت خلق، یعنی قدرتمندترین نهاد قانون گذاری کشور را نیز دارا می باشد، می توان گفت که قوه مقننه قدرت چندانی نداشته و قوه مجریه بر قوه مقننه سایه انداخته است، چرا که نمایندگان مجلس از اعضای حزب دمکرات بوده و بدین لحاظ با کمک این نمایندگان حزبی برنامه های رئیس جمهور سریع تر تحقق می یابد.

قوه قضائیه :

در ترکمنستان قوه مستقلی به نام قوه قضائیه بدانگونه که در سایر کشورها به چشم می خورد وجود ندارد. قوه قضائیه مجموع های است متشکل از نهادهای قضایی پراکنده که در قوه مجریه ادغام شده است. وجه مشترک تمامی این نهادها آن است که مستقیماً تحت نظر رئیس جمهور قرار دارند. وزارت دادگستری یکی از اجزای مهم بخش قضایی کشور است. وزیر دادگستری از سوی رئیس جمهور انتخاب و به مجلس معرفی می شود. وی موظف است گزارش کلیه

اقدامات خود را به رئیس جمهور بدهد. وظایف و مسئولیت های وزارت دادگستری به شرح ذیل است:

• مشارکت در تهیه و تنظیم لوایح قانونی؛

• ارزیابی نقاط قوت و ضعف و تعبیر آنها؛

• بررسی و تأیید اساسنامه کلیه وزارت خانه ها؛

• انتصاب بخشی از پرسنل دادگاهها؛

• تدوین و اصلاح آیین دادرسی محاکم؛

• سرپرستی دفاتر ثبت و احوال و ثبت اسناد؛

• بررسی حقوقی صلاحیت تشکیل احزاب و گروههای سیاسی؛

• بررسی حقوقی صلاحیت تشکیل انجمن های دینی و ثبت آنها؛

در کنار وزارت دادگستری، دادستان کل کشور هم وجود دارد که به مانند نهادهای مشابه خود در دیگر کشورها موظف به پیگیری و رسیدگی اولیه به جرائم و صدور کیفر خواست علیه مجرمان است. دادگاه عالی بخش دیگری از قوه قضائیه را تشکیل می دهد که دادگاههای دیگر زیر نظر آن فعالیت می کنند. دادگاه عالی در حکم دیوان عالی کشور بوده و به کار استیناف پرونده ها مبادرت می ورزد. رئیس دادگاه عالی توسط رئیس جمهور انتخاب می شود.

دادگاهها به تفکیک جرم در ترکمنستان به شرح ذیل است:

• دادگاه عمومی: این دادگاه خود به دادگاههای استان، شهر و بخش تقسیم شده و مستقیماً

زیر نظر دادگاه عالی انجام وظیفه می نماید؛

• دادگاه اقتصادی این دادگاه به اختلافات مالی و اقتصادی بین اشخاص حقیقی و حقوقی می پردازد و تحت نظارت دادگاه عالی اقتصادی قرار دارد. دادگاه عالی اقتصادی وظایفی مشابه با وظایف دادگاه عالی را به انجام می‌رساند؛

• دادگاه نظامی: این دادگاه نیز زیر نظر دادگاه عالی فعالیت می کند و جرائم نظامی را مورد رسیدگی قرار می دهد.

در ترکمنستان قضات به مدت 5 سال به شغل قضاوت منصوب می‌گردند. وزارت دادگستری افراد واجد شرایط را معرفی کرده و رئیس جمهور حکم انتصاب آنها را صادر می نماید. کسی می تواند قاضی شود که دارای حداقل 25 سال سن، لیسانس حقوق، سلامت و صحت جسم و روان بوده و بر زبان ترکمنی تسلط کامل داشته باشد. چنین فردی ابتدا کار خود را از انجام امور حاشیه های دادگاهها شروع کرده، با پیمودن مراتب خود را به منصب قضاوت می‌رساند. مدت فعالیت قاضی قابل تمدید است ولی چنانچه کار وی رضایت بخش نباشد با حکم دادگاه و پس از اتمام دوره 5 ساله یا قبل از آن بر کنار می گردد. قضات به جز شغل معلمی و تحقیقات علمی، مجاز به احراز هیچ شغلی دیگری که بابت آن حقوق پرداخت شود، نیستند. آنها همچنین در مدت انجام وظیفه نمی‌توانند در احزاب سیاسی یا گروههای اجتماعی که اهداف سیاسی را دنبال می کنند، فعالیت داشته باشند.

در سیستم قضایی ترکمنستان استیناف و فرجام خواهی وجود داشته و حق مسلم محکوم شمرده می شود در صورت درخواست محکوم، پرونده جهت رسیدگی مجدد به دادگاه عالی ارسال می گردد. همه متهمین حق داشتن وکیل دارند و چنانچه فردی بضاعت مالی اخذ وکیل را نداشته باشد دولت یک وکیل تسخیری برای او خواهد گرفت. از مهمترین نکات قابل توجه در بخش قضایی ترکمنستان آلوده بودن قضات و دادگاهها این کشور به فساد مالی است. به طوری که با پرداخت پول و رشوه می توان اکثر رأی قضات را تغییر داد.

احزاب سیاسی :

هر چند قانون اساسی ترکمنستان حق تشکیل احزاب سیاسی را ضمانت کرده است. اما در حقیقت این است که حزب کمونیست سابق ترکمنستان در تمام زمینه‌ها و ابعاد سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و غیره بر این کشور چیرگی داشته و با بکارگیری تجربیات چندین ساله تشکیلات حزبی هر چند تغییر نام داده معذک همان پیکره و نهاد را حفظ کرده است.

حزب دمکراتیک ترکمنستان :

در 16 دسامبر 1991 در کنگره 25 حزب کمونیست ترکمنستان، حزب کمونیست منحل و این حزب با دستور نیازآف به حزب دمکراتیک ترکمنستان تغییر نام داد و به عنوان تنها حزب قانونی و رسمی کشور شناخته شد. این سازمان حزبی در حقیقت ساختار و بنیه تشکیلاتی همان حزب کمونیست اتحاد شوروی سابق می باشد. حزب دفاتر و شاخه‌های در هریک از 5 استان و سایر شهرها و محلات داشته و تمام تصمیمات حزبی از عشق آباد اتخاذ و ابلاغ می گردد. این حزب کنگره‌های منظمی را سالانه منعقد می نماید. این حزب هفته نامه به نام گفتگوی سیاسی به زبان ترکمنی و ماهنامه به زبان روسی منتشر می نماید. حزب دمکراتیک ترکمنستان در سال 1994 نظام نامه ای را منتشر کرد که در آن سیاست حزب را چنین عنوان داشت: حزب دمکراتیک ترکمنستان، حامی اصلاحات اقتصادی و دمکراتیک در کشور می باشد و در این عرضه گام بر میدارد. در این نظامنامه اقدامات حزبی به صورت مشروع بیان شده که حول اصلاحات اقتصادی و دمکراتیک شدن کشور است. حزب ادعا می نماید که به عنوان یک حزب، حمایت گر حقوق مدنی افراد و شهروندان و پشتیبان حکومت قانون و برابری قومی در ترکمنستان می باشد.

در نظام نامه حزب آمده است که رهبریت حزب اعتقاد راسخ نسبت به دستیابی به این اهداف دارد و خاطر نشان ساخته که رسیدن به این اهداف در کوتاه مدت میسر نخواهد گشت و اعلام نموده که آزادی سیاسی و دموکراتیک در حاضر نارس و ناقص می باشد. عضویت در حزب دموکراتیک ترکمنستان به عنوان یک امتیاز ویژه و انحصاری به حساب می آید. تعداد اعضای حزب در حدود 60 هزار نفر برآورد می شود که به طور مستقیم در حزب مشغول کار بوده ولی تعداد کل اعضا در حدود 116 هزار نفر می باشد. در مورد میزان بودجه و مخارج حزب هیچ گونه اسناد رسمی وجود ندارد ولی به اعضا حزب در سطوح مختلف مقامات و کادرهای حزبی حقوق مشخصی پرداخت می گردد.

سازمان وحدت خلق :

ایده ایجاد سازمان وحدت خلق در واقع در زمان شوروی سابق و در دوره های مختلف این افکار به ذهن برخی از روشنفکران جرقه زده بود. افرادی که در رأس هیئت حاکمه ترکمنستان کار می کردند ریشه ها و اندیشه های سازمان را به وجود آورده بودند. افرادی همچون بابایف، سعیداف و اطیراف. این سازمان دو هدف عمده را دنبال می کرد:

• استقلال سیاسی از روسیه؛

• آزادی دین؛

ترکیب اصلی این سازمان روزنامه نگاران، نویسندگان، شاعران، مجسمه سازان، دانشجویان و کارمندان بود. فعالیت این حزب در حال حاضر غیر قانونی است .

حرکت دمکراتیک مردمی ترکمنستان :

این حرکت توسط بوریس شیخ مراداف نخست وزیر سابق و همچنین وزیر امور خارجه قبلی ترکمنستان بنا نهاده شده است. بعد از برکناری مراداف از دولت و تبعید به مسکو او این حرکت را در ژانویه 2002 تشکیل داد. مراداف به علت روابطش با مطبوعات روسی حکومت نیازاف را در مطبوعات به باد انتقاد گرفت. او در سال 2002 در پی توطئه ترور نیازاف رئیس جمهور وقت به طور مخفیانه وارد ترکمنستان شده بود، دستگیر و به زندان طویل المدت محکوم شد.

حزب اتحاد :

پیدایش این حزب اساساً محصول دوره گلاسنوست گورباچف است. حزب اتحاد به منظور آگاهی بخشیدن به مردم ترکمن از داشته های تاریخی، فرهنگی و زبان و نیاکان ترکمنی خود در سال 1989 تأسیس یافت. رهبری حزب به عهده نوروردی محمداف بود. این حزب در ابتدای پیدایش خود به عنوان یک نهاد و نیروی غیرسیاسی در جمهوری ترکمنستان مطرح بود بعد از سال 1991 حزب اتحاد تلاش زیادی کرد که به عنوان یک حزب سیاسی در عرضه سیاست و قدرت در ترکمنستان شکل گیرد اما نتوانست خود را به ثبت برساند لذا قابلیت اعلام خود را در جامعه پیدا نکرد. این حزب از افراد تحصیل کرده تشکیل شده و برنامه حزبی خود را حرکت به سوی جامعه دمکراتیک چند حزبی و بازگشت و احیای مجدد روحیه ملی ترکمنستان اعلام نمود که خط و مشی آن مدل ترکیه ای بود.

حزب سوسیال دمکراتیک :

در سال 1996 این حزب در عشق آباد تأسیس گردید. بنا بر اطلاعات، مؤسسين این حزب که متشکل از چندین نهاد و گروههای غیررسمی و زیرزمینی کوچک می باشند نام خود را مطرح کردند. البته از آن زمان به بعد هیچ گونه اطلاعات و خبری از آنها منتشر نشده است .

حزب تجدید حیات اسلامی :

این حزب اسلامی که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به منظور احیای مجدد دین اسلام در کشور ترکمنستان بعد از 74 سال سلطه روسها شکل گرفت. اما به لحاظ ممنوعیت حکومت مطرح نگردید.

حزب توسعه دموکراتیک :

این حزب به دنبال ممنوعیت حزب اتحاد به این نام تغییر یافت و در اصل همان حزب اتحاد می باشد. همچنین یک روزنامه به نام دیناچ در مسکو منتشر می نماید.

گروه هلسینگی :

این گروه برای هماهنگی نیروهای مخالف دولت فعالیت خود را آغاز کرده و مرکز آن روسیه مسکو می باشد. این گروه با الهام از مرکز فدراسیون بین المللی هلسینگی در مورد حقوق بشر در مناسبت های مختلف جلساتی را با اپوزیسیون مخالف دولت برگزار می نماید .

جمعیت کمیسیون 15 :

این کمیسیون از سوی مخالفان دولت ترکمنستان در خارج از کشور اعلام موجودیت کرده است. هدف اصلی این کمیسیون جمع آوری اسناد و مدارک علیه دولت برای ارائه به دادگاه بین المللی رسیدگی به امور جنایی است. این کمیسیون به کوشش صفر اقلیم اف، تشکیل و با استقبال برخی از شهروندان ترکمنستان در خارج مواجه شده است .

سازمان مقتصد :

این سازمان در بین محافل دانشجویی و علمی کشور مطرح بوده و همانند دیگر سازمانها اپوزیسیون در ترکمنستان به صورت زیرزمینی و مخفی وجود دارد.

سازمان دانشجویی نظریت :

این سازمان نیز همانند مقتصد در بین محافل دانشجویی بوده و مخفی می باشد.

حزب کشاورزان برای عدالت :

بعد از آنکه حزب دمکراتیک ترکمنستان به عنوان جانشین حزب کمونیست در عرضه کشور اعلان شد و به عنوان حزب مادر شروع به فعالیت کرد و از آن زمان به بعد هر حزب دیگری که اعلام موجودیت نموده به عنوان حزب کوچکتر شناخته می شود. در واقع این حزب کوچک که به طور قانونی در ترکمنستان مطرح بوده حزب کشاورزان برای عدالت می باشد. این حزب به دنبال پیشنهاد نیازأف مطرح گردید اما تا سال 2004 هیچ گونه اقدامی برای ثبت قانونی آن صورت نگرفت.

حزب جبهه مردمی ترکمنستان :

این حزب نیز مخالف دولت بوده و فعالیت آن مخفی می باشد.

اپوزیسیون دمرکراتیک متحد ترکمنستان :

رهبر این حرکت عابدی قلی اف است که اولین وزیر امور خارجه ترکمنستان بعد از استقلال بود که این حرکت مخالف را بر علیه دولت ترکمنستان در مسکو به وجود آورد. این حرکت از

اولین جریانات مخالف حکومت بوده و قل یاف به عنوان بارزترین افراد مخالف در کشور می باشد .

حزب پیشرو دمکراتیک :

رهبری این حزب مخالف دولت به عهده مراد خوجا محمد اف بوده که در فوریه 1996 توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. بعد از پافشاری سازمانهای بین المللی آزاد و به خارج از کشور رفته و در آنجا به فعالیت علیه دولت مشغول می باشد.

حرکت وطن :

این حرکت که متشکل از مخالفین و مبارزین ترکمنستانی و مبارزین سیاسی سایر کشورها آسیای مرکزی می باشد، با جمع شدن در کشور سوئیس مرکز این حرکت سیاسی را تشکیل داده اند و فعالیت های متحد خود را به صورت جمعی از سوئیس هدایت می کنند. عناصر دیگر اپوزیسیون که در سایر کشورهای هم سود می باشند، در فدراسیون روسیه مرکز اپوزیسیون خود را تشکیل داده اند

تحولات سیاسی، ترکمنستان بعد از نیازاف:

روز 18 فوریه 2011 قربان قلی بردی محمداف، رئیس جمهور ترکمنستان طرح تشکیل احزاب مخالف را ارائه نمود.

سال 2011 برای اولین بار پس از کسب استقلال در سال 1991 میلادی مسئله تشکیل احزاب مخالف در ترکمنستان مطرح شده و رئیس جمهور ترکمنستان بر آن شده است ، با مشارکت

دادن احزاب مخالف در حیات سیاسی کشور از یک سو از فضای خفقان دوران صفر مراد نیازف بکاهد ، از سوئی دیگر با جامعه آزاد جلوه دادن ترکمنستان ، هر گونه تحرک و واکنش را از مخالفان تبعیدی خود سلب و انتقادهای مجامع بین المللی را در مورد محدودیت آزادی های شهروندی در کشورش را مهار کند. البته تا این لحظه رئیس جمهور ترکمنستان در راستای از بین بردن آثار دوران خودکامگی های ترکمن باشی اقدام هائی انجام داده و در ادامه همین روند ، اخیرا با دستور او بزرگ ترین مجسمه نیازاف در پایتخت برچیده شده است.

اقدام رئیس جمهور ترکمنستان در مورد تشکیل احزاب مخالف از سوی رسانه های این کشور تحولی مهم در حیات سیاسی و اجتماعی ترکمنستان ارزیابی شده است. به اعتقاد دست اندرکاران این رسانه ها که نشأت گرفته از تفکر قربان گلی بردی محمداف می باشد ، وجود احزاب رقیب در شکل گیری فضای سالم دموکراسی موثر خواهد بود. امری که به رویدادهای سیاسی و اجتماعی کشور مضمونی تازه ای خواهد بخشید. پس از سخنان رئیس جمهور بعضی از گروههای فعال سیاسی آمادگی خود را جهت تشکیل حزب اعلام کرده اند.

نوربردی نور محمد اف رهبر گروه حرکت وحدت با استقبال از این موضوع گفت :در حال حاضر شرایط و قوانین لازم برای تشکیل احزاب مخالف در کشور مهیا نمی باشد. وی افزود: در بیست و یکم اکتبر سال 2003 میلادی نیز قانون تشکیل احزاب به تصویب رسیده و اعلام شده بود که جهت تشکیل و ثبت احزاب سیاسی و دینی قوانین ویژه ای تهیه و تصویب خواهد شد ، اما این قوانین تاکنون تصویب نشده و موضوع مسکوت مانده است. نور محمد اف با بیان اینکه در ترکمنستان آزادی بیان ، مطبوعات و آزادی شخصیتی و اقتصادی وجود ندارد ، اعلام کرد ، اگر قوانین لازم در کشورتدوین شود ، گروه حرکت وحدت ، جهت به ثبت رساندن خود بعنوان یک حزب سیاسی اقدام خواهد کرد .اما به نظر من شرایط برای تشکیل احزاب و سازمان های مستقل و غیردولتی مهیا نیست و تغییرات ایجاد شده بسیار اندک و ناچیز است.

چاری ایشان نیازاف از رهبران حزب جمهوریخواه که از جمله احزاب مخالف در خارج از ترکمنستان می باشد ، درواکنش به آزادی تشکیل احزاب مخالف در کشور، ضمن تبریک به رئیس جمهور نسبت به اخذ چنین تصمیمی، اعلام کرد ، مسئله از شفافیت لازم برخوردار نیست. وی رئیس جمهور ترکمنستان را شخصی گزافه گوی توصیف کرده و نسبت به سخنان وی درباره آزادی تشکیل احزاب مخالف ابراز تردید کرده است.

مایکل لایوش رهبر گروه یورآسیا ترانزیشن از جمله تحلیلگرانی است که نسبت به سخنان رئیس جمهور ترکمنستان درباره آزادی تشکیل احزاب مخالف به دیده شک و تردید می نگرد. وی گفت: باید منتظر نتایج آن باشیم . باید ببینیم که آیا به نمایندگان گروههای مخالف دولت که مخالفان واقعی دولت هستند و در خارج از کشور فعالیت می کنند اجازه ورود به کشور داده می شود یا خیر؟ او از تشکیل احزاب مخالف ساختگی و تصنعی توسط نزدیکان رئیس جمهور بعنوان احزاب مخالف ابراز نگرانی کرده است.

در حال حاضر تنها حزبی که بصورت رسمی در ترکمنستان فعالیت می کند حزب دموکراتیک ترکمنستان که حزب حاکم بر کشور می باشد . حزب دموکراتیک ترکمنستان در سال 1991 میلادی پس از اعلام استقلال کشور ایجاد شد و ریاست آن بر عهده نیازاف رئیس جمهور سابق بود و پس از فوت او در سال 2006 میلادی قربان قلی بردی محمداف بعنوان رئیس جمهور و رئیس حزب دموکراتیک ترکمنستان انتخاب شد البته تعدادی سازمان و تشکل طرفدار دولت که عضو جنبش ملی رستاخیز می باشند ، فعالیت می کنند. وظیفه اصلی این نهادها که یک نوع مکمل یا شاخه هائی از حزب حاکم محسوب می شوند ، ترغیب و ترویج سیاست های ترکمن باشی صفرمراد نیازاف رئیس جمهور وقت ترکمنستان بوده است. به اعتقاد فعالان حقوق بشر ترکمن ، این جنبش به اصطلاح ملی و نهادهای آن ، همچنین حزب حاکم دموکراتیک بر خلاف مقررات قانون اساسی ترکمنستان تشکیل شده و از طرف دولت

حمایت می شوند. فقط حزب حاکم و سازمان های جنبش ملی رستاخیز حق شرکت در انتخابات را داشتند .

قربان قلی بردی محمداف از زمان به قدرت رسیدن در سال 2006 میلادی به تدریج اقدام به اصلاح وضعیت در بخش های مختلف سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ترکمنستان و از بین بردن میراث دوران تک تازی های ترکمن باشی نمود. رویگردانی از سیاست های اقتصادگرایانه نیازاف که خود را رئیس جمهور مادام العمر ترکمنستان اعلام کرد ، از ویژگی های سیاست های بردی محمداف بوده است. اما علی رغم اعلام رئیس جمهور ترکمنستان مبنی بر ایجاد فضای چند حزبی در عرصه سیاسی این کشور، هیچ آینده روشنی از بهبود اوضاع در این زمینه به چشم نمی خورد. زیرا جامعه ترکمن خاطرات خوبی از فرجام فعالیت های دیگراندیشان ندارد و سرنوشت تلخ عبدالرحمان عبدالرحمان اف رئیس گروه جمعیتی ایلکینجیلر، که فقط به خاطر ارائه طرح آترناتیو تشکیل اتحادیه های کشاورزی به 8 سال زندان محکوم شد ، همچنان در اذهان مردم باقی می باشد.

بنابراین به نظر می رسد ، پیشنهاد رئیس جمهور ترکمنستان در مورد تشکیل احزاب مخالف فرمایشی، تلاشی در جهت همسوئی ظاهری با سایر کشورهای منطقه و ارتقاء جایگاه خود به عنوان رئیس جمهور عادل می باشد. اما از آن جا که رئیس جمهور ترکمنستان و جامعه این کشور در مورد احزاب مخالف دیدگاه های متفاوتی دارند ، به نظر نمی رسد که در آینده های نزدیک شاهد شکل گیری یک حزب واقعی مخالف در این کشور باشیم. به ویژه آن که از حالا محافل طمع جو در هیات حاکمه دولت عشق آباد سعی دارند با دادن عناوین بلند پروازانه از بردی محمداف یک ترکمن باشی دیگر درست کنند. در همین راستا در پایان جلسه روز 18 فوریه هیات دولت مراد قاری اف رئیس کمیسیون مرکزی انتخابات و همه پرسی ترکمنستان پیشنهاد کرد ، به رئیس جمهور عنوان قهرمان ترکمنستان اعطا گردد. هر چند بردی محمداف

این پیشنهاد را نپذیرفت. اما این نگرانی جا دارد که در چارچوب قدرت طلبی شرقی و اقتدارگرایی میراث شوروی، رئیس جمهور کنونی ترکمنستان به تدریج بسوی میراث سلف خود گام بردارد.

البته وعده های آزادی تا کنون محقق نشده است و یک روند بسیار کند و نامناسب دارد؛ زیرا هیچ حزب، روزنامه و رسانه غیر دولتی فعلا وجود ندارد و تا کنون هیچ نشانه ای از تغییر و تحول مثبتی مشاهده نمی شود.

رسانه ها:

الف) رادیو

ترکمن ها برای نخستین بار در سال 1927 صاحب مرکز رادیویی شدند. این ایستگاه ها در آن ایام تنها قادر بود اخبار کوتاهی از ترکمنستان را به گوش شنوندگان ترکمن خود برساند و بقیه اوقات فقط برنامه های رادیو مسکو را تقویت می کرد.

در سال های نخست، ایستگاه های رادیویی عشق آباد فقط از روی امواج بلند و با یک کانال برنامه های خود پخش می کرد. اما در اواخر دهه 50 ایستگاه رادیویی عشق آباد پخش برنامه از کانال دوم روی موج متوسط و در دهه 60 روی موج کوتاه ویژه شهر عشق آباد آغاز نمود.

در سال های دهه 70 بر اساس مصوبه مسؤولین جمهوری ترکمنستان خطوط پخش برنامه رادیویی با استفاده از تیرهای تلگراف به اکثر مناطق مسکونی استان های کشور کشیده شد و در هر خانه گیرنده های رادیویی قادر به دریافت برنامه ها از آن خطوط، نصب گردید. این

شبکه رادیویی در اوقات معین برنامه های ترکمنی رادیو ترکمنستان و سپس برنامه های ایستگاه رادیویی مایاک، مرکز مسکو را به طور شبانه روزی پخش می کرد.

در اواسط دهه 80 با افزایش رادیوهای پرتابل شیوه قدیمی دریافت امواج رادیویی منسوخ و مردم با استفاده از رادیوهای جدید قادر شدند برنامه های مختلف رادیویی مسکو و سایر جمهوریها را گوش دهند.

در حال حاضر تنها یک مرکز رادیویی در ترکمنستان وجود دارد که از عشق آباد برنامه های دو کانال رادیویی را به سراسر خاک ترکمنستان انعکاس می دهد.

رادیو برون مرزی ایران که از مرکز گرگان به زبان ترکمنی بخش های وسیعی از خاک ترکمنستان را پوشش می دهد یکی از رادیوهای پرشنونده است. طبق بررسی های انجام شده مردم به برنامه های این رادیو بویژه برنامه های مذهبی ترکمنستان محسوب می شود، توجه خاصی دارند و مردم برنامه های مذهبی این رادیو را ضبط و به صورت کاست در اختیار دیگران قرار می دهند.

ب) تلویزیون

تلویزیون (TMT)

تلویزیون جمهوری ترکمنستان در سال 1959 تأسیس شد و از طریق تنها یک شبکه به تولید و پخش برنامه های کوتاه و اخبار به زبان ترکمنی و روسی پرداخت. امواج این تلویزیون بقدری ضعیف بود که مناطق مسکونی واقع در 60-70 کیلومتری عشق آباد نیز قادر نبودند برنامه های آن را تماشا کنند. تا اینکه در سال 1970 با تقویت آن استان های همجوار عشق آباد موفق شدند برنامه تلویزیون را ببینند.

تا اواسط دهه ی 80 تصاویر تلویزیونی سیاه و سفید و با استفاده از دوربین های فیلمبرداری قدیمی صورت می گرفت. با این وجود بین سال های 76 تا 82 از 90 فیلم مستند توسط تلویزیون ترکمنستان تولید و پخش گردید. کلیه برنامه های رادیو و تلویزیون ترکمنستان زیر نظر کمیته ای دولتی تهیه و پخش می شد و تا قبل از استقلال ترکمن ها با فقدان عوامل انسانی کارآمد و امکانات فنی لازم مواجه بودند.

در سال های پس از استقلال بین سال های 96-94 دولت ترکمنستان با تخصیص مبلغ 13 میلیون دلار درصدد خرید تجهیزات و نوسازی سیستم رادیویی و تلویزیونی کشور برآمد که البته گفته شد بخش هایی از این بودجه توسط مدیران وقت تلویزیون اختلاس گردید. البته بعدها دولت با انعقاد قراردادی با تلویزیون ترکیه (TRT) مرکز رادیویی و تلویزیونی خود را تجهیز کرد و شرکت عمرانی بوئیک فرانسه نیز ساختمان قدیمی این مرکز را بازسازی نمود.

در حال حاضر تلویزیون ترکمنستان دارای سه شبکه به نام های «میراث»، «آلتین عصر» و «یاشلیق» است و یک شبکه خبری وطن که برنامه های خبری خود را همزمان روی سه شبکه مذکور پخش می کند. برنامه های این سه شبکه هر روز از ساعت 7 صبح شروع و 11 شب به پایان می رسد به جز شبکه آلتین عصر که گاهی اوقات تا ساعت 12 شب نیز به پخش برنامه می پردازد.

تلویزیون ترکمنستان در سال های پس از استقلال و در جهت تحقق اهداف سیاسی و فرهنگی و با طرح هویت ملی ترکمن ها سعی کرد ناگفته های قوم ترکمن در طول حکومت شوروی را بیان کند، اما چون توان لازم برای تولید برنامه را نداشت وقت عمده برنامه های خود را به بخش ساز و ترانه های سنتی (بخشی ها) پرداخت که اشعار بسیاری از این ترانه ها اشعاری ملی، میهنی، بویژه اشعار مختومقلی فراغی بود. رقص های دسته جمعی دختران ترکمن، پخش ترانه های خوانندگان ترکیه به روند تکراری و خسته کننده این ترانه ها، تنوعی

غیر قابل توجه می دهد. هر چند با پخش مکرر فیلم های سینمایی مربوط به ترکمن ها در سال های گذشته، تلاش شد تا پان ترکمنیسم مورد نظر رئیس جمهوری تحقق پیدا کند.

تا سال 1997 مردم با استفاده از کانال های تلویزیونی روسیه اوقات فراغت خود در منزل را پر می کردند، اما در سال 1997 دولت از تقویت کانال های تلویزیون روسیه خودداری کرد تا مردم را بتواند به تماشای برنامه های تلویزیون ترکمنستان علاقمند کند. از آن پس ماهواره که تنها تعداد محدودی از منازل از آن برخوردار بودند، مورد توجه قرار گرفت تا جایی که امروز در سراسر ترکمنستان حتی در دورافتاده ترین روستاهای آن مردم از شبکه های ماهواره ای مختلف استفاده می کنند.

علت گریز از برنامه های تلویزیون ترکمنستان را باید تنها در محتوای برنامه ای آن دانست.

تلویزیون روسیه ORT :

تا سال 1997 برنامه های شبکه اول روسیه به طور شبانه روزی در عشق آباد قابل رؤیت بود ولی پس از آن همه به دستور رئیس جمهوری تقویت این شبکه تلویزیونی قطع و تنها 2 ساعت در روز اجازه پخش داده شد که گفته می شود این برنامه ها توسط تلویزیون ترکمنستان ضبط و پس از اعمال سانسور روی شبکه میراث پخش می شود.

می گویند علت این امر پخش برنامه ها و اخباری است که به مذاق دولت ترکمنستان خوش نیامده است.

تلویزیون ترکیه TRT :

ترکیه اصلی ترین شریک اقتصادی و فرهنگی ترکمنستان است. پس از ناکامی ایران در ادامه روند فعالیتهای اقتصادی و سیاسی اش در سال های اولیه استقلال ترکمنستان، ترکیه ضمن

چنگ انداختن به منابع عظیم کشورهای تازه استقلال یافته بیشترین و بهترین روابط را با ترکمنستان داشته و دارد. صرفنظر از روابط اقتصادی گسترده ترکی با ترکمنستان و اشتغال شش هزار نفر از اتباع ترکیه در این کشور، بخش عظیمی از فعالیتهای آموزشی در این کشور توسط ترک ها انجام می شود که به موقع به این موضوع خواهیم پرداخت.

در سال 1995 که آن ها روابط مستحکم و همه جانبه بین ترک ها و ترکمن ها برقرار شد با توافق رئیس جمهور ترکمنستان کانال تلویزیونی TRT ترکیه نخست روزانه 5 ساعت و سپس 2 ساعت برنامه تلویزیونی به زبان ترکی استانبولی را از طریق تلویزیون ترکمنستان پخش می کند. این کانال نیز به دلیل پخش برنامه های کم محتوا و رعایت احتیاط بیننده ای ندارد و مردم ترکمن ترجیح می دهند که پای برنامه های متنوع ماهواره ای بنشینند.

تلویزیون های کابلی :

تلویزیون های کابلی با رونق ماهواره توسط برخی شرکت های کوچک تأسیس و در مدت کوتاهی مورد توجه و علاقه مردم قرار گرفت. بخصوص آنهایی که قادر به خرید تجهیزات ماهواره نبودند به سوی این پدیده نوظهور هجوم آوردند.

در اوایل سال 2002 به دستور رئیس جمهوری تلویزیون های کابلی جمع آوری شد و رئیس جمهوری در توجیه این دستور خود اعلام کرد که برخی از برنامه های آن ها مغرضانه و بر علیه دولت ترکمنستان است و خلاف مصالح ملی می باشد.

ج) اینترنت:

با وجود وعده های رئیس جمهور محمد اف نسبت به دسترسی همگانی به اینترنت هنوز دسترسی به اینترنت برای عموم آزاد نیست و تنها 2/2٪ مردم دسترسی به اینترنت دارند که پایین ترین و کمترین میزان در دنیاست. از همین درصد ناچیز هم مشخص نیست چه مقدار به نهاد های دولتی و رسانه ها اختصاص دارد و چه مقدار به مردم.

روابط ترکمنستان و ایران:

ایران و ترکمنستان؛ روابط و پیوندها:

پس از آنکه ترکمنستان در 5 آبان ماه 1370 ه. ش (27 اکتبر 1991 م) مستقل شد، جمهوری اسلامی ایران جزو نخستین کشورهایی بود که ترکمنستان را به رسمیت شناخت و در دی ماه 1370 در عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان اقدام به تأسیس سفارت کرد. این نمایندگی سیاسی برای مدتی در سطح کاردار بود و در اردیبهشت 1371 به سطح سفیر ارتقا یافت و این آغاز مناسبات بین دو کشور بود. جمهوری اسلامی ایران به دلایل ذیل به ایجاد و برقراری ارتباط با ترکمنستان اهمیت داده و بدان توجه دارد:

- وجود بیش از 1200 کیلومتر مرز مشترک .

- تأثیرات مثبت یا منفی اوضاع ترکمنستان در امنیت داخلی ایران .

- اعتقاد به همکاری‌های منطقه‌ای و پیشبرد توسعه اقتصاد منطقه‌ای .

- مسلمان بودن اکثریت جمعیت ترکمنستان و اشتراکات مذهبی .

- ریشه‌های تاریخی و فرهنگی دو کشور که خودبه‌خود موجب نزدیکی دو ملت می‌شود.

از سوی دیگر دلایل توجه ترکمنستان به برقراری و ایجاد ارتباط با جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در موارد ذیل ذکر کرد:

- هم‌مرزی، همسایگی و ملاحظات امنیتی مشابه .

- استفاده از وزنه ایران برای توازن سیاسی در منطقه، خصوصاً با روسیه .
- استفاده از امکانات و توانمندی‌های اقتصادی جهت بازسازی اقتصاد ملی .
- اشتراکات تاریخی، مذهبی و فرهنگی .

زمینه‌های همکاری جمهوری اسلامی ایران با ترکمنستان:

تحقق همگرایی و برقراری روابط حسنه بین دو کشور، براساس ارزش‌های مشترک که قوی‌ترین عامل همبستگی و پیوند واحدهای سیاسی است، عملی خواهد شد. وابستگی متقابل سرزمین در امر انتقال انرژی و مایحتاج عمومی و وجود زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و بالاخص جغرافیایی، توسعه روابط بین دو کشور را میسر می‌سازد و منافع دوطرف را در راستای ارزش‌های مشترک مذکور شکل می‌دهد. در این بخش عوامل مختلفی که همبستگی و توسعه روابط 2 کشور را عملی ساخته به شرح زیر اشاره می‌شود.

همبستگی فرهنگی، اجتماعی و تاریخی :

فرهنگ ترکمنستان اساساً ایرانی است. آداب و رسوم و شیوه زندگی مردم آن کشور مانند ایران است. روابط عمیق و گسترده فرهنگی بین آسیای مرکزی به خصوص ترکمنستان با ایران از دیرباز سابقه داشته و این امر موجب همبستگی و خویشاوندی دیرینه‌ای بین هر دو ملت شده است. حضور سنن و آداب و رسوم ملی در آسیای مرکزی و ترکمنستان مشابهت زیادی با آداب و رسوم ایران دارد. مراسم دینی، حضور در مساجد، ازدواج، معاشرت، برخوردهای اجتماعی، ادبیات، موسیقی و شعر و... از آن جمله‌اند.

سابقه تاریخی دوکشور از بستر مشترک بیش از هزار ساله برخوردار است، در ادوار تاریخی گذشته و طی دوره های مختلف حکومتی، ترکمنستان بخشی از تاریخ سیاسی ایران پهناور بوده است. در قرن 19 میلادی، وجود ارتباطات فرهنگی، تاریخی و روابط بازرگانی و کشمکش های نظامی باعث شد شمار زیادی از ایرانیان با پیوند های قومی و قبیله ای گوناگون به ترکمنستان راه یابند و قشر ایرانیان مهاجر در این منطقه شکل گیرد. این سابقه تاریخی و میراث مشترک میان دوکشور موجب همبستگی و انسجام است. به علاوه دین و مذهب نیز به عنوان یک عامل در همبستگی و انسجام دو کشور مؤثر است. هرچند تفاوت های مذهبی بین مردم دو کشور وجود دارد اما تکیه بر اسلام و دوری از اختلافات احتمالی مذهبی می تواند عامل خوبی برای همبستگی و روابط باشد.

در بعد فرهنگی روابط ایران و ترکمنستان با تکیه بر گذشته مشترک تاریخی و فرهنگی و شخصیت های بزرگ فرهنگی که گذشته آنها را به هم پیوند می دهد، حائز اهمیت است. ایجاد نمایشگاه های هنری و جشنواره های مختلف و نیز برگزاری هفته فرهنگی ایران در ترکمنستان را در بحث روابط فرهنگی دوکشور می توان مطرح کرد. از جمله فعالیت های فرهنگی انجام شده، برگزاری هفته فرهنگی دوکشور در پایتخت های یکدیگر، برگزاری همایش مشترک بزرگداشت شخصیت ها و مفاخر دوکشور از جمله مختوم قلی فراغی، خواجه یوسف همدانی، ابوسعید ابوالخیر و جارالله زمخشری را می توان نام برد. برقراری ارتباط فرهنگی میان دانشگاه مشهد و دانشگاه مختوم قلی، بازدیدهای مکرر اساتید و دانشجویان مراکز فوق از سرزمین های یکدیگر، تدریس زبان فارسی توسط اساتید ایرانی در دانشگاه مختوم قلی، تعمیر و بازسازی بناهای تاریخی ترکمنستان از سوی متخصصان و کارشناسان خراسانی و... نمونه هایی از روابط فرهنگی دوکشور است.

از دیگر اشتراکات دو کشور تاریخ ترکمنستان و ایران است؛ نه تنها دانشوران و متخصصان خراسان بلکه همه ی افراد صاحب صلاح ایران می توانند در شناسایی شهرهای باستانی و تاریخی ترکمنستان، ایضاً تاریخ و فرهنگ بلند قامت آن کشور در دوره های باستانی و تاریخی مشارکت علمی داشته باشند و این امر مهم را از زمره ی ارزشمندترین «فرصت» های همکاری فرهنگی ایران و خراسان با ترکمنستان بشمارند.

خوشبختانه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ایران و هم مدیریت این سازمان در خراسان، طی پانزده سال گذشته رفت و آمدها و همکاری های علمی ارزنده ای در این باب با حکومت و علمای باستان شناس ترکمنستان داشته اند. همچنین سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران و رایزنی فرهنگی ایران در عشق آباد مشارکت فعالی در شناسایی تاریخی - فرهنگی شهرهای مزبور داشته اند که شامل مشارکت علمی در کنگره ها و همایش های شناسایی شهرهای ترکمنستان (مثل مرو، آنو و ...) و مطالعات تاریخی و انتشار کتاب هایی در معرفی شهرهای مزبور داشته اند. یکی از این فعالیت ها، پژوهشی وسیع، اعم از کتابخانه ای و میدانی، در شناسایی و معرفی همه ی شهر و شهرک های باستانی و تاریخی ترکمنستان بوده، که در سال های 3- 1382 خورشیدی به اهتمام رایزنی فرهنگی ایران در عشق آباد انجام شده و شامل معرفی حدود یکهزار و ششصد شهر و شهرک یا موضع جغرافیایی واقع در ترکمنستان است. این پژوهش با نام فرهنگ جغرافیای تاریخی ترکمنستان، در اوایل سال 1384 منتشر شده و با استقبال حکومت و دانشمندان ترکمنستان هم رو به رو گردیده است.

به رغم فعالیت های فوق، ایرانیان می توانند در تدوین تاریخ کشور ترکمنستان، خصوصاً تاریخ عهد باستان و دوره ی اسلامی آن، مشارکت جدی و فعال داشته باشند و این امر را هم فرصت مغتنم دیگری در تقویت روابط متقابل فرهنگی خراسان با ترکمنستان بشمارند. تنها چالش یا آسیبی که در این نوع همکاری ها وجود دارد تلاش های پیشین بعضی از دانشمندان

روسیه و شوروی سوسیالیستی اس، که کوشیده اند تا از ایران و دودمان های ایرانی حاکم بر کشور ترکمنستان در دوره های باستانی کمتر نام ببرند، همچنین کوشش مغرضانه ی فرنگیان است که تلاش هایی از همین نوع داشته و کوشیده اند تا سهم اسکندر و یونانی ها را در این کشور بیش از آنچه بوده جلوه دهند. اکنون با جرأت می توان گفت که کشور ترکمنستان تاریخ علمی مدوئی ندارد و کشورهای روسیه، آمریکا، انگلستان و ... مشغول رقابت فعالی برای تدوین تاریخ این کشور در جهت مصالح خویش هستند.

همبستگی اقتصادی:

آنچه به عنوان عوامل مؤثر در گستردگی روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان حائز اهمیت است به قرار ذیل است :

- جهت گیری کلی سیاست خارجی کشورمان دایر بر کمک به کشورهای آسیای مرکزی .
- ضرورت بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای همجوار و جلوگیری از تأثیرات منفی اوضاع نابسامان اقتصادی در بی ثباتی و ناامنی منطقه ای .
- اهداف برنامه های توسعه اقتصادی ایران و مشخصاً تأکید بر توسعه هر چه بیشتر صادرات غیرنفتی .
- مرز مشترک طولانی بین دو کشور که امکانات و تسهیلات لازم جهت مرآوده و مبادله کالا و همکاری های اقتصادی صنعتی را فراهم کرده است.

ترکمنستان تنها کشور آسیای مرکزی است که با ایران مرز زمینی دارد و داشتن بیش از 1200 کیلومتر مرز خشکی و دریایی با کشورمان سبب شده تا آن کشور از اهمیت ویژه ای در سیاست

خارجی منطقه‌ای برخوردار باشد. براساس سیاست کلی ایران مبنی بر حسن همجواری با همسایگان و استراتژی اتکا بر همکاری‌های منطقه‌ای به‌عنوان عامل تضمین‌کننده امنیت و ثبات منطقه، این اهمیت با گرایش مثبتی در مسیر همکاری و حسن تفاهم بین دو کشور مورد توجه قرار گرفته است.

واقعیت این است که ایران و ترکمنستان از موقعیتی بسیار مساعد برای ارتقای روابط خود به بالاترین سطوح برخوردارند و همکاری میان دو کشور می‌تواند منافع ملی و منطقه‌ای زیادی را دربرداشته باشد. این منافع زمانی می‌تواند به شکوفایی برسد و دو کشور و منطقه را از ثمرات خود بهره‌مند سازد که با گسترش مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همراه باشد.

نیاز به همکاری‌های صادرات و وابستگی جغرافیایی ترکمنستان به ایران در زمینه انتقال انرژی (به‌ویژه گاز) و صدور اقلام صادراتی (به‌ویژه پنبه) و همکاری 2 کشور در سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی (مانند اکو و...) زمینه‌ساز همگرایی و همکاری خواهد بود. در زمینه ارتباطات اعم از شخصی (پست، تلگراف و تلفن، ارتباطات جمعی و مطبوعات، رادیو و تلویزیون)، رفت‌وآمد نخبگان (بخش‌های آموزشی، توریسم و دیدارهای دیپلماتیک) نقل و انتقالات (راه‌های زمینی، دریایی، هوایی و راه آهن) دو کشور می‌توانند با هم همکاری مناسبی داشته باشند. روابط اقتصادی دو کشور در بعد دو جانبه در بخش‌های تجارت، انرژی، نفت و گاز و سرمایه‌گذاری ضرورتی ملموس است که با ارزیابی‌های انجام شده در حال گسترش و تحکیم است.

کمیسیون‌های مشترک، روابط بانکی، ایجاد نمایشگاه‌های بازرگانی، مبادلات مرزی از جمله اقداماتی است که تاکنون با جدیت دنبال شده و گسترش نیازهای متقابل دو کشور به همدیگر را ضروری می‌کند. صادرات گاز که از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر ترکمنستان است (این کشور چهارمین کشور استخراج‌کننده گاز در جهان است) و 90 درصد آن به صادرات اختصاص دارد

که بخش عظیمی از آن به صادرات به کشورهای اروپایی تعلق دارد، با همکاری ایران محقق می‌شود.

ایران که در بهره برداری از منابع انرژی منطقه، منافع استراتژیک دارد، آمادگی خود را برای مشارکت جدی در تمامی مراحل اکتشاف، بهره برداری و انتقال نفت و گاز اعلام کرده است. در بخش نفت و گاز مهم‌ترین پروژه همکاری بین ایران و ترکمنستان، قراردادی است که بین دو کشور برای انتقال گاز ترکمنستان از ایران به ترکیه و اروپا امضا شد. این خط لوله به طول 4000 کیلومتر است که 1450 کیلومتر آن در خاک ایران است که این پروژه با 3-9 میلیارد هزینه سالانه قادر است 30 میلیارد متر مکعب گاز ترکمنستان را به اروپا منتقل کند.

همکاری‌های منطقه‌ای توسط دو کشور ایران و ترکمنستان در قالب سازمان همکاری اقتصادی (اگو) می‌تواند در یکی از مناطق استراتژیک جهان که در مسیر اتصال بازارهای شرق، غرب، شمال و جنوب قرار دارد و بازارهای عظیم چین، ژاپن، هند و کشورهای جنوبی خلیج فارس و آفریقا و از طرفی اروپا و امکانات عظیم اقتصادی آن را در بر می‌گیرد، می‌تواند زمینه همبستگی این دو کشور را تقویت نماید. ترکمنستان نیازمند استفاده از تجربه ایران در زمینه کاهش وابستگی و به‌کارگیری یک سیاست مستقل است، اگو نیز به‌عنوان یک ابزار مناسب جهت رشد و ترقی کشورهای عضو می‌تواند عمل نماید.

همجواری دو کشور و قرار گرفتن بر سواحل دریای خزر نیز انگیزه‌هایی جهت همکاری در زمینه‌های حفظ محیط‌زیست، ماهیگیری، کشتیرانی، قوانین دریایی، ترانزیت کالا، تحقیقات علمی، هیدروگرافی و... به وجود آورده است. وجود منابع غنی انرژی (نفت و گاز و منابع غنی آبزیان و اهمیت بحث ترانزیت دریایی و اتصال آن به بازارهای جهانی موضوع با اهمیتی برای کشورهای ساحلی خزر است. در مجموع اشتراک منافع و مشابهت‌های زیاد در ابعاد مختلف

اقتصادی بین دو کشور زمینه‌های همگرایی و همبستگی بین ایران و ترکمنستان را فراهم کرده است.

در نخستین سال برقراری مناسبات تجاری بین ایران و ترکمنستان در سال 1371، حجم مبادلات بازرگانی بین دو کشور 35/1 میلیون دلار بود. در این سال صادرات ایران به ترکمنستان 27/3 میلیون دلار و واردات از این کشور 7/8 میلیون دلار بوده است. این ارقام برای سال بعد (1372) به 41 و 27 میلیون دلار رسیده است. حجم مبادلات ایران و ترکمنستان در سال 81 به 431 میلیون و 500 هزار دلار رسید و 2 سال بعد یعنی در 1383 (2004 میلادی) به بیش از 750 میلیون دلار رسید و نیز میزان سرمایه‌گذاری ایران در ترکمنستان براساس اعلام مقام‌های این کشور به میزان 600 میلیون دلار برآورد شده است. به علاوه حجم مبادلات تجاری بین دو کشور در سال 1385 (2006 میلادی) به بیش از یک میلیارد و 400 میلیون دلار رسیده است. چنان‌که مؤسسه ملی آمار و اطلاعات ترکمنستان اعلام کرده که ایران در این سال با اختصاص دادن 11/7 درصد از صادرات ترکمنستان به‌خود، دومین کشور واردکننده محصول و کالا از ترکمنستان بوده است. مبادلات تجاری دو کشور در سال 1387 (2008 میلادی) به 2 میلیارد و 970 میلیون دلار رسید. آنچه مهم است، این است که 100 درصد صادرات ایران به این کشور غیر نفتی بوده که بالغ بر 330 میلیون دلار رسیده است و واردات عمدتاً گاز بوده است.

در زمینه ترانزیت و حمل‌ونقل همکاری‌های عمده‌ای بین دو کشور صورت پذیرفته است. باتوجه به اهمیت راهبردی امکانات حمل‌ونقل و به‌ویژه ریلی ایران برای ترکمنستان و به تبع سایر کشورهای آسیای مرکزی بود که بهره‌برداری از راه آهن، «مشهد - سرخس - تاجن» در سال 1375 صورت پذیرفت. ترکمنستان از مسیر فوق‌الذکر سالانه بیش از 40 میلیون دلار درآمد ارزی دارد. چنانکه روزنامه ترکمنستان درآمد ارزی آن کشور را در 3 ماهه اول سال

2006 میلادی، 37 میلیون دلار از محل ترانزیت کالا و از طریق خط آهن «تجن - سرخس - مشهد» ذکر کرده است. که این رقم در سال 2004 حدود 25 میلیون دلار بوده است.

آنچه واقعیت دارد این است که خط ارتباطی نقش مؤثری در ترانزیت بار و کالای کشورهای منطقه به بازارهای جهانی و کسب درآمد ارزی برای ترکمنستان داشته است. چنان که ترکمن‌ها از آن به عنوان «حلقه طلایی» در اتصال آسیا و اروپا و احیاکننده «جاده ابریشم» نام می‌برند. به علاوه خط آهن بافق - مشهد که در ادامه خط آهن فوق‌الذکر احداث شد، مسیر دستیابی کشورهای آسیای مرکزی به بنادر خلیج فارس و آب‌های آزاد را بیش از 800 کیلومتر کوتاه‌تر کرده و باعث کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل ریلی تا 30 درصد نیز شده است. افتتاح این خط آهن بیشترین تأثیر مثبت در میان کشورهای آسیای مرکزی را برای ترکمنستان داراست و به‌عنوان شاهراهی مهم خطوط راه آهن آن کشورها را در منطقه مرزی سرخس به راه‌آهن ایران پیوند می‌دهد.

سالانه از طریق خط آهن موسوم به جاده ابریشم هزاران تن انواع محصول و کالای تولیدی کشورهای همسود از جمله گندم، چوب، ماشین‌آلات صنعتی و پنبه به بنادر ایران در خلیج فارس منتقل و از این طریق به بازارهای جهانی صادر می‌شود و در مقابل محصولات خام و انواع تولیدات صنعتی وارداتی این کشورها نیز از طریق ایران به این جمهوری‌ها ارسال می‌شود. ساخت راه آسفالت‌ه باجگیران به عشق‌آباد، اتوبان عشق‌آباد به گوگ تپه و اتصال راه آهن سرخس به تجن (به طول 130 کیلومتر) از طرح‌های اجرا شده ایران در ترکمنستان است. به علاوه احداث پل کامیون‌رو سرخس روی رودخانه تجن، پل باجگیران، لطف‌آباد و سرخس و اعطای اجازه عبور ترانزیتی زمینی و هوایی وسایط نقلیه ترکمنستان از قلمرو ایران، برقراری خط کشتیرانی بین بنادر کراسنا و دسک و نوشهر در زمینه حمل‌ونقل قابل ذکر است.

غیر از حوزه حمل و نقل که در سال گذشته 63 هزار کامیون ایرانی وارد کشور ترکمنستان شده است، کارشناسان ایرانی پروژه مخابراتی بین‌المللی «فیبر نوری»، بازسازی واحدهای پالایشگاه ترکمن باشی، 6 سیلو، احداث یک جاده 6 بانده در مسیر عشق‌آباد- ترکمن باشی به طول بیش از 500 کیلومتر و 4 واحد ترمینال گاز مایع در مناطق مختلف ترکمنستان را به اجرا درآورده‌اند که آخرین آن ساخت اسکله دریایی گاز مایع در بندر کیان‌لی در ساحل خزر ترکمنستان بود.

یکی دیگر از زمینه‌های همکاری میان 2 کشور بخش انرژی است. در زمینه برق ترکمنستان در سال 1999، قرارداد فروش و ترانزیت برق را با ترکیه و ایران به امضا رساند که بر پایه آن ترکمنستان سالانه 600 میلیون کیلووات ساعت برق به ترکیه صادر می‌کند. در این قرارداد شرکت توانیر ایران برق صادراتی ترکمنستان را به ترکیه ترانزیت می‌کند.

مهم‌ترین بخش روابط اقتصادی متقابل بخش نفت و گاز است. خط لوله 200 کیلومتری موسوم به «کریچه - کردکوی» با هزینه 195 میلیون دلار توسط شرکت طراحی و ساختمان نفت ایران در سال 1997 میلادی به بهره‌برداری رسید که سالانه بیش از 8 میلیارد متر مکعب گاز از طریق این خط لوله به ایران صادر می‌شود.

در ماه دسامبر 1997 میلادی ترکمنستان خط لوله «کریز - کورت کیو» تا ایران را به ارزش 190 میلیون دلار شروع کرد و این نخستین خط لوله صادرات گاز طبیعی از آسیای مرکزی است که از روسیه می‌گذرد. صادرات ترکمنستان به ایران در سال 2000 از راه این خط لوله 106 میلیارد فوت مکعب بود که در سال 2001 تا 154 میلیارد فوت مکعب افزایش یافت. طبق شرایط این قرارداد 25 ساله که بین 2 کشور منعقد شده است، ترکمنستان سالانه بین 177 تا 212 میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی به ایران می‌فرستد که 35 درصد آن به پرداخت سهم ایران در ساخت خط لوله اختصاص دارد. در دولت نهم و دهم نیز خط لوله دوم انتقال گاز دولت

آباد - سرخس - خانگیران با بیش از 30 کیلومتر طول و با قطر 1020 میلی‌متر و ظرفیت سالانه حدود 12 میلیارد متر مکعب مورد بهره‌برداری قرار گرفت. هر 2 کشور توافق کرده‌اند که در سال جاری میلادی 14 میلیارد و در آینده‌ای نزدیک 20 میلیارد متر مکعب گاز ترکمنستان به ایران صادر شود.

بنابراین با توجه به وجود زمینه‌های مختلف همکاری اقتصادی میان دو کشور، سطح خوب روابط سیاسی، بعد کم مسافت میان ایران و عشق‌آباد و با توجه به اهتمام زیاد کشور ترکمنستان در جهت جلب سرمایه‌های خارجی و در اولویت قراردادن ایران در تمامی زمینه‌های سرمایه‌گذاری و با توجه به توانایی‌های فنی و اقتصادی ایران، زمینه‌های مشارکت در طرح‌های اقتصادی و تجاری ترکمنستان فراهم است و نگاهی اجمالی به شاخصه‌های همکاری اقتصادی بین دو کشور نشان‌دهنده پیوند منافع اقتصادی دو کشور است. جمهوری اسلامی ایران توانایی اقتصادی خود را با مشارکت در پروژه‌های اقتصادی ترکمنستان به ثبوت رسانده است.

وابستگی جغرافیایی (تأثیر جغرافیایی همکاری دو کشور) :

پیوستگی سرزمینی، نیازهای متقابل ژئوپلیتیکی، جایگاه ایران به‌عنوان پل ارتباطی و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مناسب‌ترین مسیر ترانزیتی از موضوعات مهم در زمینه همکاری و تأثیر جغرافیا برای همکاری دو کشور است. محدودیت مرزهای آبی و محصور بودن ترکمنستان و همچنین سایر کشورهای آسیای مرکزی در خشکی، از مهم‌ترین محدودیت‌های ژئوپلیتیک این کشورها است. یکی از شاخصه‌های مؤثر در توجه این کشورها بالاخص ترکمنستان به همسایگان جنوبی بالاخص ایران همین وضعیت جغرافیایی است. اگر کشورهای معبر دارای راه‌های پیشرفته و تسهیلات بندری کافی باشند و رفتار دوستانه توأم با همکاری در پیش

گیرند، می‌توانند نیاز ژئوپلیتیکی همدیگر را برآورده کنند. مشکل دیگری که کشورهای محصور در خشکی دارند، وجود حالت روانی است که همواره خود را به کشورهای معبر وابسته می‌بینند. وضعیت دو کشور ایران و ترکمنستان نیز به‌گونه‌ای است که برای استفاده از مسیر ترانزیتی، راه‌های مواصلاتی و... ایران توسط کشورهای آسیای مرکزی و بالاحص ترکمنستان همکاری و همگرایی را ضروری می‌نماید. از طرفی ترکمنستان نیز می‌تواند حلقه اتصال ایران با سایر کشورهای آسیای مرکزی و شرق دور باشد. لذا پیوستگی جغرافیایی و وابستگی متقابل ژئوپلیتیکی از عوامل همگرا بوده و زمینه همبستگی این دو کشور را فراهم می‌کند.

در مجموع طرح‌های صنعتی عظیمی همچون خط راه آهن تجن - سرخس - مشهد، خط ارتباطی بین‌المللی فیبر نوری، سد دوستی، احداث خطوط انتقال برق بالکان‌آباد - گنبد، مجتمع تصفیه‌خانه آب شرب شهر مرو مرکز استان ماری، سیلوهای گندم در مراکز 5 استان و شاهراه 180 کیلومتری عشق‌آباد - بهارلی در استان آخال، جاده عشق‌آباد باجگیران و سایر طرح‌های بزرگ که از سوی شرکت‌های ایرانی در سراسر ترکمنستان احداث شده و مورد بهره برداری قرار گرفته‌اند و نیز خط لوله گاز جدید ترکمنستان به ایران که گاز میدان دولت آباد ترکمنستان در منطقه سرخس را به شبکه ملی گاز ایران در خانگیان منتقل خواهد کرد نیز از نمونه بارز دوستی، روابط حسن همجواری و همکاری‌های متقابل مفید اقتصادی و تجاری بین تهران و عشق‌آباد است.

استراتژی پیشنهادی :

با توجه به آنچه گفته شد استراتژی‌های پیشنهادی برای جمهوری اسلامی ایران در مناسبات با ترکمنستان را به‌صورت فشرده به صورت زیر می‌باید.

1- در زمینه سیاسی، دفاعی و امنیتی

- تأکید بر استقلال و تمامیت ارضی در روابط فی مابین .
- مشارکت و توسعه همکاری‌های مرزی و منطقه‌ای، دفاعی، امنیتی و سیاسی (دوجانبه و چند جانبه) .
- تشکیل و تقویت گروه پارلمانی دوستی و ارتباط مجالس دوکشور با یکدیگر .
- دعوت از مسلمانان و مقامات ترکمنستان جهت شرکت در کنگره‌ها و کنفرانس‌های وزارت امور خارجه .
- گسترش همکاری‌های دوکشور با توجه به اشتراکات تاریخی و مذهبی .
- آشنا کردن ترکمنستان با خطرات پذیرش فرهنگ‌های الحادی، غربی، وهابیت، بهائیت و صهیونیسم .
- تلاش در جهت انتقال ارزش‌های اصیل اسلامی و تقویت نهاد مذهب و ابعاد اجتماعی فرهنگی آن .
- تعیین و تبیین رژیم حقوقی مناسب دریای خزر با همکاری کشورهای همسایه این دریا، همکاری‌های زیست‌محیطی و همکاری‌های مشترک در گستره این دریا و پیگیری منافع ملی ایران و دفاع از تمامیت ارضی و محدوده تعیین شده ایران در دریای خزر .
- مشارکت فعال در طرح‌ها و ترتیبات امنیتی منطقه همچون پیمان شانگهای جهت کاهش تنش‌های میان کشورهای منطقه و مقابله با اقدامات قدرت‌های فرامنطقه‌ای .
- مقابله با اندیشه‌های تفرقه‌افکنانه در وحدت اسلامی .

- بهره‌گیری از موقعیت مهم جمهوری اسلامی ایران در برقراری ارتباط میان کشورهای آسیای مرکزی و ترکمنستان .
- در اختیار قرار دادن تجربه‌های سیاسی و کمک‌های فنی و اقتصادی به آن کشور جهت استقلال سیاسی و اقتصادی آن .
- برقراری روابط سیاسی محکم با ترکمنستان برای جلوگیری از در اختیار قرار دادن پایگاه به دشمنان ایران (قدرت‌های فرامنطقه‌ای) و نیز برقراری ارتباطات اقتصادی و سیاسی مناسب .
- کمک به مبارزه با قاچاق موادمخدر با کمک سازمان ملل متحد .
- تلاش جهت ایجاد اتحادیه‌ای منطقه‌ای شامل چندین کشور که اهداف مشترک سیاسی و نظامی داشته باشند .
- تقسیم منافع اقتصادی در ترکمنستان با روسیه .

2- در زمینه فرهنگی و اجتماعی :

- گسترش ارتباطات فرهنگی و تاریخی با توجه به اشتراکات تاریخی و دینی دو کشور .
- ارتباط (غیر حساسیت‌آمیز) با شخصیت‌های مذهبی با نفوذ این کشور .
- بهره‌گیری از شرایط مناسب گرایش به مذهب در میان مردم مسلمان ترکمنستان .
- اشاعه زبان فارسی، ساختن مراکز فرهنگی، ارتباط دانشگاه‌های دو کشور، تبادل استاد و دانشجو، دادن بورس تحصیلی به دانشجویان ترکمنستان که خواهان فراگیری زبان فارسی

هستند در دانشگاه‌های ایرانی، فعال کردن رایزنی فرهنگی ایران در آن کشور؛ ایجاد کرسی زبان فارسی در دانشگاه‌های آن کشور و برگزاری تورهای علمی، سیاحتی و زیارتی و ...

- همکاری‌های مشترک علمی، پژوهشی در زمینه‌های مختلف و از جمله پزشکی و بهداشتی .
- تشکیل انجمن‌های دولتی بین ایران و ترکمنستان و لزوم تعمیم آن در روابط ایران با سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی .

- همکاری فرهنگی در چارچوب آموزش و پرورش و اعزام مدرس زبان فارسی به ترکمنستان .
- تأسیس خبرگزاری مشترک بین دو کشور که کاهش‌دهنده فعالیت‌های سوء تبلیغاتی دشمنان جمهوری اسلامی ایران است .

- همکاری‌های سازمان‌های داخلی دو کشور همچون جمعیت هلال احمر، توریسم، گردشگری، میراث فرهنگی، سینما و ...

3- در زمینه اقتصادی :

تلاش برای خرید نفت و گاز این کشور و مصرف آن در داخل و انتقال آن به پایانه‌های صادراتی در خلیج فارس .

- همکاری‌های مشترک اقتصادی در گستره دریای خزر .

- گسترش و تعمیق روابط اقتصادی و تجاری، مرزی و استانی و حضور بیشتر در بازارهای این کشور .

- همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در زمینه‌های حمل‌ونقل کالا و مسافر، صیادی، حفر چاه‌های اکتشافی منابع نفتی و نصب دکل‌های حفاری در سطح دریای خزر .
- بهره‌گیری از خطوط ارتباطی دو کشور برای ترانزیت کالا و خدمات .
- انعقاد قراردادهای کلان اقتصادی در سطح منطقه‌ای بین دو کشور .
- ایجاد نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های بازرگانی به صورت موقتی و دائمی و استفاده از بازار ترکمنستان برای صادرات و واردات .
- پشتیبانی از شرکت‌های اقتصادی ایرانی فعال در ترکمنستان .
- تأسیس کارخانجات صنعتی و شرکت‌های مشترک .
- سرمایه‌گذاری‌های مشترک در امور صنعتی و کشاورزی، کمک در راستای احداث سد و خطوط ارتباطی (برای دسترسی آن کشور به آب‌های آزاد)
- افزایش ارتباطات اقتصادی بین شرکت‌ها، سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و صادرات کالا به آن کشور .
- افزایش حمل و نقل خطوط زمینی بین دو کشور .
- اعزام متخصصان ایرانی در زمینه‌های مختلف صنعتی و علمی به این کشور .
- کسب جایگاه مناسب اقتصادی در ترکمنستان با بالابردن سطح کیفی و کمی محصولات اقتصادی، شناخت نیازهای اقتصادی و فراهم کردن تسهیلات ویژه در امر فعالیت اقتصادی و تجاری .

- توسعه همکاری‌های اقتصادی و انعقاد قراردادهای دوجانبه و چند جانبه اقتصادی فی مابین دو کشور ایران و ترکمنستان و کشورهای منطقه .

- انتقال تجربه‌های علمی، پژوهشی و کاربردی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های اقتصادی به ترکمنستان

اسناد روابط فرهنگی ایران و ترکمنستان :

- 1381 برنامه توسعه همکاری‌های فرهنگی، علمی و آموزشی بین ایران و ترکمنستان
- 1380 تفاهم نامه همکاری بین رایزنی فرهنگی سفارت ج.ا. ایران و انستیتو عالی پژوهش ترکمنستان
- 1380 قرارداد همکاری فی مابین سرکنسولگری ج.ا.ایران در استان مرو ترکمنستان و رایزنی فرهنگی
- 1379 توافقنامه در زمینه‌های پژوهشی بین رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران در ترکمنستان و مرکز خراسان شناسی
- 1379 تفاهم نامه همکاری بین سازمان میراث فرهنگی ترکمنستان و اداره کل میراث فرهنگی خراسان
- 1378 تفاهم نامه همکاری فی مابین کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ج.ا.ایران و رایزنی فرهنگی ترکمنستان
- 1378 تفاهم نامه همکاری فی ما بین دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مختومقلی عشق آباد
- 1378 پروتکل همکاری‌های فرهنگی مابین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت فرهنگ ترکمنستان
- 1377 پروتکل بین وزارت خارجه ترکمنستان و وزارت خارجه ج.ا.ایران در مورد شرایط کار و فعالیت مراکز فرهنگی
- 1376 یادداشت تفاهم در مورد همکاری در زمینه جهانگردی ما بین ج.ا. ایران و ترکمنستان
- 1376 یادداشت تفاهم در زمینه جهانگردی بین ایران و ترکمنستان
- 1375 یادداشت تفاهم برنامه اجرایی اسناد فرهنگی امضاء شده بین دو کشور ایران و ترکمنستان
- 1375 یادداشت تفاهم همکاری‌های علمی وزارت آموزش و پرورش ج.ا.ایران و وزارت آموزش ترکمنستان
- 1374 یادداشت تفاهم همکاری‌های اقتصادی بازرگانی مابین ج.ا.ایران و ترکمنستان
- 1371 قانون موافقت نامه فرهنگی، علمی و آموزشی بین دولت‌های ج.ا.ایران و ترکمنستان

دین و اسلام در نزد ترکمن ها

دین در بستر تاریخ:

ترکمن ها چون سایر گروه های ساکن در آسیای میانه پیرو آیین «شامانیسم» بودند. شامانیسم آیینی است که در آن نوعی تصورات مبهم در باره ی خدای آسمانی یعنی «تنگری» وجود دارد. گذشته از آن الله نیز که زمین و منبع فراوانی است مورد توجه قرار دارد این خدایان همراه با خدایان خورشید و ماه نیرو های طبیعی، کوه ها، رود های مقدس، ارواح سران و دیگر ارواح مورد پرستش قرار می گرفتند. نوعی پرستش آتش نیز در این آیین دیده شده است به طوری که تمام وضایف مذهبی ایشان به وسیله شاهان و یا روحانی آیین شامانیسم در شب و در مقابل آتش انجام می گرفته است.

اما نفوذ اسلام در ترکمنستان به اواسط قرن هفتم میلادی باز می گردد. مسلمین هنگام تصرف خراسان، مرو را فتح کردند و این شهر پایگاهی برای حمله و نفوذ بعدی به ماوراء النهر گردید. مردم ترکمنستان به تدریج تا هنگام حکومت سلسله ی سامانیان (که از اواخر قرن نهم بر بخش اعظم ترکمنستان حکومت میکرد) به اسلام روی آوردند. گروه های دیگری از ترک ها نیز، که در ساحل رودخانه ی جیحون زندگی میکردند کم کم اسلام آوردند. در این هنگام تاریخ نویس مسلمان «مقدسی» از جمعیتی که ساکن دشت های ترکمنستان بود به نام ترکمن یاد میکند و از آن ژس این واژه، جایگزین غز میگردد.

از قرن پانزدهم تا قرن هفدهم، منطقه تحت حاکمیت صفوی ها قرار می گیرد و فرهنگ ایرانی در آن جا رواج می یابد. در بخش شرقی ترکمنستان، حکومت خیوه و بخارا هر از چندگاهی، حملاتی را سر و سامان داده و بخش های غربی این ناحیه را به اشغال خود در می

آوردند. با پیدایش حکومت تزاری در روسیه و قدرت یابی آن، حملات این امپراطوری از ناحیه شمالی، به طرف جنوب آغاز می گردد و نتایج حملات در 1881 میلادی در جنگ گوگ تزه ژیروزی روس ها را ترسیم کرده و ترکمنستان به اشغال روسیه در می آید. تا این زمان، مذهب در بین مسلمانان از رشد و رونق برخوردار بود و هر چند ترکمن ها با اقلیتی محدود، زیر نظر خان خیوه بودند و با آن ها سر و کار داشتند. اما هر چه بود، خان ها مسلمان بودند و دوگانگی مذهبی در ترکمنستان بین محکوم و والی وجود نداشت. این دوگانگی با حاکمیت روس ها بر ترکمنستان بوجود آمد. البته در این زمان نیز گرچه حکومت با روس ها بود اما مذهب در بین مردم راه خود را می پیمود و این مسئله تا هنگام انقلاب بلشویکی ادامه داشت.

با پیروزی لنین در روسیه و اعلام جمهوری خود مختار ترکمنستان، مرحله ی دیگری از تاریخ مذهب در ترکمنستان شروع شد که سر آغاز این مرحله، مبارزه ای شدید بر علیه مذهب بود. در اوائل کار کمیته اجرایی و شورای کمیسر های خلق هیئتی را به رهبری م - وفرونتره و وکوی بیشک به ترکمنستان فرستاد، و استعماری ترین طرح در منطقه در همین سال ها تصویب شد. طبق این طرح در ترکمنستان، بر اساس ویژگی های قومی و زبانی چند جمهوری سوسیالیستی وابسته به مرکز تشکیل دادند.

لنین در سال 1920 م به کمیون ترکستان ماموریت داد که یک نقشه ی قومی از ترکستان، که ترکمن ها ، قرقیزها و ازبک ها را در بر میگرفت تهیه کنند که در سال 1924 م این طرح فراهم شد. هر چند در آن هنگام مسکو راهیابی به چند هدف را مد نظر قرار داده بود (از جمله این اهداف می توان از حفظ مسکو به عنوان یک مرکزیت در شوروی، بسیج منابع تمام ملیت ها برای بازسازی و ایجاد خاکریز های متعدد از طریق ملیت ها در محدوده ملی - منطقه ای نام برد) اما آنچه مسلم بود این تفکیک شامل تفکیک مذهب نگردید زیرا طرح تقسیم قومی و زبانی فراتر از وحدت مذهبی موثر بود و در بعد مذهبی طرحی در تمام آسیای میانه به صورت

یکسان ژی ریزی گردید و آن مسخ مذهبی و تهدید فعالیت های دینی و متولیان آن و تخریب آثار و ابنیه ی مذهبی برای زدودن افکار و یادگار های دینی در بین مردم بود و این طرح تا لحظه ی ریزش حصار ها ادامه داشت.

دین خواهی در پرتو استقلال:

فرو پاشی حکومت سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی یک واقعه بزرگ تاریخی در آستانه ی قرن 21 بود، واقعه ای که نخست بسیاری از مردم و بویژه سیاستمداران را در مقابل یک چگونگی بزرگ قرار داد و نگرانی هایی را دامن زد. جهان دو قطبی می رفت تا تبدیل به جهانی یک قطبی شود. و قطب متلاشی شده در صدد یافتن استقلال بود که آن ها را با سوالات بی جواب بسیاری مواجه می ساخت، از سوی کشور هایی که بنا بود مستقل شوند، شرایط یکسان و هسویی نداشتند. کشور هایی مثل اکراین، روسیه و قزاقستان دارای اقتدار اقتصادی و نظامی بیشتری بودند و هیچ گونه ژشتیوانه مالی و نظامی نداشتند.

از سوی دیگر در معادلات جهانی، تعاملاتی وجود داشت غرب بویژه آمریکا سخت نگران سرنوشت کشور های تازه استقلال بودند؛ کشور هایی که اکثر آنها را ملت های مسلمان تشکیل می داد با توجه به چالش های موجود بین آمریکا و ملت های مسلمان این نگرانی روز به روز در میان سردمداران آمریکا گسترش می یافت که مبادا وحدت بین ملت ها ی مسلمان بویه تاثیرات انقلاب اسلامی ایران در منطقه، آن ها را به سوی ایران و حتی کشور های عربی چون عراق و سوریه سوق دهد. در آن روز ها هیچ کس نمی توانست ژیش بینی کند چه پیش خواهد آمد و سرنوشت چند میلیون مسلمان تازه استقلال یافته چه خواهد شد. اما یک نکته برای آمریکا و دولت های منطقه روشن بود و آن موضوع دین خواهی مردم این کشور ها بو.

چرا که 80 سال سرکوب دین و دین خواهی مردم توسط حکومت سو سیالیستی، اینک مطالبات دینی را از حکومت های جدید افزایش می داد. آمریکا با یقین از این احتمال ژا به میدان گذاشت و با همدستی دولتمردان روسیه، توانستند حکومت های دست نشانده ای را در همه این کشور ها به قدرت برسانند و با استفاده از فقر شدید اقتصادی و نیاز به کمک های مالی ابتکار عمل را به دست گرفتند.

نتیجه سلطه ی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی را همه دیدیم و می بینیم. آمریکا در دشوارترین تلاش خود موفق شد به خواست های خود دست یابد، و آن فرو نشاندن عطش دین خواهی مردم منطقه بود و در مقابل کشور های اسلامی بویژه ایران انقلابی چون هیچ برنامه مدون و حساب شده ای برای این موضوع نداشت. تنها نظاره گر فاجعه ای بود که به وقوع می پیوست و آن فاجعه سرپوش گذاشتنی بر علائق دینی مردم منطقه بود.

در آن روز ها مساجد زیادی به صورت خود جوش در شهر های منطقه ساخته شده بود. برای این کار گرفتن اجازه خاصی از دولت لازم نبوده بسیاری از ترکمن ها جوانان خود را به ترکیه، ایران و حتی عربستان فرستاده بودند تا درس طلبگی بخوانند و بسیاری دیگر در حوزه های علمیه خود جوش که اغلب در منازل تاسیس شده بود مشغول خواندن علوم دینی بودند.

صفر مراد نیازف که آن روز ها القاب ترکمنباشی را به خود نداده بود رئیس جمهوری بود که در راستای احیاء و حفظ ارزش های دینی مطالب امیدواره کننده ای میگفت. در مراسم دینی شرکت میکرد و در ساخت مساجد از خود علاقه ویژه ای نشان می داد. در آن روز ها نیازف با ارج نهادن به پایه های دینی مردم، خود به سفر حج رفته و می گفت:

«برای ایجاد وحدت در کشور باید به شدت عادت جاری در باب سخن گفتن از روابط قومی و قبیله ای را کنار بگذاریم. ما به باور های مذهبی ارج گذاشته و اعتقاداتی را که از سرایمان و

آگاهی روحانی بروز می یابد بزرگ می شماریم. دولت ما طبیعتاً همه شرایط مطلوب را برای معتقدان و مومنان فراهم آورده است. اکنون در ترکمنستان هر کس می تواند هر دینی را اتخاذ کند.»

دین خواهی مردم ترکمن و این نیاز عطشناک، نیاز به ژاسخی در خور داشت. آمریکا و متحدان غربی اش و حتی روسیه، با همه توان تلاش کردند تا هرچه زودتر این عطش طبیعی را مهار و آن را فرو بنشانند از آنجا که هیچ تلاش دیگری از سوی کشور مسلمان برای برافروخته نگه داشتن این عطش صورت نمی گرفت طبیعی بود طرفداران مذهب زدایی د منطقه بدون هیچ مقاومتی پیروز از میدان مبارزه در آیند.

بعد ها باری ساده لوحان نیز مشخص شد که سناریوی از پیش نوشته شده مذهب زدایی مو به مو اجرا شده است. مثلاً در ترکمنستان رئیس جمهوری که پیش از آن دبیر اول حزب کمونیست در ترکمنستان بوده و هنوز سخنان آتشینش در دفاع از مرام کمونیست را مردم فراموش نکرده اند، به عنوان رئیس جمهور انتخاب و بر استقرار دو عنصر به شدت تاکید میکند:

1. پان ترکمنیسم 2. دین خواهی

نیازآف از آغاز ریاست جمهوری اش تا زمان مرگش به هیچ موضوعی به اندازه ناسیونالیسم ترکمنی اشاره نکرده بود. بردی محمد اف نیز پس از او همین راه را در این زمینه ادامه داد.

اما در مورد دین خواهی ریاست جمهوری، علیرغم اینکه در قانون اساسی این کشور ترکمنستان کشور لائیک است اما نیازآف کرارا خود را مردی مسلمان می دانست و به ریش سفیدان و متولیان دین احترام خاص قائل بود. در آغاز این الطاف ریاست جمهوری موجب افزایش مراکز دینی، مساجد و آموزش مبانی دینی از جمله قرآن و نماز در بین مردم شد. بعد

ها ریاست جمهوری با تشکیل شورایی به نام شورای دینی متشکل از سه نفر از افرادی که توسط ایشان منصوب شدند، انجام کلیه امور دینی، بویژه هدایت مساجد و مراکز دینی را به این سه نفر واگذار کرد و آنها نیز با انتصاب شورا های دینی استان ها، تعیین ائمه جماعت مساجد را به عهده گرفتند.

با تحکیم قدرت سیاسی رئیس جمهوری نخست با احتیاط و سژس با صراحت اعلام کرد که دین از سیاست جدا است و متولیان دینی حق دخالت در امور سیاسی را ندارند، اما به همان نسبت هستیم که سیاست مداران در کلیه امور دینی دخالت نموده و همه اختیارات اعضای شورای دینی را از آن ها گرفته و آن ها تبدیل به مهره هایی بی خاصیت نمودند.

دخالت سیاست مداران در امور دینی موجب شد که به دستور رئیس جمهور کلیه مدارس دینی تعطیل و به جای آن ها مدارس دینی دولتی با همکاری و مدیریت ترک ها (ترکیه) به وجود آید. اعزام علاقه مندان به آموزش دروس دینی به خارج از کشور ممنوع و این امر تنها با نظارت دولت و آن هم بسیار محدود امکان پذیر شد. طرح مسائل دینی در رادیو و تلویزیون ممنوع و نشریات جز در موارد خاصی (ماننده ماه مبارک رمضان) حق چاپ مقالات دینی را از دست دادند. سپس آموزش قرآن مجید در مساجد ممنوع و به جای آن آموزش روحنامه (کتاب خود نیازأف) در مساجد آغاز گردیدو ائمه جماعت موظف شدند شنبه های هر هفته روحنامه را به جای قرآن در مساجد آموزش بدهند مردی به نام ملا خوجه احمد آخوند که از روحانیان سرشناس و مطرح ترکمنستان بود اقدام به ترجمه قرآن به زبان ترکمنی و سپس چاپ آن در دو جلد در سال 1995 نموده بود رئیس جمهوری به بهانه اینکه او با این کارش به قرآن مجید توهین کرده است و ترجمه او پر از غلط های فاحش و گناه آلود می باشد او را بازداشت و پس از مصادره اموال و تخریب مسجد، او را به نقطه ای تبعید و ممنوع القلم نموده اند. دولت و رئیس جمهور فعلی ترکمنستان نیز مانند رئیس جمهور پیشین خواستار نقش حد اقلی دین در

جامعه و حکومت است و میتوان گفت زمان بردی محمد اف با نیازُف در این خصوص تفاوتی ندارد.

همه این تلاش های دین زدایی در حالی صورت می گیرد که تجربه تاریخی نشان داده است هر کجا که دین خواهی مردم از سوی حکومت ها به زور کنترل و یا در تنگنا قرار گیرد جواب چیزی دیگر خواهد بود. تجربه مردم ایران در گذشته و مردم ترکیه در حال حاضر مبین همین نکته است. در ترکمنستان نیز هر چند مردم در چنبره مشکلات اقتصادی به طرز مرگ باری گرفتار شده و شور و شوق سال های اولیه استقلال را از دست داده اند، اما کافی است مناسبتی مانند ماه مبارک رمضان از راه برسد، آن ها به خوبی به نیاز های فطری خود جواب مثبت می دهند.

یکی از بارز ترین دلایل علاقه مندی مردم به دین خواهی، توجه آن ها به شنیدن برنامه های ترکمنی رادیو برون مرزی صدای جمهوری اسلامی مرکز گرگان است. این رادیو که از سال 1361 افتتاح شده و صدای آن در این منطقه به گوش می رسد، توجه مردم علاقمند به مسائل دینی را به خود جلب کرده است به طوری که یکی از رو حانیون ترکمن برخی برنامه های مذهبی رادیو را در نوار های کاست ضبط و در اختیار سایر علاقمندان قرار می دهد.

علاقه مردم به مذهب را در سایر امور نیز می توان مشاهده کرد. از جمله افزایش حضور مردم در آرامگاه های مشاهیر و اولیاء دینی، کسانی چون ابوسعید ابوالخیر، خواجه یوسف همدانی و سید جمال الدین و شیخ نجم الدین کبری که تبدیل به اماکنی شده که هر شب جمعه مردم به آنجا رفته و خدا یولی (صدقه) میدهند و قرآن می خوانند. آویختن برگه های دعا، نام الله، تصاویر کوچکی از مکه و مدینه در قالب برچسب و آویز های تزئین در منازل و اتو مبیبل ها از دیگر نمونه های دین خواهی مردم قلمداد می شود و این در شرایطی است که همه این مردم

در دورانی تولد و رشد یافته اند که دین به عنوان افیون توده ها از زندگی آن ها کنار گذاشته بود و امروز نیز سیاست دولت در حذف تدریجی دین راه به جایی نبرده است.

اطلاعات مساجد شهر عشق آباد :

نام مساجد	آدرس	نام ائمه جماعات	ملاحظات
مسجد امام رضا (ع)	خیابان چخف داخل کوچه	آقای نادر علیف	این مسجد پیروان اهل بیت (ع) می باشد. هر شب جمعه و جمعه، اعیاد و وفیات ائمه مراسم در آن برگزار می شود. توسط ایرانیان حمایت می شود.
مسجد الزهرا (س)	خیابان تهران روبروی سفارت ج.ا.ایران	رایزن یا وابسته فرهنگی	این مسجد توسط سفارت ج.ا.ایران ساخته شده و در جنب مجتمع آموزشی سفارت می باشد و توسط سفارت اداره می شود.
مسجد الاقصی	شرق خیابان چخف در محله نخورها	آقای محمد اورازف	این مسجد در محله نخورها ساخته شده و اولین مسجد بنا شده پس از استقلال می باشد. بسیار پررونق است و از کمک های مردمی اداره می شود.

<p>این مسجد را دولت ترکیه ساخته است و در جوار رایزنی فرهنگی ترکیه می باشد. مسجد الگویی از مسجد ایاصوفیه استانبول می باشد. در پنج نوبت نماز جماعت برگزار می شود.</p>	<p>آقای قربان</p>	<p>خیابان شیفچنکف</p>	<p>مسجد طغرل قاضی</p>
<p>این مسجد قبلاً سبزه گنبد نام داشت ولکن با پافشاری عده ای نام آن تغییر یافت امام مسجد فردی با افکار وهابی است ولکن الآن نبینا شده و یک طلبه جوانی برای نماز می آید هر پنج نوبت نماز جماعت اقامه می شود جمعیت آن بسیار کم است.</p>	<p>آقای حضرتقلی جایگزین آن آقای مردان</p>	<p>خیابان چخ نبش خیابان دست راست</p>	<p>مسجد عمر</p>
<p>یک نفر قطری این مسجد را ساخته است و هم اکنون توسط یک تاجر ترکمن حمایت می شود. در این مسجد پنج نوبت نماز جماعت اقامه می شود. جمعیت متناهی دارد.</p>	<p>آقای محمد مراد</p>	<p>خیابان میر</p>	<p>مسجد آزادی</p>
<p>این مسجد به دستور نیازأف توسط فرانسویان ساخته شد. مبلغ 120 میلیون دلار هزینه مسجد شد هم اکنون در کنار مسجد دفتر مفتی قرار دارد و در این مسجد اقامه نماز می</p>	<p>آقای روشن بردیف</p>	<p>جنب روستای قبیچاق</p>	<p>مسجد قبیچاق</p>

کند و مقبره خانوادگی نیازأف نیز در همجوار این مسجد می باشد.			
این مسجد با بودجه دولت امارات ساخته شده است و در پنج نوبت نماز جماعت برگزار می شود . دولت امارات از این مسجد حمایت هایی دارد		مسیر روستای باقر نبش خیابان دست چپ	مسجد شهدا
این مسجد چندی پیش بواسطه تدریس قرآن تعطیل شد ولکن مجدداً بازگشایی شد و در پنج نوبت نماز جماعت برگزار می شود. یک نفر ترک آن را ساخته است	آقای رمضان	میکرایون 11	مسجد عثمان
مسجد کوچکی حدوداً 40 نفر جمعیت در آن جا می گیرد. با کمک های مردمی این مسجد اداره می شود	آقای خوجه وردی	جنب میر کلونیت	مسجد حاج احمد یسوی
یک نفر ترک با کمک های مردمی آن را ساخته است. این مسجد دو طبقه وسیع است. هر پنج نوبت نماز جماعت برقرار می باشد. یک مدرس قرآن دارد که 25 کودک را قرآن تعلیم می دهد. از رایزن به تازگی به آنها کمک شده است. (در حد قرآن و کتاب)	آقای صادق	خیابان میر خیابان سورنی	مسجد ابوبکر

شیعیان ترکمنستان:

خوشبختانه در غالب شهر ها و مناطق ترکمنستان اقلیت شیعه حضور دارد و بطور مشخص در ماه محرم جلسات سوگواری و عزاداری برگزار میکنند که همین موضوع مهمترین عامل حفظ هویت شیعی و دینی ایشان در دوران سخت و دشوار حاکمیت کمونیسم و حتی پس از فروپاشی بوده و هست. بطور مشخص مساجد شیعیان به شرح ذیل میباشد:

1. مسجد امام رضا (ع) در عشق آباد

2. مسجد امام علی (ع) در بندر ترکمنباشی

3. مسجد امام خمینی در استان مرو

البته در شهر های مختلف مانند سرخس، نفت داغ، بایرامعلی، چهارجو، کاکا، شهرک باقر و ... نیز مساجدی برای شیعیان وجود دارد.

پراکندگی شیعیان در کشور:

شیعیان عشق آباد:

شیعیان این شهر که اکثرا آذری و تعدادی فارس زبان هستند حدود 2500 نفر تخمین زده شده است. اطلاعات دینی آن ها بسیار پایین است، آن ها به برگزاری مراسم مذهبی علاقه مند و به مردم ایران شیفته هستند و برای مردم قم احترام خاصی قائل هستند. جوانان این شهر چه دختران و چه پسران علاقه زیادی به یادگیری قرآن و زبان فارسی نشان می دهند. این امر برای جوانان اهل سسنت هم صادق است و تفاوتی ندارد.

شیعیان روستای باقر:

شیعیان روستای باقر نسبت به شیعیان آذری ساکن عشق آباد و سایر مناطق از آگاهی دینی و مذهبی بیشتری برخوردارند. در این روستا حدود 2000 نفر شیعه زندگی می کنند که غالب متنفذین آنها ایرانی هستند و رابطه خویشاوندی با هم دارند و زبان فارسی خود را حفظ کرده اند. حاج حسین امام جماعت شیعیان این روستا محور اتحاد آن ها است.

شیعیان ترکمنباشی:

حدود 500 الی 600 شیعه در این شهر زندگی میکنند، شیعیان این شهر عمدتاً آذری هستند.

شیعیان سرخس:

حدود 3000 نفر شیعه در این شهر زندگی می کنند، اغلب آن ها زابلی های ایران هستند که از گذشته دور در آن جا ساکن شده اند.

شیعیان مرو:

حدود 5000 نفر از پیروان اهل بیت (ع) در این شهر زندگی می کنند، شیعیان این شهر مراسم مذهبی و نماز جماعت را در مسجد و حسینیه مرو برگزار می کنند.

علاوه بر مناطق نام برده شده شیعیان در مناطق دیگری مثل کاخکا، تجن، بایرامعلی، روستای رفسنجانی، یولاتان، چهارجو، بالکان آباد، داش حوض و سالخوص نیز حضور فعال دارند.

سیاست دولت ترکمنستان در درجه اول بر تحکیم و تقویت وحدت ملی استوار است و بسیار شدید و افراطی به ترویج پان ترکنیسم می پردازند و از طرفی شیعیان بدون استثناء همگی غیر ترکمن هستند (آذری، کرد، بلوچ، فارس و . . .) بنابراین جایگاه اجتماعی رسمی برای

ایشان تقریباً وجود ندارد اقلیت هستند که آمار دقیقی از تعداد ایشان در دست نیست. تخمین زده میشود که حدود 5٪ از کل جمعیت ترکمنستان را شیعیان تشکیل می دهند. در مجموع دولت ارج و ارزش مناسب برای شیعیان قائل نیست و حساسیت هایی را هم نسب به شیعیان و برنامه های آن ها دارد.

شرایط تبلیغی در ترکمنستان

همان طور که در قبل اشاره شد مردم ترکمنستان عموماً به دین علاقه زیادی دارند. متأسفانه آگاهی دینی مردم از مبانی و معارف دینی بسیار اندک است و روحانیون فاضل و با سواد نیز بسیار اندک و ناچیز هستند. بخشی از مردم واقعا متدین و پایبند به مبانی هستند لیکن اغلب ایشان تعهد عملی به دین ندارند، چرا که وضع حجاب و فسادهای دیگر بطور آشکار وجود دارد. البته در روستاها و شهرهای کوچک وضعیت بهتر است.

دولت ترکمنستان به امور دینی به طور عام و به مبلغین اعزامی از خارج حساسیت زیادی دارد و همواره سعی در محدود نمودن تبادل طلبه و مبلغ داشته و از اعزام طلبه و دانشجویان به ایران در مدت 20 سال بعد از فروپاشی به شدت جلوگیری نموده است. در سال های اخیر تعداد بسیار محدود و اندک مبلغ فقط به عشق آباد اعزام شده است.

اما دیدگاه رئیس جمهور این کشور در باره امام هشتم شیعیان میتواند زمینه ساز تقویت فرهنگ شیعه در ترکمنستان باشد. بردی محمد اف رئیس جمهور ترکمنستان به مناسبت همایش علمی بین المللی بزرگداشت امام رضا (ع) خطاب به شرکت کنندگان همایش می گوید:

«یکی از علما که اصول دین اسلام را تبلیغ کردند و استعداد و تلاش خود را برای زیباتر شدن زندگی انسان، کامیابی جامعه و زندگی رفاه آمیز مردم به کار می بردند، علی بن موسی الرضا (ع) است که در بین ترکمن ها به قیزیل امام معروف می باشد، نام امام رضا (ع) در بین ترکمن ها از جایگاه شایسته ای برخوردار است. علما و شخصیت های نامی و صاحب کرامت نظیر مهنه بابا، محمود زمخشری، نجم الدین کبری، خواجه احمد یسوی، باقرغانی از خرد و حکمت امام رضا (ع) الهام گرفتند.

پدرمان مختومقلی که افتخار ملی ما است نیز در اشعار خویش مکررا از این عالم بزرگوار نام برده و به کرم و کرامت وی سر تعظیم فرود آورد. مردم ترکمن از دوران قدیم تا امروز نیز احترام بزرگی برای صاحب کرامت امام رضا (ع) قائل بوده و حرم مطهر عالم بزرگوار در شهر مشهد ایران را زیارت می کنند. دانشمند بزرگوار امام رضا (ع) قدم مبارک خود را در گنجینه تاریخ و فرهنگ ترکمن یعنی شهر مرو نهاده و مدتی اقامت در این منزلگه حیرت انگیز به ایشان میسر شده است. آن عالم در این شهر قدیم که سرزمین علم و دانش کتابخانه ها و مدارس با شکوه بوده است، فلسفه نیکو کاری، حلالیت و نوع دوستی را برای ما به ارث گذاشته است. محققین محترم! تحقیق عمیق و تحلیل کامل میراث امام رضا (ع) و معرفی آن در جهان، ارزش های تمام بشریت را هر چه بیشتر غنی تر می سازد.))

مردم و علمای ترکمن و حتی دولت ترکمنستان ایران را یک کشور اسلامی میدانند و علمای ترکمنستان برای علمای ترکمن ایران احترام زیادی قائلند. برنامه های صدا و سیمای گلستان هم طرفداران زیادی در ترکمنستان دارد. در مجموع در ترکمنستان نسبت به ایران نسبتا دید مثبتی وجود دارد.

فعالیت های تبلیغی دیگر کشور ها در ترکمنستان:

ترکیه:

ترکیه با هماهنگی کشور های غربی فعالیت های فرهنگی زیادی دارد؛ حتی ساختمان اداره امور دینی ترکمنستان در مسجد طغرل بیک مستقر است که این مسجد توسط ترکیه ساخته

شده است. طلاب و دانشجویان زیادی به ترکیه اعزام و آموزش دیده اند. ترکیه در عشق آباد دانشکده الهیات دارد، که مبانی دینی را آموزش می دهد. به طور کلی ترکیه بر عمده امور تبلیغی در ترکمنستان سیطره کامل دارد.

وهابیت:

وهابیت در سراسر آسیای میانه فعالیت سازمان یافته دارد البته با توجه به محدودیت ها و حساسیت زیاد دولت در ترکمنستان حجم فعالیت ها کمتر و غیر علنی بوده لیکن در عشق آباد جنب مسجد امام رضا (ع) مسجد عمر وجود دارد که گفته می شود مرکز تجمع افرادی است که گرایش های وهابی دارند.

تهدیدها یا تنگناهای برای تبلیغات در کشور ترکمنستان :

1- پراکندگی انسانی

با توجه به مختصات جغرافیایی کشور ترکمنستان و قرار گرفتن مردم در یک مسیر طولانی کشورشان به خاطر وجود صحرای بزرگ قره قوم عملاً امکان حضور در برخی مناطق ترکمنستان میسر نمی باشد و از طرفی محدودیت هایی از طرف دولت ترکمنستان جهت رفت و آمد به برخی مناطق اعمال می گردد این عمل محدودیت بعضاً شامل خود هموطنان ترکمنی می شود.

2- مسائل سیاسی - ایدئولوژیک

- 1-2- رشد گرایش های سکولاریستی در بین دولتمردان به ویژه در بین تحصیل کردگان و برخی سران حکومتی و مدیران بالای حکومت و رؤسا و استادان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، و حامیان رو به تزاید این گرایش در دستگاههای اداری و فرهنگی.
- 2-2- تفوق گرایش ها و ملاحظات سیاسی بر اندیشه ها و علایق فرهنگی در رسانه های ترکمنستان و در نتیجه تضعیف و تمدید پایگاههای تبلیغ فرهنگی.
- 3-2- تفرقه افکنی های دشمنان اسلام (از طریق داخل و خارج به ویژه از طریق فرقه های مختلف) بین مسلمانان و القای شبهات مختلف عقیدتی و تاریخی در این زمینه
- 4-2- نگرانی دولت ترکمنستانی نسبت به ج.ا. ایران، (انقلاب) به جهت مسلمان بودن دو کشور و در نتیجه حساسیت دولتمردان ترکمنستانی نسبت به فعالیت های نمایندگی های رسمی و غیررسمی ایران در ترکمنستان.
- 5-2- عدم آزادی و سیستم حکومتی متمرکز و عدم تفکیک قوا و حساسیت فوق العاده بویژه به فعالیت های فرهنگی ج.ا. ایران عملاً زمینه فعالیت در این کشور را دشوار ساخته است.

3- مشکلات فرهنگی:

- 1-3- بحران هویت و سیاست های ناسیونالیستی افراطی دولت ترکمنستان در جهت هویت سازی
- 2-3- تأثیرات نامطلوب بیش از یک تسلط فرهنگ روسی بر منطقه آسیای مرکزی و قفقاز

3-3- تأثیرات نامطلوب و دائم التزاید رواج مظاهر منحط فرهنگ غربی (از جمله گسترش شبکه های تلویزیونی ماهواره ای و کابلی، ویدئو کلپ، اینترنت) به ویژه از ناحیه فرآورده های فرهنگی - هنری در بین جوانان به ویژه دانشجویان اعزامی از ترکمنستان به کشور آمریکا و ... و خطر استحاله فرهنگی.

3-4- فعالیت گسترده و چشمگیر نمایندگی های فرهنگی سایر کشورها، به ویژه کشورهای غربی و کشورهای پیشرفته آسیایی با استفاده از امکانات بسیار و ابزارهای نوین و صرف هزینه های هنگفت و اجرای برنامه های متنوع و منظم و جذاب و فراگیر و در نتیجه تمديد قلمرو و نفوذ و تأثیر فعالیت های فرهنگی و هنری ایران.

4- دشواری های تبلیغات اسلامی:

4-1- ضعف شدید علمی، دینی و فرهنگی و ممنوعیت تبلیغ و فعالیت دینی در ترکمنستان.

5- رسوبات تفکرات کمونیستی

پیشتهادات تبلیغی:

- 1- جذب و تربیت طلاب بومی در ایران مهمترین اولویت است.
- 2- در مرحله بعد تهیه و تدوین متون و کتاب های مفید، ساده، معتبر و مختصر در خصوص اعتقادات، اخلاق، احکام، تفسیر، تاریخ اسلام و اهل بیت به زبان روسی و ترکمنی.
- 3- توسعه و تقویت برنامه های ترکمنی صدا و سیمای گرگان.
- 4- تولید و عرضه نرم افزار های مفید به روسی و ترکمنی و نیز فعالیت در فضای مجازی.

منابع و مآخذ:

1. اقالیم فرهنگی فراسو، انتشارات: پژوهشگاه بین المللی المصطفی، تدوین : محمد علی متوسلیان
2. شناسنامه فرهنگی ترکمنستان، ابراهیم حسن بیگی، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران. 1382.
3. تاریخ تیموریان و ترکمانان، دکتر حسین میر جعفری ، انتشارات دانشگاه اصفهان ، 1358.
4. ستارگان درخشان مرو ، مصطفی ناصری، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.
5. فرهنگ جغرافیای تاریخی ترکمنستان، مهدی سیدی؛ انتشارات بین المللی الهدی، 1383.
6. تاثیرات متقابل فرهنگی ترکمنستان و خراسان (فرصت ها و آسیب ها)؛ دکتر مهدخت پور خالقی، مهدی سیدی، نادره سیدی؛ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی
7. سایت موسسه مطالعاتی ایران و اوراسیا
8. سایت رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران

9. جغرافیای جهان اسلام
10. اسناد موجود در مرکز اطلاع رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
11. مصاحبه از جناب آقای عیسی زیرک کارشناس محترم ترکمنستان
12. گزارشات واصله از رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان
13. گزارش های مبلغین اعزامی
14. اسناد و مدارک ترکمنستان موجود در مرکز بین المللی تبلیغ
15. دایره المعارف ویکیپدیا
16. دایره المعارف بزرگ اسلامی
17. دانشنامه جهان اسلام